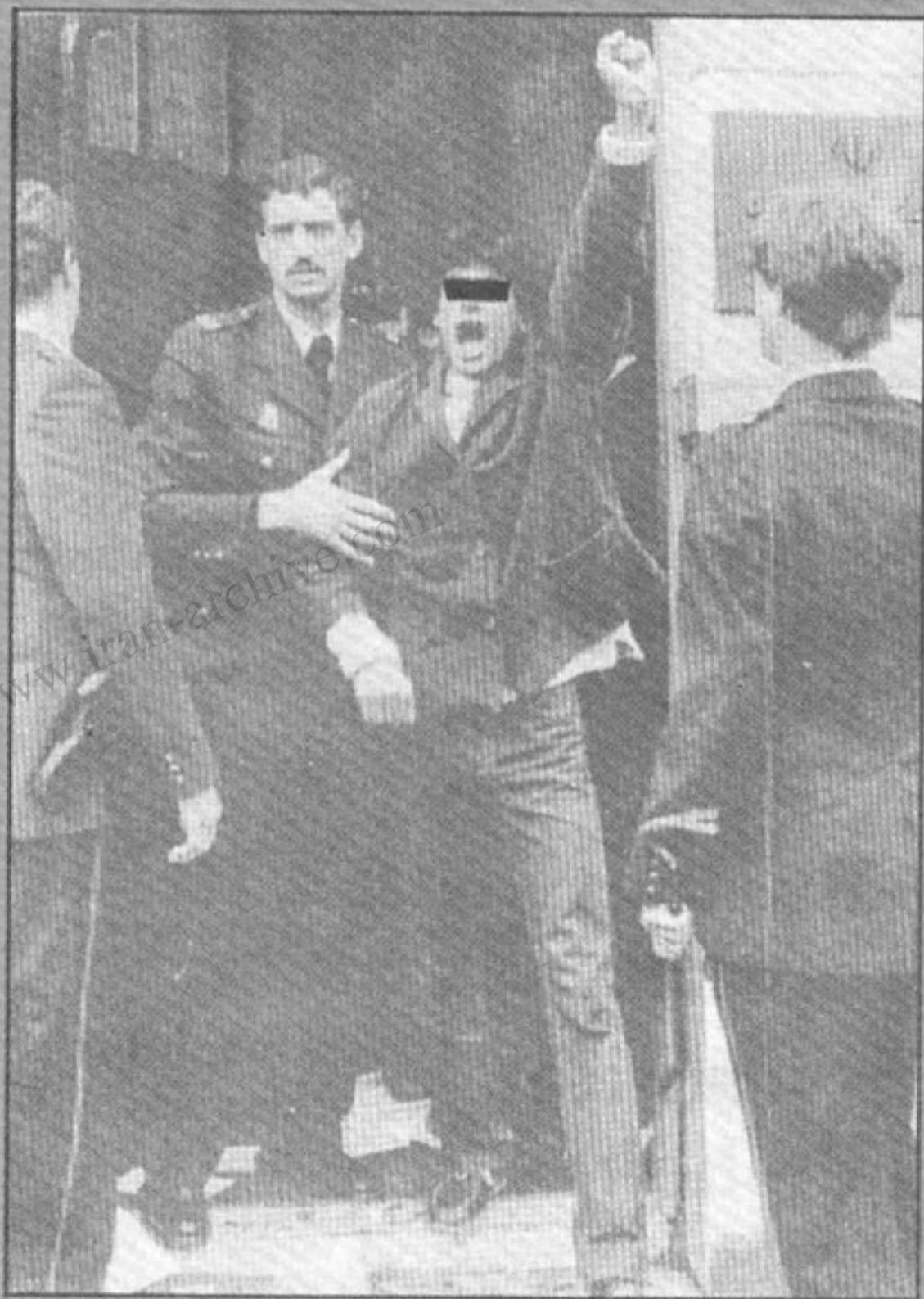




# بار دیگر سفارت رژیم در هلند اشغال شد



آکسیون سراسری هواداران در ۱۱ کشور جهان،  
در اعتراض به توطئه اخیر رژیم در کردستان

# سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و حزب دمکرات کردستان ایران

خلق قهرمان کرد!

خلقهای سراسر ایران!

سازمانها و احزاب مترقی ایران و جهان!

رژیم جمهوری اسلامی بیش از ۵ سال است جنگ خانمانسوزی را بر خلق کرد تکمیل نموده است و از هیچ جنایتی برای رسیدن به اهداف خود فروگذار نکرده است. امروز که بن بست تمامی تلاشهای خود را در مقابله با اراده خلل ناپذیر ملیت کرد مبنی بر رهایی از قید و بند ستم ملی و کسب حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عینه مشاهده نموده و هیچگونه چشم انداز روشنی برای موفقیت در یکجانبه جنگ ضدبشری را برای خود نمی بیند و در هر گوشه از کردستان انقلابی مورد ضربات و حملات کوبنده و روزافزون پیشمرگان قهرمان خلق کرد قرار می گیرد، دست به تلاشهای جدیدی برای دستیابی به اهداف خود زده است.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، همانگونه که قبلا نیز به اطلاع همگان رسید، دستور تخلیه بیش از ۶۰ روستا را داده و اهالی آنها را تهدید به ویران نمودن خانه و کاشانه شان کرده و سیاست انهدام بخش وسیعی از روستاهای مقاوم کردستان را در پیش گرفته است. اما گذشت مدت بسیار کمی آشکار ساخت که این سیاست رژیم به مناطق قبلی (آلان، سویسایتسی، کهورک سردشت) محدود نبوده و نخواهد بود و رژیم جمهوری اسلامی در هر کجا که در تنگنا قرار گیرد، چنین سیاستی را در پیش خواهد گرفت. کما اینکه اخیرا در منطقه سرشاخان نقده و منطقه پیرانشهر نیز چنین سیاستی را نه تنها به پیش کشیده است، بلکه عملی نیز ساخته است.

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در منطقه سرشاخان، روستاهای کانی زرد و احمدغریب را به آتش کشیده و در پیش چشم اهالی روستاها، خانه و کاشانه آنها را با خاک یکسان نموده است و به اهالی ده روستای دیگر نیز اخطار نموده است که هرچه زودتر روستاهای خود را تخلیه نمایند. رژیم عین همین کار را در منطقه پیرانشهر نیز با به آتش کشیدن روستای دوله سی و تخلیه روستاهای ژویان و حزپاپ عملی ساخته است.

ابعاد جنایت رژیم در تخریب روستاهای فوق نشان می دهد که زندگی بخش وسیعی از روستائیان کردستان در معرض تهدید قرار دارد. رژیم جمهوری اسلامی تصور می کند با ویران نمودن این روستاها و آواره کردن اهالی زحمتکش آنها که بیش از ۵ سال است علاوه بر بمباران و گلوله باران دژخیمان جمهوری اسلامی، بار سنگین محاصره اقتصادی رژیم را نیز تحمل کرده اند، میتواند آنها را به زانو درآورد.

حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بدینوسیله:

۱- از کلیه مردم کردستان می خواهند که در مقابل این سیاست ارتجاعی رژیم به مقاومت برخاسته و هرگونه همکاری و همگامی لازم را با کلیه نیروهای انقلابی در جهت مقابله با تلاشهای جدید رژیم بعمل آورند.

بقیه در صفحه ۲۲

## در حاشیه آکسیون سراسری

روز ۱۲ سپتامبر هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در خارج از کشور یکبار دیگر همبستگی مبارزاتی عمیق خود را با آرمانهای کارگران، زحمتکشان و خلقهای ایران در عمل به نمایش گذاشتند. و نشان دادند که جنبش دانشجویی خارج از کشور به حق جزئی جدائی ناپذیر از مبارزات توده های زحمتکش و نیروهای انقلابی کشور است. در این روز، هواداران سازمان در ۱۶ شهر بزرگ جهان بطور همزمان و هماهنگ صدای اعتراض خود را علیه سیاست ارتجاعی اخیر رژیم مبنی بر تخلیه و تخریب روستاهای کردستان به گوش دهها میلیون نفر از مردم جهان رساندند.

خصوصیت تعریفی این حرکت با عت گردید که این آکسیون نیز مانند آکسیون سراسری ۷ نوامبر و آکسیون سراسری ۲۶ آوریل، توجه مردم جهان را بخود جلب نموده و بطور وسیع در رادیوها، تلویزیونها و مطبوعات جهان منعکس گردد.

بقیه در صفحه ۱۳



گرامی باد  
خاطره

فدائی کبیر رفیق اسکندر  
(سیامک اسدیان)

# بن بست جنگ: در حاشیه آغاز پنجمین سال جنگ ارتجاعی ایران و عراق

دوستان چهار سال پیش، در اولین روزهای یاسیز، جنگ ارتجاعی ایران و عراق با حمله نیروهای عراق به خاک ایران آغاز گردید. جنگی که به نظر کارشناسان سیاسی و نظامی جهان و بسیاری از نیروهای انقلابی کوتاه مدت و موقتی پیش بینی میشد، با سیاست‌های جنگ طلبانه و ارتجاعی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، پس از گذشت چهار سال همچنان ادامه دارد.

جنگ ایران و عراق در شرایطی آغاز شد که مبارزه انقلابی کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم میهن ما هر روز عمق بیشتری یافته و نفوذ نیروهای انقلابی در میان توده‌های زحمتکش بسط و گسترش بیشتری می‌یافت. رهبران جمهوری اسلامی با استفاده از توهّمات مذهبی و شوونیسم ملی توده‌های

ناتگاه، نه تنها مسیر مبارزه انقلابی را منحرف نموده، بلکه بسیاری از نیروهای سیاسی را نیز به توهّم واداشتند و آنها را به مواضع دفاع طلبانه کشانند.

امروز پس از گذشت چهار سال از جنگی که به قیمت جان صدها هزار نفر از مردم دو کشور، بی خانمانی و آواره شدن میلیونها نفر، ویرانی تاسیسات صنعتی، تخصیص بیش از نیمی از بودجه کشور به جنگ و ... ادامه یافته است، توده‌های زحمتکش ثمرات ناشی از این جنگ را که چیزی جز ویرانی، مرگ، بیماری، آوارگی، بیکاری، فقر، تشدید جو خفقان و ... سرکوب نیروهای انقلابی نبوده است، با گوشت و پوست خود لمس می‌کنند. ناراضی‌تبی و کسنگی توده‌ها از جنگ

ایران و عراق در چنان ابعادی است که دیگر موعظتات و اندرزهای سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی نیز چاره ساز نمی‌باشد.

در حقیقت ناراضی‌تبی روزافزون توده‌های مردمی که مجبورند با دست رنج خود بهای این جنگ خانمانسوز را بپردازند، مهمترین عاملی است که سیاستهای جنگ طلبانه رژیم را با بن بست رویرو ساخته است؛ بن بستیی که سران جمهوری اسلامی قادر به انکار کردن آن نیستند؛ بن بستیی که نمایندگان رژیم در شروع کار دومین دوره مجلس شورای اسلامی، تحت عنوان "انزوای سیاسی داخلی و خارجی" جمهوری اسلامی به آن اذعان میکنند.

در چند ماه گذشته رژیم جمهوری اسلامی بیش از ۵۰۰ هزار نفر از

## فهرست مطالب

صفحه	موضوع
۶	گشت و گذار: در هفته دولت چه گذشت
۷	اخبار ایران
۱۲	در مجلس شورای اسلامی چه میگذرد
	اطلاعیه سچفا - شاخه کردستان
۱۳	پیرامون سیاست تخلیه روستاها
۱۶	گزارش آکسیونهای ۲۷ سپتامبر
۱۸	قطعنامه آکسیون سراسری ۲۷ سپتامبر
۲۳	انعکاس آکسیون سراسری در مطبوعات
	پیام سچفا به چهارمین کنگره
۲۵	سازمان آمریکا
	قطعنامه مصوبه چهارمین کنگره سازمان
	آمریکا در باره لجن پراکنی‌های
۲۷	مندرج در مجاهد شماره ۲۱۷
۳۰	اخبار جهان

گسترش روابط اقتصادی جمهوری	صفحه
اسلامی با ترکیه	۳۴
درباب یک "ریسمان" قدیمی وطنزهای	
تلخ مجاهدین	۳۶
دیدگاهها: "راه کارگر! اکونومیسم	
ناب در نفی شعار "کمیتشده‌های	
مخفی اعتماداً" (۲)	۴۰
ادبیات بالنده: خاطرات یک رفیق	
از همایون کتیرائی در زندان	۴۵
از خوانندگان	۴۷
مشکلات و مسائل آوارگان و	
پناهندگان مبارز	۴۸
شعر	۵۰
کدهای مالی	۵۱

نیروهای خود را در پشت مرزهای عراق برای "حمله نهائی" در حالت آماده باش نگهداشته است و علیرغم تهدیدات و بلوف های مکرر رژیم تاکنون از انجام چنین حمله ای نا - شوان بوده است. فقدان یکپوشم انداز امیدبخشی برای رژیم در جنگ باعث شده تا جناح های مختلف آن بر سر چگونگی پیشبرد سیاست جنگی و سیاست بیعبارت دقیقتر بر سر چگونگی بیرون رفتن از بن بست جنگ، با یکدیگر به مخالفت بپردازند و تضادهای خود را در این مورد نیز آشکار سازند. از یک طرف رفرستجانی در دیدار هیئت پارلمانی آلمانی در تهران، ضمن گله از کشورهای غربی که از امکانات خود برای اجرای طرح استفاده نکرده اند، مطرح میکند که "با وجود همه مشکلات ما طرح طلب هستیم و روزی که زمینه صلح پایدار که حقوق مردم ما در آن وجود داشته باشد، فراهم گردد، جنگ خاتمه خواهد یافت." از طرف دیگر، خامنه ای رئیس جمهور و موسوی نخست وزیر در مخالفت با این ترمش های رفرستجانی، اعلام میکنند که سران رژیم جمهوری اسلامی به هیچوجه حاضر نیستند با "جنایتکارانی چون صدام حسین و دارودسته اش از صلح و مسالمت سخن بمان آورند."

بغیر از نارضایتی های فزاینده توده های مردم از جنگ و بحران روزافزون اقتصادی جامعه، بعنوان عمده ترین عواملی که سیاست های جنگی رژیم را با بن بست مواجه ساخته اند، عوامل بین المللی نیز در این مورد تاثیر بسزائی داشته اند. در مورد عوامل بین المللی باید به تغییر و تحولاتی که در موضع گیری کشورهای امپریالیستی، سوسیالیستی و کشورهای عربی منطقه خاورمیانه نسبت به جنگ بوجود آمده است، اشاره کرد.

۱- کشورهای امپریالیستی : همانطور که قبلا در مقاله "جنگ

ایران و عراق و استراتژی امپریا - لیسم" (جهان ۲۱) اشاره نمودیم، منافع حیاتی و درازمدت امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا حکم میکند که موازنه کثرتی قدرت سیاسی و نظامی در منطقه حفظ شود. بعبارت دیگر، امپریالیستها مخالف کوشیده شدن جنگ به آبهای خلیج فارس بوده و خواهان تداوم جنگی فرسایشی در نوارهای مرزی بین دو کشور ایران و عراق هستند. در گزارش سنای آمریکا که در تاریخ ۲۷ اوت منتشر شد، ضمن اعلام نگرانی از حملات عراق به جزیره خارک، آمده است که ادامه حملات عراق به این جزیره باعث خواهد شد که "ایران از روی ناچاری تشنگی هرمز را ببیند و هر گونه دریانوردی در خلیج فارس را غیر ممکن کند. درمعرض عراق هم بنادر ایران را بمباران خواهد کرد که فقط در این صورت است که نیروهای خارجی برای حفظ آزادی دریانوردی مداخله خواهند کرد."

البته باید بخاطر داشت که سیاست امپریالیستها نسبت به دو طرف درگیر در جنگ یکسان نیست. درحالیکه فرانسه به حمایت از دولت عراق برخاسته و سلاحهای زیادی را در اختیار این کشور گذاشته است، دولت آمریکا بطور ضمنی و غیر مستقیم از رژیم جمهوری اسلامی پشتیبانی میکند. دلیل این امر آن است که رژیم جمهوری اسلامی بخاطر ماهیت فکرمونیستی اش در شرایط بحرانی کثرتی جامعه ایران، فعلا بهترین آلترناتیو برای امپریا - لیستهاست و علیرغم نظر شولتز وزیر امور خارجه ریگان که از تحریم نظامی ایران حمایت میکند، براساس اسنادی که در روزنامه واشنگتن پست مورخ ۱۲ اوت منتشر گردید، "دولت آمریکا به شرکتهای آمریکائی اجازه فروش اسلحه به ایران را داده است." بر طبق این گزارش، علیرغم درخواست آمریکا از کلیه کشورها

مبنی بر تحریم فروش وسایل نظامی به ایران، آمریکا به تعدادی از شرکتهای آمریکائی اجازه داده است که قطعات یدکی موتور هواپیماهای جت و وسایل نقلیه زمینی و سایر اقلام و وسایل نظامی را به ایران بفروشند. همچنین در این گزارش آمده است که طی سال گذشته، حدود ۲۷ میلیون دلار کالا، که به آسانی میتوان از آنها در امور نظامی استفاده نمود، در اختیار ایران قرار گرفته است.

۲- کشورهای سوسیالیستی : دولت شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی طی نخستین سالهای جنگ با حمایت از رژیم ایران سعی داشتند که این رژیم را با اصطلاح از مدار کشورهای امپریالیستی جدا ساخته و بطرف خود بکشند. اما گذشت زمان یکبار دیگر بطلان تئور فداگرستی راه رشد غیر سرمایه داری را به اثبات رساند. هیچیک از انعطاف ها و مانورهای شوروی در مقابل مستگیری سریع رژیم بطرف کشورهای امپریالیستی، موثر واقع نشد. دولت شوروی نا امید از سران رژیم، بناچار به طرف عراق، متحد قدیمی خود در منطقه روی آورد. - خبرگزاریهای جهان طی ماههای گذشته از کمک های وسیع اقتصادی و نظامی شوروی به عراق یاد کرده اند. طارق عزیز، معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه عراق نیز در مصاحبه ۱۶ ژوئیه خود با مجله فرانسوی Afrique-Asie ضمن ابراز خوشحالی، این مسئله را مورد تأکید قرار داد. در این مصاحبه طارق عزیز اشاره نموده است که : "بتدریج که مسکو بهتر متوجه واقعیت ایران میشد، روابط ما بطور مساعدی شروع به تحول یافتن کرد. بطوریکه ما توانستیم مجموعه روابط خود را از نظر سیاسی، نظامی

و اقتصادی دوباره برقرار سازیم. همانطور که شما می‌دانید، اتحاد شوروی منبع اصلی تدارکات نظامی ما است. منطقی است که این بهیچ‌وجه روابط تمام زمینه‌ها را در برگیرد. من می‌توانم شما بگویم که در این دوره آخر، اتحاد شوروی قرار داده‌های مهمی برای تحقق طرح‌های توسعه (اکتشاف و استخراج حوزه‌های نفتی، ساختن بند، استفاده از انرژی و غیره) با ما منعقد کرده است و مقادیر قابل توجهی از تسلیحات پیشرفته که برتری نظامی ما را بطور کیفی تقویت می‌کنند به ما تحویل داده‌اند. بعلاوه، ما یک اعتبار بلندمدت به میزان ۲ میلیارد دلار با شرایط استثنائی پرداخت و با نرخ های بهره حداقل کسب کرده‌ایم. بلی این یک تحول مثبت است و ما از آن خوشنود هستیم.

**۳- کشورهای عربی: در طی اولین سالهای جنگ زمانی که نیروهای عراقی در خاک ایران بی‌سر می‌پرند، اکثر کشورهای عربی (بجز اردن، یمن شمالی و سوئان) بی‌پرده کشورهای عربی خلیج فارس از موضعگیری سیاسی رسمی به نفع عراق خودداری کرده بودند و خود را طرفدار یک سیاست توازن قوا در منطقه اعلام نمودند. اما بعد از تغییر موازنه قوا در جنگ و اشغال خاک عراق توسط ایران، اکثر کشورهای عربی (بجز لیبی و سوریه) بتدریج به حمایت از عراق پرداختند. در جلسه اخیروزرای امور خارجه کشورهای عربی در بغداد، از ۲۱ عضو اتحادیه کشورهای عربی، ۱۷ عضو رژیم ایران را محکوم نموده و اخطار کرده‌اند که هرگونه ادامه تجاوز، موجب تجدید نظر در چگونگی روابط ملل عرب با ایران خواهد شد. بعلاوه یک کمیسیون متشکل از ۷ کشور عضو**

اتحادیه، برای تحمیل صلح به ایران از طریق تماس با کشورهای غربی بمنظور قطع کمک‌های اقتصادی و نظامی به ایران، تشکیل شده است. در این میان تجاوز هواپیماهای شکاری ایران به حریم هوایی عربستان که واکنش شدید این کشور را برانگیخت و طی آن دو هواپیمای ایران سرنگون شد، باعث گردید که عربستان مخالفت جدی‌تری با رژیم ایران نشان دهد. تحولات اخیر منطقه و از جمله تهدیدات و پیرواز هواپیماهای ایران بر فراز آسمان کویت موجب گردید تا دولت کویت نیز پیش از ۳۰۰ میلیون دلار ایلحه از شوروی خریداری نماید.

**اتحاد انزوی سیاسی بین - المللی رژیم بحدی است که دیگر حتی نمی‌تواند روی حمایت‌های سوریه و لیبی که تا بحال در جنگ از ایران پشتیبانی میکردند، حساب کند. ژنرال طلایه، وزیر دفاع سوریه، اخیراً ضمن دیدار با محسن رفیق دوست که به سوریه سفر کرده بود، گفت که سوریه خواهان محدود ماندن جنگ ایران و عراق و عدم سرایت آن به کشورهای عربی همسایه است. عبدالعظیم خدام، وزیر امور خارجه سوریه نیز اخیراً خاطر نشان ساخت که چنانچه ایران بخواهد رژیم جمهوری اسلامی دیگری را در عراق بوجود آورد، از حمایت رژیم خمینی دست برخواهد داشت. دلیل محدود بودن و شروط بودن حمایت متحدین قدیمی رژیم بسیار واضح است: پیروزی ایران در جنگ و بوجود آوردن یک جمهوری اسلامی دیگر در عراق، خطر جدی برای دولت‌های سوریه و لیبی بشمار می‌رود.**

**بطور خلاصه، تغییر و تحولاتی که در سطح بین المللی و در منطقه در رابطه با جنگ بوجود آمده است در مجموع به ضرر ایران و به نفع عراق می‌باشد. این تحولات را می‌توان بصورت زیر جمع‌بندی نمود:**

**الف) در حالیکه عراق از**

حمایت همه‌جانبه شوروی و اتحادیه فرانسه برخوردار است، ایران نمی‌تواند روی کمک‌های آمریکا امیدوار باشد. افکار عمومی ایران و آمریکا، مانع از آن میشوند که آمریکا به حمایت عینی و آشکار و وسیع از ایران در جنگ بپردازد.

**ب) عدم اطمینان از امکان تهیه وسائل نظامی و عدم پشتوانه مالی کافی باعث می‌شود که ایران از دست زدن به "حمله‌شاهی" خودداری کند. با توجه به بهبود روابط شوروی و عراق و نقودی که شوروی در سوریه دارد، رژیم جمهوری اسلامی نمی‌تواند در مورد دریافت وسائل نظامی از سوریه، مطمئن باشد.**

**ج) برای جلوگیری از انزوی سیاسی و اقتصادی بیشتر، سردمداران رژیم مجبورند مواضع "متعادل‌تر" و "میان‌رو" تری در مورد جنگ اتخاذ کنند و برای اولین بار در ملاقات با مقامات کشورهای امیریا - لیبستی از صلح سخن بمیان آورند.**

**د) در حالیکه رژیم بخاطر حملات عراق به جزیره خارک در زمینه صدور نفت با اشکال مواجه شده است عراق با ایجاد لوله‌های نفتی در خاک اردن، عربستان و ترکیه که در حال تأمین می‌باشند، بهتر می‌تواند از طریق صدور نفت هزینه‌های جنگ را تأمین کند.**

**ه) جنبش شیعیان عراق، که رژیم جمهوری اسلامی جهت پیروزی بر عراق بسیار روی آن حساب می‌کرد و به آن زیاد دل خوش کرده بود، آنقدر ضعیف است که نمی‌تواند خطر جدی برای دولت‌مدام حسین محسوب شود.**

**با توجه به عوامل بالا و رشد تارقاتی‌های توده‌ها و مبارزات آنها و گسترش بحران اقتصادی و اجتماعی جامعه، باید بگوئیم که سیاست‌های جنگ طلبانه و پان - اسلامیستی رژیم جمهوری اسلامی با بن بست جدی مواجه شده‌اند. اگر تا امروز رژیم برای بقای خود به جنگ**

بقیه در صفحه ۱۵

## در هفته دولت چه گذشت؟

رژیم جمهوری اسلامی سفیان، هفته اول شهریور ماه را "هفته دولت" اعلام کرد. در این هفته یک سری برنامه ها و سخنرانی های فریبکارانه به خورد مردم داده شد. اعلام این هفته بعنوان "هفته دولت" بدنبال مباحثات و جدالهای شدید - درون مجلس شورای اسلامی بر سر عملکرد دولت انجام گرفت. عدم رای اعتماد به ۵ وزیر معرفی شده از سوی موسوی به مجلس، کسبه از سردمداران همیشگی جمهوری سفیان بوده اند، بی آبرویی بزرگی برای دولت محسوب میشود. "هفته دولت" در حقیقت تلاشی برای اعاده حیثیت دولت موسوی بود.

محور برنامه های رژیم در "هفته دولت"، دلجوئی و دعوت از سرمایه داران، چه آنها که در خارج هستند و چه آنها که به خارج رفته اند، قرار گرفته بود. سردمداران فریبکار رژیم در این زمینه، گوی سبقت را از یکدیگر می ربودند. ولی بی شرمانه ترین سخنرانی را در این مورد، باز هم طبق معمول، رهبر کبیر سفیان، یعنی خمینی جلال بعمل آورد. الحق که خمینی، این حامی مستضعفان جهان در این مورد سنگ تمام گذاشته و بطور مستقیم حمایت خود را از سرمایه داران اعلام و به دولت میرحسین موسوی دستور داد تا امنیت لازم را جهت بخش خصوصی و سرمایه گذاری فراهم نمایند.

خمینی در رهنمودهایش ریاکارانه سرمایه داران زانو صفت را جزء مرادم محروم که انقلاب کردند و باید بحالشان رسیدگی شود، معرفی کرده و خواهان بازگشت آنان از

خارج از کشور شد. خمینی در این مورد گفت: "شما میدانید که مردم این دولت را و این جمهوری را بسپا کردند و آنها نه همه مردم، این مردم با برهنه، این بازاری و تجار و متوسلین، فشار انقلاب روی اینها بوده است." وی سپس ادامه میدهد: "بازار را شریک کنید در کارها، آزادی مردم نباید سلب بشود، مثلا در کالاهایی که میخواهند از خارج وارد کنند، مردم را آزاد بگذارید آنقدر که میتوانند هم خود دولت بیاورد و هم مردم. و اما راجع به تجارت، راجع به صنعت، اگر اینها را شریک خودتان نکنید موفق نخواهید شد" (تاکیدها از ماست).

خمینی که سقوط رژیم جهل و خرافاتش را مقابل چشمانش می بیند دوران دیشی کرده و در واقع به - سردمداران رژیم هشدار میدهد که اگر میخواهند موفق شوند باید در قارت و جپاوی کشور و مردم محروم با سرمایه داران شریک شوند و از آنها استفاده کنند. خمینی بیس واضح تر ادامه میدهد: "اگر اینطور عمل بشود هم سرمایه هایی که ممکن است نیاورده باشند وارد بازار میشود و هم در بانکها و هم مردم (بخوان: سرمایه داران زانو صفت) کمک کار میشوند و مطمئن میشوند و هم اشخاصی که خیال میکنند که جمهوری اسلامی نمیخواهد برای مردم کار کند و هم اشخاصی که در خارج هستند و فدائقلاب نیستند، لکن بیخودی می ترسند و تبلیغات خارجی این بیچاره ها را ترسانده که مبادا بروید که هم چی از در وارد بشوید، فوراً پاسدارها شما را بگیرند و چه میکنند."

زهی بیشرمی! خمینی جنابشکار سرمایه دارانی را که یک عمر خون زحمتکشان را چون زالو می میکنند، مردم خطاب کرده و به آنان اطمینان میدهد که چرا بیخودی می ترسید؟ مگر میدانید که این پاسداران، پاسداران سرمایه هستند

تا مبادا کسی بمهریم مقدس سرمایه داری گزندی بزند؟ مگر در این ۵ سال بشما ثابت نشده که این پانتهاران فقط "فدائقلاب" را دستگیر، زندانی و اعدام میکنند؟ پس چرا بر سر میگزینید تا همه با هم شریک غارت و چپاول این مرز و بوم شویم؟! بدنبال رهنمودهای داهیانه رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیان گذار جمهوری سفیان، میرحسین موسوی و سایر دست اندرکاران رژیم دستبکار میشوند. نخست وزیر سریعاً طی بخشنامه ای خطاب به کلیه دستگاههای اجرائی کشور، رهنمودهای خمینی را به آنها ابلاغ و از آنها میخواهد که تاکیدات مکرر حضرت امام در مورد "محرومین" را بخاطر بسیارند و هرچه بیشتر موجبات رفاه حال آنها را در موارد مختلف فراهم آورند. موسوی در بخشنامه خود بنوارد زیر اشاره کرده است: "۱- روند ایجاد اطمینان جهت سرمایه گذاریهای بخش خصوصی در چهارچوب ضوابط اسلامی (بخوان: حفظ حرمت سرمایه داری) تسریع گردد و از تغییراتی در پی و کوتاه مدت در ضوابط حاکم که منجر به کاهش اطمینان در سرمایه گذاریها میشود اکیداً پرهیز شود.

۲- تدابیر لازم برای تجهیز نقدینگی بخش خصوصی در جهت انجام فعالیت های انتفاعی - تولیدی و عمرانی اتخاذ گردد.

۳- به شرکت کسبه متعهد و مومن در امر واردات کالاهای غیر استراتژیک اهمیت ویژه داده شود. و سرانجام در پایان این بخشنامه، نخست وزیر خطاب به وزارت بازرگانی اعلام میکند: "وزارت بازرگانی در ادامه قدمهایی که در این زمینه برداشته است با سرعت بیشتر برنامه های آتی خود را بر اساس رهنمودهای حضرت امام تنظیم و برای مردم تشریح نمایند."

برای دلجوئی بیشتر از سرمایه

داران، قدمهای دیگری نیز برداشته میشود و مرتضی مقتداسی، عضو و سخنگوی شورای عالی قضایی، طی یک مصاحبه مطبوعاتی در ارتباط با مستغلات افرادی که پس از انقلاب به خارج از کشور گریخته‌اند، اظهار میدارد: "مستغلات ایندسته که با حکم شرع توقیف گردیده و زیر نظر دادستانی به افراد بی پناه اجاره داده شده است، در صورت بازگشت صاحبان مستغلات به کشور، مستغلات و مبالغ مال الاجاره آنان که از طرف دادستانی در حساب‌های نگهداری شده به آنها مسترد خواهد شد." و این است ماهیت کشف رژیمي که فریبکارانه ۵ سال است خود را حامی مستضعفان دانسته و دهها هزار تن از بهترین فرزندان این مرز و بوم را با در اسارت نگهداشته و یا از دم تیغ جلادان خود گذرانده است. اما مدتها است که پرده‌های ریا و فریب‌برمداران جمهوری سفیدان بکناری رفته و مردم محروم و زحمتکش میهنمان به ماهیت کشف و جنایتکارانه آنان پیسی برده‌اند و دیر نیست روزی که آتش خشم انقلابی شان دامن رژیم جهل و خرافات جمهوری سفیدان را فراگیرد و آنرا نابود سازد. ■



## فروش اسلحه اسرائیلی به ایران از طریق نئونازیها

شکوهی که برای رسانیدن تبلیغات مدرن به ایران ایجاد شده است، با همکاری نئونازیها و قاچاقچیان اسلحه در ایتالیا، آلمان و بویژه در اسرائیل شعبه باز کرده است. اخیراً طارق عزیز گفته است: "یکی از دلایل اصلی تداوم جنگ بعد از حمله ایران در ۴ سپتامبر ۸۰، رفتار بخش مهمی از جامعه بین‌المللی است که نه تنها اقدامی برای به صلح کشاندن ایران انجام نمیدهد، بلکه به او تجهیزات لازم برای ادامه جنگ را هم میدهد." چه کسانی به ایران اسلحه می‌فروشند؟ خیلی‌ها که با به منافع سیاسی توجه دارند و یا به منافع تجاری اصلی ترین تامین‌کننده تسلیحات ایران، اسرائیل است. در ۲۸ سپتامبر ۸۲، ژنرال شارون اعلام کرده بود که اسرائیل با توافق آمریکا به ایران اسلحه میدهد. در ۲۹ مه نیز ایراک شامیر نخست‌وزیر اسرائیل در واشنگتن اعلام کرده بود که "جنگ ایران و عراق به نفع اسرائیل است و به اسرائیل اجازه میدهد که مواضع خود را در منطقه تحکیم کند." ارتباط تسلیحاتی ایران و اسرائیل از اولین روزهای جنگ شروع شد. در زمان شاه نیز ارتش پلیس سیاسی و دولت ارتباط تنگاتنگی با اسرائیل و آمریکا داشتند. خمینی علیرغم شعارهای آتشین بر علیه "صهیونیسم شیطانی" این ارتباط تنگاتنگ را حفظ کرد. در واقع اسرائیل هیچوقت از جانب جمهوری اسلامی احساس خطر نگرفته است. ارزیابی اسرائیل این است که جنگ ایران و عراق میتواند شاخه شرقی ملت عرب و بویژه عراق را که بطور جدی درصدد توسعه تکنولوژی خود است، تضعیف کند. اسرائیل در ادامه جنگ ایران و عراق نقش مهمی ایفا کرده است و جای آمریکا را در تسلیح رژیم جمهوری اسلامی گرفته است. بعد از جریان گروگان‌گیری در سفارت آمریکا در تهران، دولت آمریکا نمیخواست با رژیم جمهوری اسلامی که مورد نفرت ۸۰ آمریکاها بود، همکاری مستقیم داشته باشد. در نتیجه اسرائیل را مأمور رساندن تسلیحات به ایران نمود. از سپتامبر ۱۹۸۰، خمینی مأمورینی را برای فعال کردن شبکه‌های اسرائیلی - ایرانی مفرستد.

## خمینی: "مانعی ندارد"!

خبرگزاریهای بین‌المللی گزارش دادند جمهوری اسلامی و اسرائیل یک قرارداد جدید اسلحه امضا کرده‌اند. بموجب این قرارداد که در ماه ژوئن بین سرهنگ نیمروزی

از اسرائیل و معاون وزارت دفاع ایران با وساطت رفعت‌آسد، رئیس سازمان امنیت سوریه در زوربخ امضا گردید، اسرائیل وسایل مربوط به فرود هواپیما و سایر تسلیحات نظامی را به ایران فروخته است. برطبق این گزارش، هر روزه ۴۰ کامیون حامل اسلحه اسرائیلی از مرز سوریه به وارد این کشور گشته و پس از آن وارد خاک ترکیه شده و سرانجام به ایران میرسند. قابل توجه است که در مورد خرید اسلحه از اسرائیل چندی پیش خمینی جلد اینگونه - معاملات را شرعی جلوه داده و اظهار داشت: "خرید تسلیحات نظامی از هر کسی بشرط وجود واسطه شناخته شده مانعی ندارد."

## خرید هواپیما از سوئیس

بنا به گزارش خبرگزاری فرانسه دولت سوئیس تعداد ۸۰ فروند از هواپیماهای تعلیماتی خود را که میتواند به بمب افکنهای سبک تبدیل شوند، به جمهوری اسلامی فروخته است.

## تحویل کشتی به ایران

انگلستان دو کشتی پشتیبانی مسلح را به جمهوری اسلامی تحویل خواهد داد. وزارت امور خارجه انگلستان در این مورد اظهار داشت که این کشتی‌ها بخشی از سفارشات است که در سال ۱۹۷۷ توسط شاه داده شده بود.

## کاهش تولید نفت در ماه اوت

مخالف بین‌المللی در پاریس اعلام کردند که تولید نفت ایران در ماه اوت روزانه یک میلیون بشکه بوده است در حالی که سابقاً ۱/۸ تا ۲ میلیون بشکه در روز بود. طبق گفته این مخالف، ایران در انتظار تحولات بازار نفت است و دیگر نفت را به قیمتی پایین‌تر از قیمت تعیین شده توسط اوپک، نمی‌فروشد. در ژوئیه یک سخنگوی دفتر نظامی فدرال، در روز ۲۰ اوت اعلام کرد که در اول ماه اوت طلبان نظامی سوئیس چند هواپیمای Pilatus PC-7 را به ایران تحویل داده‌اند. این هواپیماها که بسادگی میتوانند به بمب افکن‌های سبک تبدیل شوند، از سوئیس به ایتالیا، سپس به ترکیه و از آنجا به ایران منتقل شده‌اند. احتمالاً این هواپیماها در ایتالیا به سیستمهای تسلیحاتی مجهز شده‌اند.

## اعدام ۲۶ قاچاقچی مواد مخدر

رادیو تهران اعلام کرد که ۲۶

## بدهی ۸ میلیون دلاری آمریکا به ایران

دادگاه لاهه اعلام کرد که آمریکا باید ۸ میلیون دلار که ده سال پیش سازمان انرژی اتمی ایران به کمیسیون انرژی اتمی آمریکا داده بود، را به ایران بپردازد. تاکنون آمریکا با پرداخت این مبلغ مخالفت کرده است و گفته است که ایران باعث عدم اجرای قراردادها شده است ولی نتوانسته است یک سند کتبی به دادگاه لاهه ارائه دهد. دادگاه لاهه تاکنون به حدود ۱۵۰ مورد اختلاف ایران و آمریکا رسیدگی کرده که طبق آن دولت ایران محکوم به پرداخت مبلغی نزدیک به ۲۰۰ میلیون دلار به آمریکا شده است.

قابل توضیح است که در یکی از دادگاههایی که مربوط به مسائل ایران و آمریکا میشد، در اواسط سپتامبر "وکلای ایرانی" در دادگاه به دو وکیل سوئدی که از جانب آمریکا انتخاب شده بودند، حمله کرده و آنها را بسختی مضروب میکنند بطوریکه رئیس دادگاه نتواند اطلاع بعدی، دادگاه را تعلیق میکند "وکلای ایرانی" اعلام کردند که در صورت حضور وکلای سوئدی در دادگاه، آنها را خواهند کشت.

## اعتراض فرانسوی ها به میتینگ حزب الهی ها در پاریس

در روز ۲۱ اوت میتینگی از طرف مزدوران رژیم در پاریس برگزار شد که سفارت رژیم در پاریس، جهت تبلیغ آن، اطلاعیه های را در پوموند به چاپ رساند. در این رابطه حقوق بشر سوسیالیست اطلاعیه ای را برای پوموند فرستاده است که در روزنامه پوموند مورخ ۱ سپتامبر ۸۴ درج شده است و متن کامل آن چنین است:

"بنام حقوق بشر، حقوق بشر سوسیالیست به برگزاری جلسه ای که در روزنامه پوموند ۳۰ اوت، صفحه ۴ تحت عنوان "بنام خدا" درج شده است، اعتراض میکند و از پلیس تقاضای ممنوعیت آنرا کرده است. این جلسه که قرار است در روز جمعه ۲۱ اوت ۸۴ از ساعت ۷ تا ۱۱، در آدرس:

Place Saint Germain des Pres  
به فراخوان سفارت ایران و برای افشای مقاصد مکرراتیک برگزار شود، توهینی است به کودکان، زنان و مردانی از هر عقیده، نژاد و مذهب که توسط دولت امام خمینی شکنجه شده، مورد تجاوز قرار گرفته و کشته شده اند.

## دعوت رژیم از جلاد خلق عرب

گروهی از رهبران متنفذ رژیم



"... این روزها کدر استند"

این روزهای سخت

سترون

و سوگوار...

(علی میرقنبروس)

این نشریه اضافه می کند که مدنی نه تنها هیچگاه مخالفتی با رژیم خمینی نداشته، بلکه امکان هرگونه تغییر اساسی در ایران را نیز مردود می داند. وی دو شرط برای بازگشتش به ایران تعیین نموده: اول اینکه برای خاتمه جنگ خمینی اختیارات تام به وی تفویض نماید و ثانیاً اینکه اکثریت مجلس تصمیم خمینی را تأیید نمایند.

مدنی خود عنوان کرد که این شروط را طی نامه ای مستقیماً با شخص خمینی مطرح ساخته است.

بنظر آبروروی آوردن سردمداران رژیم به این مهره های تبعیدی نشان دهنده آشفتگی وضع سیاسی ایران و رعب و وحشت از ناراضی عمومی و مشکلات عدیده اقتصادی ناشی از ادامه جنگ که هر روز دامنه وسیع تری بخود میگیرد، میباشد. (به نقل از خبرنامه شماره ۱۶ هواداران سفخادر انگلستان)

## تحلیل سنای آمریکا

### از جنگ ایران و عراق

در روز ۲۷ اوت سنای آمریکا گزارشی را منتشر نمود که در آن گفته شده است که با توجه به هدف مشترک کوتاه مدت شوروی و آمریکا مبنی بر پایان جنگ، احتمال اینکه جنگ ایران و عراق به یک درگیری میان آمریکا و شوروی کشیده شود، بسیار کم است. در این گزارش اعلام شده است که سیاستهای آمریکایی در زمینه های مربوط به امنیت انرژی، باعث آرام شدن بازار بین المللی نفت شده و تحسین کشورهای منطقه را برانگیخته است.

به تازگی طی ملاقاتهایی با احمد مدنی وزیر دفاع و فرمانده سابق نیروی دریایی که در حال حاضر در آلمان غربی در تبعید بسر میبرد، از وی درخواست کردند تا به ایران باز گردد.

یک هیئت اعزامی از ایران که شامل سه نماینده مجلس نیز میباشد و در ظاهر بعنوان هیئت تجاری مسافرت میکنند، اخیراً ملاقاتی به مدت ۱۰ ساعت با مدنی در آلمان داشته اند و شرایط وی را برای بازگشت به ایران دریافت نمودند.

هفته نامه آبروروی که مصاحبه ای با مدنی داشته، اضافه می کند که تماس های غیرعلنی بین وی و سردمداران رژیم همچنان ادامه دارد. مدنی که هفته پیش به منظور تبادل نظر و در میان گذاشتن اهدافش با نمایندگان پارلمان انگلیس در لندن ملاقاتهایی داشته، مشرصد آنست که بعضی پذیرفته شدن شرایطی که مطرح کرده، به ایران بازگردد.

آبروروی از قول وی مینویسد: "ما باید بهر تقدیر به این جنگ فیصله دهیم و اگر خمینی مرا دعوت به اجرای نقشی حول این هدف بنماید من قبول خواهم کرد ولی بازگشت من به ایران مستلزم این است که خمینی قبول کند که با سیاست خود را تغییر دهد و با کنار رود... من هیچگونه خصومتی با شخص وی ندارم و تنها اختلاف ما بر سر مسائل ایدئولوژیک است!! بنظر من خمینی در راه اشتباهی قدم گذاشته و هدف من این است که جلوی این امر را قبل از اینکه کار از کار بگذرد بگیرم."



در این گزارش به "حملات وسیع" عراق به جزیره خارک، با تاسف اشاره شده است. طبق این گزارش ادامه حملات عراق به جزیره خارک باعث خواهد شد که ایران از روی ناامیدی تشکله هرمز را ببندد و هرگونه دریانوردی در خلیج فارس را غیر ممکن کند. در عوض عراق هم بنادر ایران را بمباران خواهد کرد که فقط در این صورت، نیروهای خارجی "برای حفظ آزادی دریانوردی" مداخله خواهند کرد. طبق این گزارش، توازن قوا به نفع عراق بهم خورده است و این بدلیل فروش اسلحه به عراق از طرف شوروی و فرانسه میباشد، در حالیکه در این زمینه رژیم ایران "تحریم" شده است. در گزارش گفته شده است: "بنظر ما یک حمله دیگر از جانب ایران به عراق، احتمالاً به شکست ایران منجر خواهد شد مگر اینکه روحیه عراقی ها خرد شده باشد... موفقیت های اخیر باعث تقویت روحیه عراقی ها شده است ولی ناظرین فکر میکنند که جنگ در عراق همچنان نامحیوب است... ایران باید نقطه ضعف "دفاع" عراق را بیابد و امیدوار باشد که چنین عملیاتی، روی روحیه عراقی ها تاثیر خواهد گذاشت." طبق گزارش آژانس خبری کویت، نفت کشی پانامائی که در مرکز خلیج مورد اصابت موشک قرار گرفته بود، توسط یک هواپیمای ایرانی مورد حمله واقع شده بود.

### رفسنجانی:

## "ما صلح طلب هستیم!"

هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی با هیئت پارلمانی آلمان غربی که به تهران رفته بودند ملاقات و مذاکره بعمل آورد. نماینده هیئت پارلمانی آلمان غربی در این ملاقات گفت: "ما از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با دید احترام به مردم و انقلاب اسلامی شما - میگریستیم و امیدواریم که این سفرها برای توسعه روابط بین دو کشور مفید باشد."

هاشمی رفسنجانی نیز در این ملاقات در رابطه با جنگ گفت: "ما از دنیا و شما گله داریم که از امکانات خود برای اجرای عدالت استفاده نکرده اید، بهر حال با وجود این همه مشکلات، ما صلح طلب هستیم و هر روزی که زمینه صلح پایدار که حقوق مردم ما در آن وجود داشته باشد، فراهم گردد، جنگ خاتمه خواهد یافت."

### اثرات مخرب جنگ

جنگ ارتجاعی ایران و عراق علاوه بر کشتار، ویرانی و آوارگی، اثرات مخرب دیگری را نیز بر اقتصاد دو کشور در حال جنگ داشته است، از جمله تخصیص بودجه هنگفتی برای

تهیه سلاحهای نظامی، بطوریکه اخیراً موسوی نخست وزیر رژیم طی سخنانی اظهار داشت که دولت ۲۲٪ از بودجه جاری کشور را به مخارج جنگ اختصاص داده است. وی گفت مبلغی که برای تامین هزینه های دفاعی پرداخت میشود بالغ بر ۱/۱۱۷ میلیارد ریال در ماه و پانصد میلیارد دلار در سال میباشد. قابل توجه است که ارقام نجومی فوق شامل سایر مخارج نظامی از جمله هزینه دهها ارگان سرکوب و یا لشکر کشی به کردستان نمیگردد، یعنی در واقع بیش از نیمی از بودجه کشور صرف مقابله با مبارزات گارگران و زحمتکشان و ادامه جنگ ارتجاعی با عراق میگردد و این در حالی است که بیش از ۲ میلیون نفر بیکار، ۲ میلیون نفر آواره و عده بسیاری از مردم زحمتکش هر روزه بگریز از مردمی که باید ساعتی در طولانی در صف بایستند.

### تلاش برای بهبود

## روابط سیاسی با فرانسه

سفارت ایران در پاریس روز پنجشنبه ۲۳ اوت اطلاعیه ای منتشر کرد که در آن نوشت: "وزارت امور خارجه ایران اقدام دولت فرانسه را در بازپرداخت بدهی اش به ایران یک اقدام مثبت اولیه در جهت بهبود روابط دو کشور تلقی میکنند این بیانیه کمی بعد از ملاقات علیرضا معیری، کاردار جدید سفارت جمهوری اسلامی با گلود شیسون، وزیر امور خارجه فرانسه، منتشر شد."

### بهبود روابط با آلمان

در پی سفر وزیر امور خارجه آلمان غربی به تهران، یک هیئت پارلمانی این کشور نیز وارد تهران شد و مذاکراتی را با مقامات جمهوری اسلامی انجام داد. همچنین یک هیئت فنی از کشور آلمان غربی به منظور همکاری و انتقال آموزش - فنی و حرفه ای به کارگران کارخانجات مختلف کشور وارد تبریز شد.

### گسترش تجارت با چکسلواکی

وزیر تجارت خارجی چکسلواکی به همراه یک هیئت سیاسی اقتصادی آن کشور با وزیر نیروی جمهوری اسلامی در تهران ملاقات و مذاکره کرد. در این دیدار، وزیر تجارت خارجی چکسلواکی گفت: "ما اولین کشور از دول بلوک شرق بودیم که ضمن به رسمیت شناختن جمهوری اسلامی ایران، همواره از شما حمایت کرده و آماده همکاری های بیشتری هستیم." در این سفر یک پروتکل همکاری های اقتصادی بین دو کشور با امضاء رسید. دکتر بانکی، سرپرست سازمان برنامه و بودجه در این رابطه گفت: "مبادرات ما به چکسلواکی که در سال ۸۱ بمیزان ۷۵ میلیون دلار بود،

در سال ۸۲ و ۸۳ به ۱۲۷ میلیون دلار رسیده که از این میزان فقط ۸ تا ۱۰ میلیون دلار آن غیرنفتی است." سپس دکتر بانکی اضافه نمود: "در تفاهمی که داشتیم قرار شد که تا سال ۸۵ این صادرات را به دو برابر برسانیم. واردات ما از کشور چکسلواکی نیز کالاهای صنعتی است اعم از کالاهای صنعتی ساخته شده و یا کارخانه های صنعتی. بطور مثال کارخانه های قند از جمله کارخانه قند دزفول و کارخانه سیمان ری و کارخانه های شیمیایی در اصفهان را با کمک چکسلواکی میسازیم." همچنین کارخانه نورد ذوب آهن که چکسلواکی پیمانکار آن بود."

### قرارداد با ترکیه

طی قراردادی با ترکیه، انتقال تکنولوژی تولید ۶ ماده دارویی در ایران، به امضاء رسید. طی این قرارداد، با همکاری کشور ترکیه، دستگاه های مربوط به این تکنولوژی در یکی از بخش های لایرا توار تولید مواد اولیه شرکت داروپخش نصب خواهد شد.

### ۲۶ بهائی به مرگ محکوم شدند!

دفتر اطلاعات بهائی ها در فرانسه طی اطلاعیه ای که در روز ۲۱ اوت در پاریس منتشر شده است، اعلام نمود که در هفته های گذشته، حداقل ۲۶ نفر از اعضای جمعیت بهائی در ایران، به مرگ محکوم شده اند. طبق این اطلاعیه، اولین فردی که از این لیست اعدام شده است، منوچهر - روحی، ۵۴ ساله، داروشناس میباشد که در روز ۱۶ اوت در بجنورد، واقع در شمال شرقی ایران اعدام شده است. همچنین در این اطلاعیه اعلام شده است که در هفته های گذشته مقامات ایرانی، محاکمه دهها بهائی زندانی را در شهرهای مختلف ایران آغاز کرده اند.

### هشدار به شورای نگهبان

اختلافات بین مجلس شورای اسلامی، دولت و شورای نگهبان باز هم بالا گرفت و خمینی بار دیگر نقش میانجی را بازی کرده و طی سخنانی در دیدار با اعضای شورای نگهبان گفت: "برخورد شما باید به صورتی باشد که در آینده هم به این شورا صدمه نخورد. شما نباید فقط به فکر حالا باشید و بگوئید آینده هرچه باشد، باشد. رفتار شما باید بصورتی باشد که انحراف نمود که شما در مقابل مجلس و دولت ایستاده - اید. صحبت های شما باید بصورتی باشد که همه فکر کنند در محدوده قانونی خودتان عمل می کنید." سپس خمینی می افزاید: "شما باید توجه داشته باشید که اگر مباحثات به

مناقشات تبدیل شود و جلوی یکدیگر  
بایستید اسباب این میشود که خورای  
تنگبان تضعیف شود و در آتیه از  
بین برود.

## خمینی: "واقعا نمی دانم با این وضع چه کنم؟"

خمینی در دیداری با مسئولین  
جمهوری اسلامی گفت: "از موضوعاتی  
که باید در فکر آینده اش باشیم  
وضع روحانیت است. مسئله تشریفات  
حوزه ای روحانیت است که دارد زیاد  
میشود. وقتی تشریفات زیاد شد،  
محتوا کنار میرود. وقتی ساختمانها  
و ماشینها و دم و دستگاهها زیاد  
شد موجب میشود بنیه فقهی اسلام  
صدمه ببیند. این موجب نگرانی  
است و واقعا نمی دانم با این وضع  
چه کنم. آنگاه خمینی که زوال -  
حکومت جهل و خرافات را بعینه  
می بیند، ادامه میدهد: "این  
تشریفات اسباب آن میشود که -  
روحانیت شکست بخورد."

## به دار آویختن ۲ نفر در کرمان

بنا به گزارش خبرگزاری  
فرانسه، در صبح روز ۱۲ اوت ۱۳۶۲  
که به جرم قاچاق مواد مخدر به مرگ  
محکوم شده بودند، در کرمان  
(جنوب شرقی ایران) به دار آویخته  
شدند. طبق گفته رادیو تهران، حکم  
مرگ توسط دادگاه انقلاب اسلامی  
شهر، صادر شده بود. طبق گفته رادیو  
تهران، ۲ تن از این افراد در -  
درگیری های مسلحانه با نیروهای  
رژیم، شرکت داشتند.

## نقض قانون دولتی کردن تجارت

خمینی از دولت خواسته است که  
مانع فعالیت های بخش خصوصی نشود.  
وی گفته است: "بگذارید مردم هم  
مثل دولت آزاد باشند جنس وارد کنند."  
وی گفته است که بدون کمک این هالی  
۴۰ میلیون، منجمله بازاریها که  
باید در حد امکاناتشان در کلیه  
فعالیت های دولت شرکت داشته باشند،  
نمی توان کشور را اداره کرد. وی -  
گفته است: "کارهایی که بازار  
نمی تواند انجام دهد، شما در دست  
بگیرید ولی بگذارید آن کاری را که  
میتواند، انجام دهد." وی با این حال  
گفته است که دولت باید روی واردات  
کنترل داشته باشد و مانع ورود -  
اجناس مغایر اسلام و اجناس لوکس  
شود. در ماه آوریل سال جاری مجلس  
قانون ملی کردن تجارت خارجی را  
تصویب کرده است. طبق این قانون،  
بخش خصوصی میتواند تحت کنترل  
دولت، اجناس غیرحمایتی را وارد -  
کشور کند. خرید محصولات غذایی قبلا  
در دست دولت متمرکز شده است.



"هجرت دانش آموزی" برای نخستین  
بار در تبریز بمورد اجرا گذاشته  
شد. مسئول روابط عمومی سپاه  
پاسداران تبریز گفت: بموجب این  
طرح کلیه دانش آموزان دبیرستانی  
و هنرستانی مومن و متعهد داوطلب  
تحصیل در مدارس منطقه کردستان  
به مدت یکسال به این منطقه اعزام  
میشوند و سال تحصیلی ۶۲-۶۳ را در  
کردستان می گذرانند. وی گفت هدف  
از اجرای طرح مذکور ریشه ای بر خورد  
کردن با مسائل فرهنگی کردستان  
میباشد و این دانش آموزان میتوانند  
ضمن تماس با دانش آموزان منطقه  
کردستان، ارزشهای انقلاب اسلامی را  
بخوبی به آنها نشان بدهند.

## مبارزه ماهیگیران جنوب

ماهیگیران بخش پائیتی خلیج  
فارس در روز ۲۷ مرداد ماه اعتماد  
گسترده ای را در بشدرهای "کنگ" و  
"سلویه" برپا داشتند. اعتماد -  
فوق سرعت افزایش یافت و در بوشهر  
اعتماد کنندگان یک نماینده امام  
را مجروح و او را از شهر بیرون  
کردند. اعتماد کنندگان خواهان  
پایان یافتن مداخله ها، بازرسیها  
و توقیف های آزار دهنده سپاه  
پاسداران به قایق های ماهیگیری  
خود بودند. همچنین ماهیگیران  
اعتماد کننده خواستار افزایش قیمت  
دولتی خرید ماهی، دادن وام بانکی  
بدون بهره به ماهیگیرانی گشته  
میخواهند و سائل و تجهیزات تازه  
بخرند، برداشتن ممنوعیت شرعی از  
روی زمینهایی که در بوشهر به شرکت  
تعاونی واگذار شده است و اجرای  
قوانین بیمه اجتماعی شدند. ماهی -  
گیران همچنین خواهان برسمیت  
شناخته شدن اتحادیه آنان و مذاکره  
با نمایندگان خود گشتند.

## محرومیت های جدید

### برای مشمولین غایب

اداره وظیفه عمومی با صدور  
اطلاعیه ای اعلام کرد که: "برای  
مشمولین غایب متولد ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۴  
محرومیت های اجتماعی جدیدی پیش -  
بینی شده است. محرومیت های فوق  
عبارتست از: عدم شرکت در آزمایش  
راندگی، دریافت وام، دریافت  
پایان نامه تحصیلی، اخذ پروانه  
کسب، نقل و انتقالات اسناد رسمی  
و استخدام بهر صورت، میباشد."

## طرح "هجرت دانش آموزان"

به پیشنهاد "سپح دانش آموزی"  
قرارگاه حمزه سیدالشهدا، طرح

## فساد ورشوه خوار در ارگانهای رژیم

قائم مقام وزارت منابع  
سنگین در یک مصاحبه مطبوعاتی به  
تشریح موارد اتهام رشوه خواری  
مسئولان وزارت منابع سنگین پرداخت  
و گفت: "بدنیال گزارشهای اخیر  
بازرسی وزارت منابع سنگین، با کمک  
کارآگاهان شعبه ۸ اداره آگاهی  
تهران کار تحقیق در مورد ۵ تن  
از کارکنان این وزارت به همسراه  
یک نفر از کارکنان وزارت منابع  
را که در قبال ارائه خدمات، -  
میادرت به اخذ رشوه از صاحبان  
شرکتهای خصوصی میگردانند آغاز کرد."

همچنین بعد از واقعه فوق  
تعدادی از کارکنان (کارمندان)  
وزارت خانه های نیرو و کشاورزی که  
با بنسازارهای بین المللی قاچاق  
همکاری میکردند، دستگیر شدند.  
"این عده با استفاده از کانتینرها  
و کمپرسهای دولتی و جاسازی مواد  
مخدر در داخل کوشتهای وارداتی در  
امر جابجایی اینگونه مواد فعالیت  
میکردند."

قابل ذکر است که چندی پیش

## دم خروس و قسم حضرت عباس

تفوری فرد وزیر نیرو در ملاقات با رفسنجانی (دوشنبه ۱۴ خرداد) آمدی، میشود که با تشکیل ستاد سازندگی آموزش توسط شهید عباس پور خلا کمبود نیرو جبران شده و مانده نهانیان مندیبه کارشناسان خارجی نشویم بلکه تولید نیروی مورد آن موقع ۳۰۰ مگاوات بود که هم اکنون به ۸۰۰ مگاوات رسیده است از آن گذشته بهره برداری و تعمیرات و نصب است. خطوط و نیروگاه های گازی کلاسیکست برادران متعهد و متخصص کشور من انجام گرفت و سبل گذشته نیز برای اولین بار در ایران به نصب نیروگاه های نجاری پرداختیم.



«ای روزی روشن تبعیدی! ای سرخپوش صبح مبارک! ای آنکه زورای اساطیر خشم عتیق قوم مرا فریاد میکنی!...» (علی میرفتروس)

THE TIMES OF INDIA, SATURDAY, JUNE 23, 1984

### IN THE NAME OF GOD THE ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN

MINISTRY OF ENERGY POWER GENERATION AND TRANSMISSION COMPANY (TAVANIR CO.)

NEEDS THE FOLLOWING PROFESSIONALS:

- A. FOR THERMAL AND GAS TURBINE UNITS:
1. ELECTRICAL / MECHANICAL / INSTRUMENTATION / OPERATIONS / COMMUNICATIONS ENGINEERS.
  2. CHEMICAL ENGINEERS
  3. ELECTRONIC ENGINEERS - COMPUTER, POWER ELECTRONICS.
  4. WORKSHOP ENGINEERS.

B. ENGINEERING INSPECTION DEPARTMENT:

1. ELECTRICAL ENGINEERS:
  - a) PROTECTION & CONTROL, PROJECT REVIEW DESIGN, LAYOUT, SPECIFICATIONS, CONTRACTS ETC.
  - b) LOAD-DISPATCH AND COMPUTERS.
2. ELECTRICAL ENGINEERS: COMMUNICATIONS, TELEMETRYING VHF MICROWAVES, PLC TELEPHONES.
3. CIVIL ENGINEERS: STRUCTURAL: CONCRETE, STEEL STRUCTURES, SOILMECHANICS, SANITARY ETC.
4. MECHANICAL ENGINEERS: PIPING, PRESSURE VESSEL THERMODYNAMICS, HEAT TRANSFER PUMPS, FANS, COMPRESSORS ETC.
5. PROJECT PROGRAMMERS AND CONTROLLERS.

C. TRANSMISSION DEPARTMENT:

- 1) CIVIL ENGINEERS
- 2) SUB-STATION ENGINEERS (ELECTRICAL)
- 3) PROJECT ENGINEERS (CIVIL/ELECT MECH)
- 4) PROTECTION AND CONTROL ENGINEER.

MINIMUM QUALIFICATIONS: A BACHELOR DEGREE IN ENGINEERING, M.S. PH.D. WITH MINIMUM PRACTICAL EXPERIENCE OF 10 YEARS ONLY NEED APPLY.

CANDIDATES ARE REQUESTED TO SEND THE FOLLOWING DOCUMENTS WITHIN ONE MONTH EITHER TO:-

TAVANIR CO. VANAK SQUARE, P.O. BOX NO. 11345-8686, TEHRAN, IRAN OR THE EMBASSY OF ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN, NO. 5, BARAKHAMBHA ROAD, NEW DELHI.

1. BIO-DATA WITH PASSPORT COPIES
2. PHOTOSTAT COPIES OF THE TESTIMONIALS
3. PHOTOSTAT COPIES OF THE EXPERIENCE CERTIFICATES.
4. MARITAL STATUS.

مسافرین به خیابانهای فرعی رفته بودند و به شدت وحشت کرده بودند. در پمپ بنزین حصارک زنی را که یک تلویزیون کوچک در دست داشت، غافلگیر کرده، ابتدا تلویزیون را خرد کردند و بعد او را احاطه کرده و تهدیدش کردند. زن سعی میکرد توضیح دهد که چرا چادر به سر ندارد. علی رغم این تاخیر و تاز مغول وار، زنها همچنان با پوشش قبلی خود و با آرایش بیرون می آمدند. راننده ای میگفت: اکثر مسافرین در ماشین علیه رژیم صحبت میکنند و نظر اکثرشان در مورد تظاهرات علیه بی حجابی این است که این کار خود رژیم است و بسیاری منحرف کردن افکار عمومی از مشکلات اقتصادی و جنگ، این کار را کرده است.

### اعتصاب کارگران

کارخانه ساسان ۸ مرداد - به گفته یکی از کارکنان کارخانه ساسان (نوشابه - سازی)، در هفته آخر تیر ماه این کارخانه ۲-۳ روز در اعتصاب بود و قرار بود که از اول مرداد نیز اعتصاب از قبل تعیین شده ای صورت گیرد. خواسته های کارگران، برکناری مدیریت فعلی، افزایش دستمزد، طبقه بندی مشاغل و مسکن بوده است. طبق گفته این شخص شرکت های پرسی - گاز، چیت ری، بنز خاور و شرکت واحد با این کارگران اعلام همبستگی کرده اند. تا تاریخ ۵/۸، نوشابه در بازار نبود. ولی این روز نوشابه آورده بودند. فعلا خبری از چگونگی جریان در دست نیست. این کارخانه قبلا متعلق به شخصی بنام ساهاکیان بود و بعد از قیام به دست بنیاد مستضعفین افتاد. تعداد کارگران این کارخانه سه هزار نفر است.

نیز در هنگام کشف یک باند بزرگ قاچاق مواد مخدر در شیراز معزوف به باند سیندرلا، معلوم گشت که همگی آنها از اعضای سپاه پاسداران شیراز بوده اند. ولی رژیم در مطبوعات خود اعلام کرد که آنها به لباس پاسداران ملیس بوده اند!

### مبارزه با بی حجابی!

در تاریخ ۲۸ تیرماه عده ای حزب الهی به پاساز صفویه (تهران) حمله کرده، کرکره پاساز را پاشین می کشند و شروع به گتک زدن مرداتی که لباس آستین کوتاه یا بقمه گرد پوشیده بودند یا بقمه لباسشان باز بود و زنهائی که آرایش کرده بودند و یا جوراب پوشیده بودند، میکنند. مردها بسیار محافظه کار می نمودند و از بحث و درگیری پرهیز میکردند، ولی زنها جرئت بیشتری نشان میدادند. در خیابان تخت طاووس، میدان فوزیه و خیابان صدق هم این بساط برقرار بود.

در ۳۰ تیر در کرج هم علیه بی حجابی راهپیمائی کردند. (از میدان شهدا تا میدان اطلی شهر) تعداد راهپیمایان ۲۰۰ نفر زن و ۱۵۰-۱۰۰ نفر مرد بود. شعارها عبارت بودند از: "مرگ بر بی حجاب"، "بی حجابی زن از بی غیرتی مسرد است" و "ای مرد، غیرتت کوه، حجاب همسرت کو" و بعد در میدان نشستند. در این هنگام ۳۰-۲۰ موتورسی دو - ترکه و سه ترکه سر رسیده، جلوی ماشینهای را که به چالوس میرفتند گرفته و سعی کردند که زنهائی بی چادر را پیاده کنند. اگر راننده مقاومت میکرد، با لگد او را به درهای ماشین می کوبیدند و به ماشین صدمه وارد میکردند. اغلب

# در مجلس شورای اسلامی

## چه می‌گذرد؟

### نطق خلخالی:

افزایش اعتبار دیکی از عوامل سبب شوم سیاستهای ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی است. بنا به اعتراف نمایندگان مجلس، اعتبار دنیوی از جمعیت بزرگسالان کشور را گرفتار کرده است. شوشتری نماینده خراسان در این مورد میگوید: "اعتیاد این ماده خانمانسوز و خانمان برانداز، در این شهرها اثرات بسیار سوئی بجا گذاشته که میتوان گفت پس از مساله جنگ تحمیلی که در راس همه مسائل است مهمترین مساله، مساله اعتیاد است. اعتبار داین بار بعهده روئین و گرد عده بسیار زیادی را - گرفتار کرده است. در برخی از روستاهای حوزه، اعتیاد بینام بیش از نیمی از جمعیت بزرگسالان و نبالین را گرفتار کرده است حتی در برخی از مدارس - ابتدائی عام از دخترانه و پسرانه - دانش آموزان خردسال گرفتار اعتبار خانمانسوز شده اند و در مجموع عده فراوانی را این ماده خانمانسوز گرفتار کرده است که پی آمدهای بزرگ سیاسی اجتماعی و اخلاقی و اقتصادی در پی دارد" (مذاکرات جلسه ۵۴۳ مجلس، ص ۱۸)

خلخال جلد نیک که تا دیروز اعدام را راه حل "مبارزه" با اعتیاد میدانست، امروز ظاهرا معتقد میشود که:

"مساله ساده نیست یکی از عوامل اصلی اعتبار عبارت از گسترش بیگاری در مملکت است و عده ای از همین بازار آشفته استفاده میکنند و میروند قاقاق فروشی را برای خودشان حرفه درست میکنند مانند یک با تلافی که از آنجا پشه مالاریا بلند میشود و میآید به بدن مردم مینشیند و مردم را مبتلابه تب میکند تا با تلاق را خشکا نیم یا امشی زدن مگس و با پشه کش نمیتوانیم تب

مالاریا را از بین ببریم. این یک درد مملکتی است... پس بیایید مساله را ریشه ای حل کنید و من اعتقاد اینست و سابقا هم اینرا در محاجه هایم گفته ام که با اعدام هم قضیه حل نمیشود." (مذاکرات جلسه ۵۱۵، ص ۲۵)

مخالفت خلخالی جلاد با اعدام، بیشتر به شوخی و طنز شباهت دارد و حتی یکی از نمایندگان مزدور مجلس را به تعجب وامیدارد. این نماینده از خلخال میبرد: پس چرا اعدام میکردید؟ خلخال در جواب چنین میگوید:

"من اعدام نمی‌کردم من اشکلم درست میکردم. من لپاش نظامی میپوشیدم از حیثیتم تنزل میکردم می آمدم به اینجا آنجا، شب، نصف شب فلان فلان، فلان خوب کار من سربازی نیست، سربازی یک شغل شریفی است اما من آمدم اینکار را اشکلم درست میکردم و تنزی و واهمه مردم را گرفته بود من اله میکنم، بله میکنم، آی میکنم، آی میکنم، خوب مردم میترسیدند، خوب دلیلش عبارت از اینست که الان به اندازه ده مقابل ما، - پانزده، مقابل ما اعدام کردند اما رجزش را پشت سر این جریان نخواستند این رجز خوانی خودش یک مساله مهمی است که باید قیلا بخوانی بعد تلویزیون باشد بعد خود آقایان پیروز هفده نفر را اعدام کردند. خوب چه نمره ای دارد، دوباره بیست و چهار نفر، پنجاه نفر جای آنها را - میگیرد کما اینکه شمالان مشاهده میکنند که یعنی بزرگترین مساله از نظر خانواده ها که گریه میکنند، ناله

میکند، نامه مینویسند همین مساله هست" (مذاکرات جلسه ۵۱۵، ص ۲۵)

بنا بر این خلخال با کشتار مخالف نیست به نظر او اشکال مشولین (بخوان: جلادان) "مبارزه" با اعتیاد این است که بعد از اعدام معتادین (که ۱۵ برابر هم بیشتر شده)، رجزش را نمیخوانند!! در همان جلسه ۵۱۵ مجلس وقتی که مساله مبارزه با احتکار بیه پیش کشیده شد، خلخال به روشنی نشان داد که ذره ای از خونخوار بودن خویش را از دست نداده است: "روزه شبه گذشته قریب دو ساعت بطور مرتب من جواب تلفن ها را دادم ۶ سوال از من کردند... خدا میداند همه اینه سوال درباره احتکار راسته درباره مواد مخدر است، درباره مساله بیرنج است درباره مساله چای است، درباره مساله قند است و مساله اجاره است زمین است و گرانی است که برای مردم تحمیل شده و متاسفانه دولت حرف زده و لسی عمل نمید، بطور شد که شما قاقاقچی های مواد مخدر را بعنوان یک کیلو، دو کیلو، بیشتر، کمتر میاورید، اعدام میکنید... چرا برای خاطر دزدی مختصر دست یک دزد را میبرند ولی احتکارچی که با حیثیت این مردم و با خون این مردم بازی میکند به سراج او نمیروند و او را سر جای خودش نمیگذارند. دونه از آنها را در همین بازار شهران وقتیکه اعدام کنیم مردم میفهمند دولت قاطعیت دارد... آقا شما نترسید این ملت ۴۰ میلیون همین جور که عراق را شکسته در پشت سر شماها هست. شما پاک نداشته باشید او چهار نفر گران فروش و محترم فسد فی الارض بگیرید، بیاورید اعدام کنید، نابود کنید تا مردم به شما آفرین بگویند. چرا این همه سستی بخرچ میدهد؟ اگر واقعا نمیتوانید خوب، ول کنید این نخست وزیر که ارت - پدری نیست یا دولت بودن که ارت - پدری کسی نیست. ول کنید یک عده دیگری که میتوانند این کار را به نحو احسن انجام بدهند" (مذاکرات جلسه ۵۱۵، ص ۱۹)

اطلاعیه

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان  
پیرامون سیاست تخلیه روستاها  
توسط رژیم جمهوری اسلامی



خلق قهرمان کرد!

خلقهای سراسر ایران!

کا رگران و رزمندگان و روشنفکران انقلابی!

سازمانها و احزاب مشرقی و دمکرات سراسر جهان!

رژیم جمهوری اسلامی که بیش از پنج سال است از هیچ جناحی در کردستان فروگذار نمیگردد است. رژیمی که در طول پنج سال گذشته جز گشتار و ویرانی و انهدام خانه و کاشانه رزمندگان خلق کرد، ارتغان دیگری بجز آنها نداشته است، اینک که با تمامی تلاشهای ارتجاعی و مذبحخانه خود در برابر قدرت اراده خلق نا پذیر خلق کرد بیزانود آمده است. و از رسیدن با اهداف بلند خود نا امید گشته است و با تمامی نیرو و تجهیزات عظیم خود در اقصی نقاط کردستان انقلابی به با تلاق میرگ ناگزیر فرورفته است. دست به چنانیت گشوده و وسیع و عوم دیگری زده است تا مگر بتواند براههای سرگوبگرانه و فساد انقلابی خود دست یابد.

رژیم جمهوری اسلامی فعلا در با تخلیه و انهدام بخش وسیعی از روستاهای مقاوم کردستان فضا رهزجه بیشتری بزرگمکتشان خلق کرد وارد آورده و آنها را از حمایت بیدریغ از فرزندان مسلح خود با ز دارد.

رژیم جمهوری اسلامی برای چیران شکستهای مفتضحانه تمامی سیاستهای خود در طول پنج سال گذشته در صدد است سیاست ارتجاعی جدید خود را با تخلیه و تخریب بیش از حد روستا عملی سازد که بر اساس آن تعداد بیش از هزار روستا تصدعا بخواهد با جمعیتی نزدیک به ده هزار نفر آواره و بدون هیچ آبخنده ای بر خیل آوارگان این جنگ تعمیلی پنج ساله افزوده میگردند.

رژیم جمهوری اسلامی و قیما نه به اهالی چند روستا از روستاهای مزبور اعلام کرده است که هر چه زود تر خانه و کاشانه خود را تخلیه نموده و آواره دشت و کوه کردستان گردند. و در غیاب این صورت با غمباران و قتل عام مزدوران خونخوار رژیم روبرو خواهند گشت. به اهالی دهها روستای دیگر نیز اخطار نموده است تا فعل یا شیز روستاها را تخلیه کرده، به جراتی که میشوند اندنقل مکان کنند.

رژیم جمهوری اسلامی که از سیمید، دستگیری، آزار و شکنجه آحاد ملت کردیتجه ای نگرفته است و نتوانسته است حمایت فعال و بیدریغ آنها از پیشمرگان را بکا هد و آنها را از طریق تسلیح اجباری و غیره به بقا ببله با فرزندان پیشمرگ خود وارد آورده. آخرین چاره خود را در تخلیه و تخریب نقاط

حساس کردستان انقلابی یافته است تا مگر بتواند این کانون گرم و پر شور و مبارزه را از زمین باز دارد بدین وسیله پیشمرگان قهرمان خلق کرد را از پشت جنبه قدرتمند خود در برخی مناطق حساس کردستان محروم سازد. رژیم جمهوری اسلامی نه تنها در سرگوب خلق کرده از لشکر خود یعنی رژیم پهلوی عقب نمانده است و در

طول پنج سال گذشته با ارتجاعی ترین و سبعا نه ترین شیوه های ممکن بمرگوب خلق کرد بپرداخته است و در مقابل اراده آن مبنی بر حق تعیین سرنوشت خود ایستاده است و با توب و تانک و خمپاره و وزندان و شکنجه با خلق کرد سخن گفته است و در اراضی عملی کردن طرحهای ارتجاعی همچون تخلیه و انهدام روستاها نیز

طرحهایی معیوب رژیم پهلوی را در صدد است بفرجام رساند. این طرح ارتجاعی که برای اولین بار در شوافق ۱۹۷۵ الجزایر بین دولتمن ایران و عراق در پشت درهای بسته مورد موافقت طرفین قرار گرفت و حوزه عمل آن تا میل مناطقی با غمباران دهها کیلومتر از سوا رمیزی هر کدام از طرفین مزبور میبود و هدف آن نیز جلوگیری از رشد و گسترش جنبش انقلابی خلق کرد در هر دو کشور بود. بدلائل متعددی از جمله و

سهم تراز همه رتد و اعتلای جنبش نموده ای در ایران، تردد دوران رژیم پهلوی صورت عملی بخود نگرفت و عقیم ماند، اینک یکبار دیگر از سوی رژیم جمهوری اسلامی مطرح گشته است.

رژیم جمهوری اسلامی که در طول عیانت ننگین خود تا با مرور نتوانسته است این طرح ارتجاعی را عملی نماید. اکنون و در شرایطی به آن چو مل جسته است که با تمامی تلاشهای مذبحخانه خود در طول پنج سال گذشته و انتظار صدها هزاران پا یگانه در سرتاسر کردستان نتوانسته است نه تنها موفقیتی در زمینه اعمال

حاکمیت خود بر خلق کرده دست آورد، بلکه در سرتاسر کردستان متناسب با گسترش پایگاههای خود هر روز بیشتر از روز پیش مورد حمله پیشمرگان خلق کرده قرار گرفته است. رژیم تصور میکند با انجام این طرح ارتجاعی از تحریک پیشمرگان خواهد کاست، رزمندگان خلق کرد را مستاصل خواهد ساخت و در نتیجه در پایگاههای

شعبه خود که همچون زنده انهای بیشماری در اقصی نقاط کردستان مستقر نموده است، روی آرامش را بخود خواهد هدید. نگاهی به لیست روستاهایی که قصد تخلیه و تخریب آنها را دارد اهداف واقعی رژیم را هر چه بیشتر آشکار خواهد ساخت.

در خا شیه آکسیون

بقیه از صفحه ۲  
در این روز رفقای هواداران با انهام از سن مبارر، تی فدائیان خلق و دلاوریها و مقاومت پیشمرگان و خلق قهرمان کرد، توانستند توجه افکار عمومی جهان را به مسئله کردستان، مبارزات خلق کرد و جنایات رژیم جلب کنند. انعکاس این خبر در خبرگزاریها بین المللی بحدی بود که رژیم نیز نتوانست آنرا پنهان نما بدوارگانهای خبری شان تلاش نمودند تا این مسئله را تحت عنوان "حمله کردهای وابسته به استکبار جهانی به سفارت جمهوری اسلامی در هلند و مضروب نمودن سفیر جمهوری اسلامی و..." لو ت کنند. اچا مردم آگاه ایران که با سیاست تحقیق و فریب سردمداران رژیم آشنایی دارند بخوبی واقفند که این حرکت نیز بخشی از مبارزات فرزندان انقلابی شان در خارج از کشور بوده است. از این گذشته بسیاری از رادیوهای بین المللی نیز اخبار اکسیون ۲۷ سپتامبر هواداران سچفا را به زبان فارسی منعکس نمودند بدنبال دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و حزب دمکرات کردستان ایران، در مورد افشای توطئه های اخیر رژیم دوزمین تخلیه روستاهای کردستان و فشار وارد آوردن بر روی رژیم، ما توانستیم گوشه ای از دین خود را ادا کرده و با انجام موفقیت آمیز اکسیون سراسری ۲۷ سپتامبر به سهم خود افکار عمومی را متوجه جنایات رژیم جمهوری اسلامی و موقعیت خلق کرد بنمائیم و رژیم بی آبروی جمهوری اسلامی را در سطح بین المللی بی آبرو سازیم.

مقامات رژیم سعی نمودند تا از روابط نزدیک خود با دولت هلند استفاده نموده و بیشترین فشارها را بر ۲۷ نفر از رفقای مبارز در بندمان وارد سازند تا بخیال خام خود هواداران سچفا را از ادامه چنین اکسیونهای تعرضی منصرف سازند. سردمداران رژیم سفیر هلند در تهران را احضار می نمایند و

این روستا ها که اکثر در منطقه مرزی قلات و سویسنایستی و سردهشت و گه ورک مرکزی قرار دارند ، اکثر روستا های رادر بر می گیرند که علیرغم حتی تسلط رژیم سربرخی از آنها ، در مراکز مهم پیشمرگان رومفا - بله عونین با یورشهای مزدوران رژیم بوده و هستند و رژیم با این سیاست ارتجاعی در حقیقت در صدد انتقام از اهالی بی دفاع این روستا ها برآمده است و تصور میکند با تخریب این روستا ها می تواند روستاها را شوانست زحمتکشان خلق کرد و از پافشاری بر اهداف انقلابی دمکراتیک خود یعنی بر رهایی از غیو و بند ستم ملی و ایجاد جامعه ای دمکراتیک و انقلابی با زداغنه و صحت انتقباد طانما سه عود در آورد .

اما واقعیتهای مبارزه کثونی و جنگ انقلابی در کردستان در طول پنج سال گذشته بر هر کس آشکار ساخته است که هیچکدام از سیاستهای ارتجاعی رژیم نه یورشهای ارتجاعی و همه جا تبه نه قتل عام زن و سرود و کودکی و بیرون جوان در روستا های کردستان ، نه سبایان و خمپاره و توپ با ران شورها و روستا ها ، نه گسترش هر چه بیشتر با گها و نه تبعید ، دستگیری و آزار و اذیت و اعدام مردم آزادی و نه تطبیح اجباری توده های مزدوم و نه سر با زگیری اجباری و غیره هیچکدام تاکنون نتوانسته است و نخواهد توانست خللی در اراده خلق مبارز و قهرمان کرد و وارد آورده ، آنرا یک گام از پافشاری بر اهداف انقلابی - دمکراتیک خود بسیار دارد . و از همین امروز مشخص است که این سیاست رژیم نیز با شکست مفتضا شده دیگری روبرو خواهد گردید .

وظیفه تمامی نیروهای انقلابی ، سازمانها و احزاب منطقه ای و سراسری است که در سرتا سرایران و جهان به هر طریق ممکن ماهیت ارتجاعی این سیاست رادر میان توده های مردم افشا نموده ، مقاومت همه جانبه و اعتراضات گسترده آنها رادر مقابل این سیاست سازماندهی نمایند ، و از طریق افشای جنایات آن در کردستان انقلابی ، آنرا در انظار عمومی جهانیان رسوا نمایند .

خلق قهرمان کرد!

خلقهای سراسرایران!

کارگران ، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی!

با افشای جنایات بیشتر رژیم در اقصی نقاط ایران بهر شیوه و هر طریق ممکن و با تحکیم اتحاد دزونی خود و با تشدید مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی ، سیاست ارتجاعی جدید آنرا در زمینه تطبیح و تخریب روستا های کردستان با شکست قطعی مواجه ساخته ، و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمی کنید .

کارگران و زحمتکشان خلق کرده تنها نباید مطمئن خواست ارتجاعی رژیم یعنی بر بی فائتمان نمودن آنها شده و روستا های خود را تخلیه نمایند ، بلکه قاطعانه و با تمام نیرو و از هر طریق ممکن باید در مقابل آن مقاومت نموده و با اقدامات عملی در زمینه جلوگیری از به تحقق پیوستن چنین سیاست شومی ، تلاش های مذیوخانه رژیم را مقیم گذارند ، آنها باید با تشکیل خود بطور هماهنگ ، اقدامات مشترکی را بعمل آورده و سیاست رژیم رادر سطح وسیعی افشا نمایند و بهیچوجه برخواست رژیم کردن ننهند .

سازمانها و احزاب شرقی و دمکرات سراسر جهان!

با اعلام همبستگی با ملیت شهنیده و مبارز کرد و تشکیل کمیته نگها و اعتراضات علیه رژیم جمهوری اسلامی و از طریق افشای جنایات متعدد آن در کردستان با بعدا غیر انسانی و ضد بشری جنایاتی که هم اکنون در سد انجام آن است ، قریبا دمی طلبانه خلق قهرمان کرد را بکوش همه جانبه ان رسا نده و ما میان ارتجاعی چنین رژیم سفاکی رادر انظار عمومی جهانیان رسوا نمائید .

ماضن اعلام همبستگی با رفقای دربندمان در هلند ، فداکاری ، احساس مسئولیت ، ابتکار انقلابی و روحیه مبارزاتی کلیه رفقای شرکت کننده در اکسیون ۲۷ سپتامبر را تقدیر نموده و برای آنها آرزوی موفقیت های مبارزاتی با زهم بیشتری را مینمائیم .



**مساله ارضی ، جنبش دهقانان و سیاست ما**

منتشر شده

از انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بهروز با جنبش انقلابی دمکراتیک خلق کرد!

هر چه مستحکمتر با اتحاد عمیق مبارزاتی خلقهای سراسرایران علیه رژیم جمهوری اسلامی!

مرگ بر امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلین!

هر چه گسترده تر با همبستگی بین المللی جنبشهای انقلابی و رها شیبش در سرتا سر جهان!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - بر فراز باد جمهوری دمکراتیک خلق!

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

۳۰ مرداد ۶۳



**طی يك عمليات جسورانه پایگاه "چاله به هی" توسط پیشمرگان فدائی درهم کوبیده شد**

طی عملیات جمهوریانه ای با پایگاه مزدوران رژیم واقع در محور جاده بیانه - سردهشت توسط پیشمرگان قهرمان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران درهم کوبیده شد .

این عملیات که در ساعت ۷ بعد از ظهر روز ۲۲/۵/۶۳ انجام گرفت ، طی آن یک دسته از پیشمرگان قهرمان سازمان طبق برنامه طرح ریزی شده ، پس از عبور از چند پایگاه دشمن ، از سه طرف پایگاه

# عملیات مین گذاری دسته‌ای از پیشمرگان فدائی در محور بانه - سردشت



رژیم جمهوری اسلامی بر هر کجای کردستان که قدم می‌گذارد پنا اراده متحد خلق گرد و پیشمرگان قهرمان آن رو برو می‌شود. او با تمام تجهیزات و پراکنده خود، با خیل نیروهای انسانی خود اعم از جانشینان و پادگان‌ها و پادگان‌های وادنی، اگرچه فصل از ورود به روستاها و خاک کردستان قهرمانان دهها بار آنجا را به تصاع دهها کیلومتری می‌کشد و خانه‌ها را ویران می‌کند. زنان و کودکان و پیرمردان را قتل عام می‌کند. تا با ایجاد رعب و وحشت زحمتکشان خلق کرد را از مبارزه برای تحقق آرمان انقلابی خود و حمایت به‌دربح از پیشمرگان قهرمانان، این فرزندان سلحشور کردستان، باز دارد. اینجا واقعیت‌های سرست مبارزه خصوصی هر روز و هر ساعت و با قدرت هر چه بیشتر اراده غلط تا پذیر این خلق قهرمان را آشکارا ساخته و آرمان خلق طلبانه و دمکراتیک آنرا در غرض مسلسل‌های پیشمرگان، در انهدام پایگاه‌های مزدوران رژیم و در ضربات پی‌درپی بر آنها از طریق مین گذاری در مسیر تردد آنها و غیره در هر گوشه کردستان فریاد می‌زند و بر سینه مزدوران رژیم حک می‌نماید. امروز دیگران این واقعیت آشکارا پذیرفته است که رژیم هر کجا که پنا نهاد است، با گلوله و انفجار رخنم خلق، و با سبیلکه مرگ و نیستی مواجعه گشته است.

در روز هفدهم مردادماه نیز مزدوران رژیم مین دوپایگاه "چه وره‌یی" و پایگاه "هشت شالکه" در محور بانه - سردشت با سرنوشت محتوم رژیم جمهوری اسلامی فر کردستان رو برو گشتند. مروز هفدهم مردادماه با انفجار مین‌های که توسط یک دسته از پیشمرگان فدائی کار گذاشته شده بود یک دستگاه خودروی "ایفا" حامل مزدوران رژیم بکلی منهدم گشته و بداخل در سقوط کرده و دست‌نفران سرشیمان آن سبلاکت رسیده، بدو نفر دیگر زخمی شده که یکی از آنها فرمانده پایگاه "چه وره‌یی" بود. بدنیال انفجار مین پیشمرگان فدائی، مزدوران متخلف در پایگاه "چه وره‌یی" چون همیشه سراسیمه و هراسان تمام منظره را به توپ و خمپاره مستند و ترس و وحشت جنوباً نیز خود را با ویران کردن خانه و کاشانه و مواز زحمتکشان کردستان آشکارا گشته. این گلوله‌باران هیچ تلفاتی نداشت و مالی در بر نداشت.

امروز دیگر هر یکس بی‌تعمیر نیست که نه گشتنش با پایگاهها و نه پورشهای پی‌درپی و گسترده و نه گلوله‌باران جنوب‌آسای روستاها و شهرهای کردستان و نه هیچ چیز دیگری از رژیم جمهوری اسلامی را در رسیدن با هدف بلیه خود پاری نخواهد در مانده و این رژیم دم‌نشن را هر روز بیشتر از روز پیش در تقابل آشکارا با اراده غلط تا پذیر خلق کرد در بانای مرگ و نیستی فرو خواهد پیرد.

پیروز ما دشمنان قهرمانان هلسبق کرد!  
هر چه گسترده‌تر با اتحاد عمل نیروهای انقلابی!  
مرگ بر امپریالیسم جهانی، سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه‌ها داخلش!  
سرنگون با رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان  
۲۷ مرداد ۶۳

"چاله‌به‌هی" واقع در مین دوپایگاه دشمن "کوپزلی" و "مقوب آباد" (با فوب تاوا) مورد حمله قرار می‌دهند.  
تیم اول پیشمرگان به محض نزدیک شدن به پایگاه، کمین مزدوران را کشف و زیر آتش نلاج - های خود می‌گیرند. همزمان با آن، تیم دیگر خود را به بیست متری پایگاه دشمن رسانده و با آرمی جی و سلاحهای سبک پایگاه را بشدت می‌کوبند.  
عملیات بعدی فالفکیر و سرفی ما بود که مزدوران رژیم دست و پایی خود را گم کرده و دیوانه وار به طرف خلایک می‌کردند. در همین اثنی و در شرایطی که هنوز مزدوران رژیم در تگای پیوسته نندیم دیگری از پیشمرگان حمله مجدد خود را به پایگاه شروع و برای بار دوم پایگاه را مورد تعرض قرار می‌دهند.  
در جریان این عملیات که یک ساعت بطول انجامید، تعدادی از مزدوران کشته و خساراتی به پایگاه وارد آمد. و پیشمرگان سالم و پیروز ماندند به پایگاههای خود با رکشند.  
پیروز ما جنبش انقلابی خلق کرد!

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان  
۶۳/۵/۳۰

## بن بست جنگ ...

بقیه از صفحه ۵  
دامن می‌زد، بعید نیست که در آینده برای جلوگیری از سقوط خود به ناچار به صلح نیز تن دردهد. بدیهی است که این صلح، صلحی نخواهد بود که به نفع توده‌های زحمتکش مین ما باشد. زیرا این صلح نه در پروسه مبارزه انقلابی برای سرنگونی رژیم، بلکه از طریق مذاکره بین رهبران دو رژیم متخاصم و سازش بین آنها صورت خواهد گرفت. این "صلح" زمینه را برای سرکوب هر چه بیشتر نیروهای انقلابی فراهم خواهد آورد. کمالات اینک امروز که آتش بس‌نسی در صحنه‌های جنگ حکم فرماست، رژیم فارغ از چینه جنگ با عراق، نیروهای خود را برای سرکوب کردستان قهرمان بسیج نموده است.

بنابر این تبلیغ عام شعاعار "صلح" و فالفوش کردن متوهمانه به آن، از نوع صلحی که مجاهدین مبلغ آن هستند، در شرایط کنونی نمی‌شوند چیزی جز صلح بین رژیم جمهوری اسلامی و رژیم عراق باشد. چنین با اصطلاح صلحی ضربه دیگری خواهد بود بر جنبش انقلابی مین ما. امروز وظیفه نیروهای انقلابی باید مبارزه برای صلح از طریق تدارک سرتگونی رژیم باشد، زیرا صلح سرتگونی واقعی تنها از طریق سرنگونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی متحقق خواهد شد.

**منشور**

**راه کارگر بدون وظیفه!**

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

# آکسیون سراسری در اعتراض به تخلیه و تخریب روستاهای کردستان

هلند - لاهه

## Embassy seized



**TEMPORARY TAKEOVER:** Nineteen Kurdish protesters Thursday seized the Iranian Embassy in The Hague, held it for 20 minutes and injured the ambassador before Dutch police broke in to end the siege. At top, police push an anti-Iranian demonstrator into a paddy wagon outside the embassy. Ambassador Hossein Tajgardon, left, required two stitches for a head cut. Last April, he was knocked unconscious in a similar attack.

بدنبال یک برنامه از قبل طرح ریزی شده، ساعت ۱۰/۲۰ دقیقه صبح روز پنجشنبه ۲۷ سپتامبر، یک تیم ۲۰ نفره از رفقای هوادار - سازمان در هلند، برای اعتراض به سیاست ارتجاعی رژیم خمینی مبنی بر تخلیه و تخریب روستاهای کردستان و همبستگی با خلق قهرمان کرده، به مقر سفارت جمهوری اسلامی در لاهه حمله کرده و سه طبقه آنرا اشغال نمودند. در کمتر از ۲ - دقیقه، رفقا توانستند مقاومت مزدوران رژیم را در داخل سفارت خنثی نموده و کنترل کامل هر سه طبقه را در دست بگیرند. در همان اولین دقیق اشغال، رفقا توانستند بخشی از اسناد مهم موجود در سفارت را خارج نمایند.

در بیرون از سفارت، ۳ تن از عناصر مزدور وابسته به رژیم خواستند که درگیری ایجاد نمایند که رفقای بیرون از سفارت آنرا فوراً خنثی نمودند. درگیری‌های درون سفارت بسیار زیاد بود بطوریکه حسین تاجگردان، سفیر جمهوری اسلامی از ناحیه سر و یک نفر از کارمندان سفارت زخمی شدند. پس از استقرار کامل رفقا در داخل سفارت، آرم - سازمان چویکهای فدایی خلق ایران، به همراه شعارهایی در محکوم نمودن جنایات رژیم در کردستان و افشای رابطه سیاسی رژیم جمهوری اسلامی و هلند، از پنجره سفارت آویزان شد.

همچنین رفقا بعنوان یک نمایش سمبولیک در دفاع از آرمان های انقلابی نیروهای انقلابی ایران، آرم "سفارت جمهوری دمکراتیک خلق ایران" را پشت یکی از پنجره های سفارت نصب نمودند.

پس از دستگیری ۱۹ نفر از رفقای داخل سفارت، پلیس آنها را در حالیکه شعارهای انقلابی می دادند، به داخل ماشین های پلیس برد. رفقا ابتدا به زندان پلیس و سپس به زندان ورتدام منتقل شدند.

بعد از مدت کوتاهی (حدود ۲۰ دقیقه) پلیس هلند در چندین اکسپدیشن سفارت را کاملاً محاصره نمود. افراد پلیس با درآوردن چارچوب درب سفارت وارد سفارتخانه شده و شروع به تیراندازی هوایی نمودند. همچنین تعدادی پلیس نیز با شستن پنجره ها وارد سفارتخانه گردیدند.



از همان ابتدای دستگیری، پلیس هلند نهایت بدرفتاری را با رفقای وندانی بعمل آورد وحتی یک روز از ملاقات وکیل با این رفقا جلوگیری نمود. بدنبال فشارهای رژیم جمهوری اسلامی بر دولت هلند مبنی بر "مجازات" این رفقا و اخطار جدی دولت ایران مبنی بر تعطیل نمودن سفارت (در صورت عدم مجازات این عده)، وزیر امور خارجه و وزیر کشور هلند به ملاقات حسین تاجگردان (که از ناحیه سر مصروب شده بود) در بیمارستان رفتند و وی را مطمئن ساختند که این مسئله دیگر تکرار نخواهد شد و حمله کنندگان به سفارت مجازات خواهند شد.

دولت هلند قصد دارد هرچه زودتر ۲۵ نفر از رفقای هوادار دربند را محاکمه نماید. برای ممانعت از تحویل دادن این رفقا به رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، رفقای هوادار در کشورهای مختلف آکسیون های جدی را به منظور تحت فشار قرار دادن دولت هلند، در دستور کار خود قرار داده اند.

## فرانسه - پاریس

صبح روز پنج شنبه ۲۷ سپتامبر تعدادی از هواداران سچفا علی رغم محافظت شدید پلیس، موفق شدند خود را در محوطه درونی یونسکو به زنجیر بکشند. آنگاه رفقا با نصب باندرول و پلاکاردهایی که حاوی شعارهایی در همبستگی با اهالی روستاهای کردستان و افشای جنایات رژیم بود، عملکرد رژیم را در معرض افکار عمومی قرار دادند. قطعنامه آکسیون سراسری بطور وسیع در محل پخش گردید. در مدت کوتاهی تعداد بیشماری پلیس خود را به محل رساندند. آنها به بهانه بریدن زنجیرها، وحشیانه به سوی رفقا یورش آوردند. رفقا نیز در مقابل، به مقاومت شدید پرداختند. بریدن زنجیرها که بیش از سه ربع ساعت

بطول انجامید، منجر به زخمی شدن یک نفر پلیس شد.

در این آکسیون اعتراضی، ۲۱ نفر از رفقا دستگیر و مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. قطعنامه آکسیون وسیعاً در اختیار کلیه خبرگزاریها قرار گرفت. تلویزیون فرانسه در اخبار بعد از ظهر خود با نشان دادن عکس از آکسیون اعلام نمود که هدف دانشجویان از به زنجیر کشیدن خود در محوطه یونسکو، اعتراض به جنایات رژیم خمینی در کردستان بوده است. همچنین روزنامه لوموند و اوماشیه اخبار این آکسیون را به همراه طرح خواسته های آن، درج نمودند.

## آلمان - بن

همزمان با برگزاری آکسیون سراسری ۲۷ سپتامبر، رفقای هوادار در آلمان ساعت ۳ بعد از ظهر تظاهرات ایستاده ای در مقابل ساختمان سازمان ملل در شهر بن برپا نمودند. بیش از ۸۰ نفر از هواداران سازمان و دیگر افراد مبارزی که در این آکسیون شرکت نموده بودند، تنفر عمیق خود را از جنایات رژیم در کردستان بگوش مردم آلمان رساندند. تظاهرکنندگان درحالیکه عکس هایی از جنایات رژیم به گردن آویخته بودند و باندرولهای متعدد در دست داشتند، با شعارهای: "جنایات رژیم در کردستان را محکوم کنید"، "از کوچ اجباری زحمتکشان کردستان جلوگیری کنید"، "کمکهای اقتصادی، سیاسی و نظامی آلمان به ایران را قطع کنید"... خواهان ملاقات نمایندگان از سازمان هوادار با مسئولین دفتر سازمان ملل شدند. سپس دو رفیق از سوی سازمان هوادار در تماس خود با رئیس دفتر نمایندگی سازمان ملل، هدف از انجام آکسیونهای سراسری هواداران سچفا در این روز و مقاصد شوم رژیم را تشریح نمودند و -

خواهان اقدام فوری سازمان ملل در این مورد شدند. ایشان توافق نمود که جریان امر و چکیده بحث های انجام گرفته را به همراه قطعنامه آکسیون به دفتر مرکزی سازمان ملل در نیویورک ارسال نموده و رونوشت آنرا به مطبوعات آلمان، سازمانهای حقوق بشر و سازمان هوادار سچفا در آلمان فدرال بفرستد.

این آکسیون پس از یک ساعت و نیم، با قرائت قطعنامه های فارسی و آلمانی و پخش وسیع آن در منطقه به پایان رسید. ضمناً در حین تظاهرات، نمایش های خیابانی در افشای رژیم نیز اجرا گردید که مورد استقبال عابریین قرار گرفت. خبر این آکسیون سراسری در مطبوعات و رادیو و تلویزیون آلمان انعکاس یافت.

## آلمان - برلین

هواداران سازمان در برلین غربی نیز دست به انجام آکسیون افشا - گرانه در مرکز شهر زدند. رفقا با نمایش صحنه هاشی او اعدام و شکنجه و برقراری نمایشگاه عکس از کشتارهای رژیم در کردستان، توجه عده زیادی از مردم را بخود جلب نمودند. رفقا همچنین به پخش وسیع قطعنامه آکسیون سراسری در بین مردم پرداختند و شعارهایی به حمایت از مبارزات قهرمانانه خلق کرد و در افشای جنایات رژیم دادند. خیراین آکسیون که یک ساعت بطول انجامید و بیش از ۳۰ نفر از رفقا در آن شرکت نمودند، در روزنامه های شهر برلین درج گردید.

## ایتالیا - رم

رفقای هوادار در رم نیز در این روز در محل صلیب سرخ در رم - تحمن نموده و مسئولین دفتر را مجبور ساختند تا تلگراف هایی به

## قطعه نامه آکسیون سراسری

# در اعتراض به تخلیه و تخریب روستاهای کردستان

خلقهای سراسر جهان!

سازمانها و احزاب مترقی جهان!

بیش از ۵ سال است که رژیم جمهوری اسلامی در کنار سرکوب و وحشیانه توده های مردم ایران، جنگ ویرانگر و خانماشوزی را با استفاده از خمپاره توپ، تانک و انواع سلاحهای سنگین بر خلق کرده تجمیل نموده و هر دم آبراشدت بخشیده است. و اخیرا در پی نافرمانی تمامی سیاستهای سرکوبگرانه و جنایتکارانه اش، در مقابل با اراده ملیت کرد در راه مبارزه بر علیه ستم ملی و برای کساحق انتخاب آزادانه سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود، تصمیم گرفته است که ابعاد این تعدی را در اشکالی دیگسراسر گسترش دهد.

بر اساس گزارشات رسیده، سرکوب فوق العاده مناطقی روستائی کردستان ایران در دستور کار رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته است. آتشی که سردمداران رژیم در طی این ۵ سال در کردستان برافروخته اند، وارد مرحله جدیدی میشود. به اهالی پیش از از عروستا با جمعیتی قریب به ده هزار نفر از منطقه آلان، سویستا، سنجوگورک سدهت اظهار شده است که هرچه سریعتر خانه و کاشانه خود را تخلیه و منطقه را ترک گویند و در میرا بصورت با غنبار ه یاران این روستاها را تخریب و منهدم خواهند ساخت. اخبار رسیده حاکی است که در هفته های اخیر رژیم ایران این سیاست را در کانی زرد و احمد قریب از توابع سرشاخان نقه و روستاهای دوله نی، زویان و جزیب در منطقه پیرا ن شهر عملی ساخته است و این روستاها را به آتش کشیده است.

این همه دوغرایطی صورت میگردد که اکثر روزنامه ها، شبکه های رادیو و تلویزیونی، ارگانها و نهادهای بین المللی در قبال جنایاتی که تاکنون در کردستان صورت گرفته است، حتی کوچکترین روشنگری را به عمل نیاورده اند و کشورهای امپریالیستی از جمله آمریکا، آلمان، انگلستان، ژاپن و رژیم صهیونیستی اسرائیل با فروش تجهیزات نظامی و کمکهای اقتصادی خود به طور مستقیم و غیر مستقیم رژیم ایران را در ادامه و تشدید این اعمال غیر انسانی یاری رسانده اند.

روشن است که اکنون زندگی بخش وسیعی از روستائیان کرد در معرض تهدید جدی قرار گرفته است. عواقب این اقدامات ضد بشری شایعی به جز قتل عام اهالی بی دفاع مناطق روستائی، بی خانمانی و آوارگی هزاران انسان را در بر نخواهد داشت.

در یک چنین شرایطی ما هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در خارج از کشور با ابراز همدردی و همبستگی صمیمی با اهالی این روستاها، روز پنجشنبه ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۲ را بعنوان روز اعتراض به این سیاست شوم در کردستان اعلام نموده و با تاکید بر مضمون بیانیه مشترک سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و حزب دمکرات کردستان ایران مورخ ۲۱/۶/۶۳ آکسیونهای سراسری خود را برای تحقق خواسته های زیر برگزار میکنیم:

۱- صدور قطعه نامه ای در محکومیت سیاست تخلیه و تخریب روستاهای کردستان از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل.

۲- اعزام هیئتی از سوی دبیرکل سازمان ملل برای بازدید از روستاهایی که به آتش کشیده شده اند و نیز روستاها تیکه در معرض انهدام قرار گرفته اند.

۳- بازدید هیئتی از طیب سرخ جهانی از این روستاها و کمک به مجروحین و آوارگان این مناطق.

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

در خارج از کشور

۲۷ سپتامبر ۱۹۸۲

دفتر مرکزی طیب سرخ و سایر نهاد های بین المللی، چون سازمان ملل و عفو بین المللی مبنی بر محکومیت رژیم خمینی و سیاست کوچ اجباری روستائیان کردها ارسال دارند. این آکسیون مورد حمایت نیروهای مترقی و مردم ایتالیا قرار گرفت. خبر انجام این آکسیون در رسانه های گروهی بطور وسیع منعکس گردید. رفقای هوادار همچنین خود قطعه نامه آکسیون سراسری را بطور وسیع در بین مردم پخش نمودند.

## سوئد - استکهلم

بمنظور همبستگی با مبارزات خلق کرد و افشای جنایات رژیم در کردستان، رفقای هوادار در استکهلم از ساعت ۴ الی ۶ بعد از ظهر روز ۲۷ سپتامبر در میدان مرکزی شهر و سایر نقاط پر جمعیت شهر به پخش وسیع اعلامیه پرداختند.

## انگلستان - لندن

بدینال اعلام روز ۲۷ سپتامبر، بعنوان روز اعتراض علیه سیاست تخلیه و تخریب روستاهای کردستان از جانب هواداران سنجفا در خارج از کشور، رفقای هوادار سازمان در انگلستان در این روز آکسیون اعتراضی خود را علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی برگزار نمودند. راس ساعت ۱۰/۵ صبح رفقا در سه نقطه شهر لندن روبروی سفارت جمهوری اسلامی، بانک ملی و دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی خود را زنجیر نمودند. رفقا همچنین پلاکاردهائی در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود: "مباران روستاهای کردستان را قطع کنید"، "زنده باد مبارزات خلق کرد"، "حرک بر رژیم جمهوری اسلامی" و... عده ای از رفقا نیز قطعه نامه آکسیون سراسری را به زبان انگلیسی و فارسی پخش میکردند و

هدفهای آکسیون را برای مردم توضیح میدادند. بعد از نیم ساعت، پلیس با گازانبر زنجیرها را پاره نمود و کلا ۷ نفر را دستگیر کرد. بعد از مدت کوتاهی، ۲ نفر از رفقا آزاد شدند، ۳ نفر نیز با قید ضمانت آزاد گشتند. ۲ تن از رفقا شب را در زندان بسر بردند. بنا بر تصمیم پلیس، ۵ نفر از رفقا روز بعد در دادگاه محاکمه شدند و سپس آزاد گشتند.

خبر این آکسیون توسط رادیو BBC (بخش بین المللی)، تایمز و دیلی تلگراف به همراه عکس و گزارش آکسیونهای رفقای هوادار در کشورهای دیگر، پخش و منعکس گردید. در حاشیه این آکسیون لازم است گفته شود که در حین برگزاری آکسیون، مزدوران سفارت رژیم جرئت بیرون آمدن از سفارت را نداشتند و مسئولان دفتر هواپیمایی نیز درهای ورودی را قفل نموده و کسی را به درون راه نمی دادند.

## ا ط ر ی ش - و ی ن

در جهت حمایت از مبارزات خلق قهرمان کرد و افشای سیاست ارتجاعی اخیر رژیم مبنی بر کوچ اجباری اهالی روستاهای کردستان و هماهنگی با آکسیونهای رفقای هوادار در کشورهای دیگر، رفقای هوادار در وین در پی یک برنامه از قبیل طرح ریزی شده، در ساعت ۱۱ صبح روز پنج شنبه ۲۷ سپتامبر، در مقابل درب ورودی دانشگاه وین (که یکی از مراکز پر رفت و آمد شهر میباشد) خود را به زنجیر کشیدند. رفقای شرکت کننده در این آکسیون، پلاکارد هائی بر گردن آویخته بودند که در آن بیان جنایات رژیم در کردستان و سایر نقاط کشور نوشته شده بود. قطعنامه آکسیون سراسری و خواسته های رفقا به دفعات از طریق بلندگو برای دانشجویان و مابریانی که اجتماع کرده بودند، خوانده شد.



طریش - وین: نجیرستن در مقابل درب ورودی دانشگاه

## هند - دهلی نو

همزمان با برگزاری آکسیونهای سراسری رفقای هوادار در خارج از کشور، رفقای هوادار در دهلی نو نیز در روز ۲۷ سپتامبر برگزاری تظاهرات و راهپیمایی را از جلوی دفتر روزنامه ها و مطبوعات تا محل سفارت رژیم جمهوری اسلامی در دهلی نو تدارک دیدند. رفقای هوادار با حمل پلاکاردها و باندرول هائی که در آنها سیاست کوچ اجباری روستائیان کردستان محکوم شده بود، اعتراضات شدیدی خود را علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی نشان دادند. حدود ۴۰۰ نفر پلیس سفارت رژیم را از هر طرف محاصره نموده بودند. بیش از نیم ساعت از اجتماع رفقا در جلوی سفارت نگذشته بود که پلیس ارتجاعی هند به حمایت از رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، ۵۵ نفر از رفقای هوادار را دستگیر نمود. این معده بعد از آزاد شدند، رفقای هوادار با پخش اعلامیه و قطعنامه آکسیون در بین مردم، آنها را از مبارزات و مشکلات فعلی جنبش مقاومت کردستان مطلع نمودند. خبر این آکسیون در مطبوعات سراسری هند درج گردید و خبرگزاریهای بین المللی آنرا گزارش نمودند.

خبرنگاران رادیو، تلویزیون و مطبوعات نیز در حین برگزاری آکسیون در محل حاضر شده و مصاحبه هائی را با رفقا ترتیب دادند. همزمان با برگزاری این آکسیون، متن قطعنامه آکسیون به سازمان ملل، سازمان عفو بین المللی، و ملیت سرخ تلکس گردید. تعدادی از رفقا نیز در چند نقطه شلوغ شهر، بیش از ۵۰۰۰ نسخه از قطعنامه آکسیون و اعلامیه را بین مردم پخش نمودند. بعد از یکساعت و نیم، این آکسیون پسران نائل آمدن به اهداف خود و با دخالت پلیس پایان پذیرفت. خبر این آکسیون موفقیت آمیز به همراه خبر آکسیون رفقای هوادار در کشور های دیگر در مطبوعات و رادیو تلویزیون منعکس گردید. همچنین در این روز، رفقا متن قطعنامه را برای ۵۰ سازمان و نهاد مترقی اطریشی ارسال داشتند.

## بلژیک - بروکسل

در روز ۲۷ سپتامبر رفقای هوادار در بروکسل نیز برای نشان دادن همبستگی عمیق خود با خلق دلاور کرد، دفتر خبرگزاری بلگا را اشغال نموده و مسئولین این خبرگزاری را وادار ساختند تا خواسته های آکسیون سراسری ۲۷ سپتامبر را به نقاط مختلف جهان مخابره کنند.



آمریکا - لس آنجلس : زنجیر بستن و تحمن بردا خل دفتر عفویین المللی

در خلال انجام این تحمن که به مدت ۴/۵ ساعت بطول انجام می شد، خبرنگاران سه کانال تلویزیونی و ۵ روزنامه اصلی شهر در محل حاضر شدند. سرانجام این آکسیون با رسیدن به اهداف خود، در ساعت ۵/۵ بعد از ظهر خاتمه یافت. خبر این آکسیون موفقیت آمیز به همراه آکسیون های رفقا در کشورهای دیگر، در تلویزیون و مطبوعات لوس آنجلس منعکس گردید.

## آمریکا - نیویورک

همزمان با برگزاری آکسیونهای سراسری ۲۷ سپتامبر، رفقای هوادار در شهر نیویورک در مقابل دفتر ایران در سازمان ملل، اجتماع نموده و به سیاست ارتجاعی مبنی بر تخلیه و تخریب روستاهای کردستان اعتراض نمودند. حدود ۴۰ نفر از رفقا در صفوف منظم با حمل پلاکاردها و شعارهایی که بر روی پارچه نوشته شده بود، همبستگی عمیق خود را با مبارزات خلق قهرمان کرد، نشان دادند.

قطعه نامه این آکسیون به زبان انگلیسی بطور وسیع در بین مابین پخش گردید. بعد از چند ساعت، سرانجام این آکسیون در حالی که

"کوچ اجباری روستاییان کردستان را متوقف کنید"، "قتل عام کردها را متوقف کنید"، "دروغ بر فدائی و... اعتراض شدید خود را با سیاست های ارتجاعی رژیم نشان دادند. خبر - نگاران همچنین با دو نفر از رفقای درگیر در این آکسیون به مصاحبه پرداختند.

حدود ۲۵ نفر از رفقا نیز در جلو دفتر عفویین المللی جمع نموده و با حمل شعارهای پارچهای بزرگ، پلاکاردها و پخش اعلامیه و قطعه نامه آکسیون سراسری، مابین را از خواسته های خود مطلع نمودند.

## آمریکا - لس آنجلس

همزمان با برگزاری آکسیونهای سراسری ۲۷ سپتامبر، رفقای هوادار در لوس آنجلس به دنبال یک برنامه از قبل طرح ریزی شده در رأس ساعت یک بعد از ظهر در محل دفتر عفویین المللی در لوس آنجلس تحمن نموده و خود را زنجیر نمودند. به منظور مقابله با سکوت رسانه های خبری آمریکا در مورد جنایات رژیم جمهوری اسلامی بخصوص در مورد جنایت اخیر رژیم مبنی بر کوچ اجباری اهالی روستاهای کردستان، ۱۲ نفر رفیقی که خود را زنجیر کرده بودند اعلام داشتند تا زمانیکه خبرنگاران تلویزیون و روزنامه های اصلی شهر در محل حاضر نشوند و خواسته های آکسیون را منعکس نکنند، حاضر به ترک محل نخواهند بود.

آنگاه دو سه نفر از رفقا با استفاده از امکانات ارتباطی دفتر عفویین المللی، بارسانه های گروهی تماس گرفتند و خواسته های خود را طرح نمودند. پس از مدت کوتاهی خبرنگاران مطبوعات و تلویزیون، یکی پس از دیگری، در محل حاضر شدند و به تهیه گزارش پرداختند. رفقای متحمن با دادن شعارهای "مرگ بر خمینی، زنده باد کردستان"



آمریکا - لس آنجلس : تظاهرات ایستاده در مقابل دفتر عفویین المللی

ورفقارا تشویق مینمودند . قطعنامه این آکسیون بطور وسیع بین مردم پخش گردید . رفقا با درست کردن مجسمه خمینی (در حالیکه مسلسلی در دست داشت ) ، توانستند توجه ما برین را جلب کنند . خبرنگاران تلویزیون و مطبوعات نیز در محل آکسیون جمع شده و به تهیه گزارش پرداختند .



## آمریکا - سانفرانسیسکو

ساعت ۱۱ صبح پنجشنبه ، بیش از ۳۵ نفر از رفقای هوادار در جلو بانک ملی رژیم جمهوری اسلامی در شهر سانفرانسیسکو اجتماع



آمریکا - سانفرانسیسکو :  
نمایش اعدام در مقابل  
بانک ملی ایران

آمریکا - سانفرانسیسکو :  
تظاهرات در مقابل بانک  
ملی ایران



ما برین را از ابعاد جنایت رژیم در کردستان متاثر ساخته بود ، پایان پذیرفت .

## آمریکا - شیکاگو

رفقای هوادار در شیکاگو نیز به منظور اعتراض به جنایات رژیم در کردستان در این روز در Civic Center در مرکز شهر شیکاگو اجتماع نمودند . رفقا پلاکاردها و شعارهایی در حمایت از مبارزات خلق کرد محکوم کردن رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی حمل می نمودند . بسیاری از مردمی که در محل جمع شده بودند مخالفت خود را با رژیم اعلام داشتند

آمریکا - شیکاگو : کوهسار رفقا عوارض در مرکز شهر



**Iranian Kurds stage protest at embassy in The Hague**  
The Hague  
Iran's ambassador to the Netherlands, Hossein Tajgardoun, was injured Thursday when one of a series of international protests...

**Daily News**

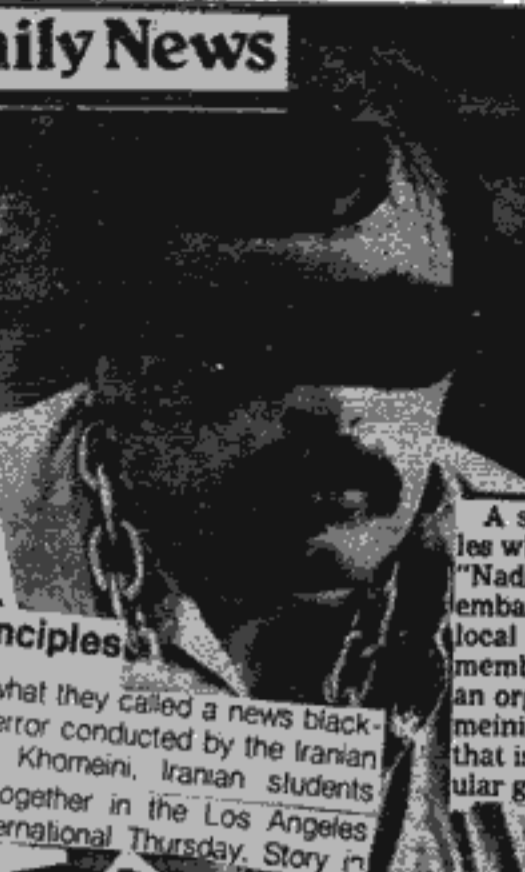
**Iranian Zunehmende  
envoy  
beaten  
Proteste  
gegen Khomeiny**

By DAVID R. WALKER  
Daily News Staff Writer

WIEN. In Teheran und mehreren westeuropäischen Hauptstädten kam es am Donnerstag zu Aktionen gegen das Mullah-Regime in Teheran.

FRIDAY, SEPTEMBER 28, 1984  
An anonymous caller to the Associated Press office in London said the protests were carried out by Sedayen, a Marxist group opposed to the ayatollah's revolutionary regime.

**Chained to principles**  
In a protest against what they called a news blackout on the reign of terror conducted by the Iranian regime of Ayatollah Khomeini, Iranian students chained themselves together in the Los Angeles office of Amnesty International Thursday. Story in U.S./World, page 1.



Kurdish separatists seized the Iranian Embassy in the Netherlands and beat the ambassador's spokesman in Los Angeles. A spokeswoman in Los Angeles who identified herself only as "Nadi" said the attack on the embassy in The Hague and the local protest were staged by members of the People's Fedai, an organization opposed to Khomeini, as well as the late shah, that is seeking a democratic popular government.



**Los Angeles Times**

**La Haya: 20 iraníes agreden al embajador en su misma sede**  
LA HAYA, 27 de septiembre (UPI).— 20 personas ocuparon hoy la embajada de Irán en La Haya atacando al embajador y golpeando al embajador.

**LA OPINION**  
Viernes 28 de septiembre de 1984  
El vocero policial dijo que los funcionarios y golpeando al embajador en el edificio.  
El embajador varias horas después que logró escapar por un escape de incendios en unos siete minutos.



**Weltweite Protestaktionen gegen das Khomeini-Regime**

WIEN (apa). Eine Gruppe von Sympathisanten der Volksfedayin-Guerillaorganisation hat sich am Donnerstag zum Protest gegen das Khomeini-Regime am Haupteingang der Universität...

**Weltweite Protestaktionen gegen das Khomeini-Regime**  
Ankettung in Wien — Botschafter in Den Haag verletzt  
Anschlag auf Evin-Gefängnis in Teheran gescheitert

**Die Presse**

Unabhängige Tageszeitung für Österreich  
Freitag, 28. September 1984

**Die Presse**  
Freitag, 28. September 1984  
In Wien demonstrierten am Donnerstag vor der Universität Exiliraner gegen die Gräueltaten des Khomeini-Regimes. Auch in Den Haag kam es zu Protestaktionen gegen die Botschaft.

**Wiener Zeitung**

**Iranprotest**  
In Wien demonstrierten am Donnerstag vor der Universität Exiliraner gegen die Gräueltaten des Khomeini-Regimes. Auch in Den Haag kam es zu Protestaktionen gegen die Botschaft.



لاهد

"سفیرایران در هلند، حسین تاجگردان، روز پنجشنبه در حین یکی از تظاهراتهای سراسری که منجر به زد و خورد بین کارمندانش و ۱۹۰ کرد ایرانی که بمدت کوتاهی سفارت را اشغال کرده بودند، زخمی شد. پلیس گفت که درگیری بدنبال تظاهرات علیه رژیم آیت الله خمینی بوجود آمد.

در فرانسه نیز دهها کرد ایرانی مخالف خمینی در برابر دفتر سازمان یونسکو تظاهراتی داشتند. تظاهرکنندگان تقاضا کردند، که هیئتی از جانب طلب سرخ جهانی جهت تحقیق در مورد اتهام نقض حقوق بشر و رفتار دولت ایران با روستائیان در کردستان ایران فرستاده شود.

یک ناخشنود تماس تلفنی با دفتر آسوشیندپرس اظهار داشت که تظاهرات توسط فدائیان که یک گروه مارکسیستی مخالف رژیم "انقلابی" آیت الله خمینی هستند، صورت گرفته.

## متن تلکس خبرگزاری بلگا (بلژیک) به خبرگزاری های جهان در مورد آکسیون ۲۷ سپتامبر

ایران / کرد

اعتراض علیه "جنایات" انقلاب ایران  
بروکسل ۹/۲۷ (بلگا)

در روز پنجشنبه طی اشغال آرام محل آژانس بلگا در بروکسل به مدت نیم ساعت، هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران دست به افشای اختناق که در طی پنج سال گذشته توسط انقلاب اسلامی ایران علیه توده های این کشور پیکار میروند، زدند.

بنابه گفته سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، رژیم ایران روز به روز بر شدت جنگی که از سال ۱۹۷۹ بر خلق کرد تحمیل شده است می افزاید و بهبودی در صدد نابودی مقاومت این خلق است و در این راه حتی از سلاحهای شیمیایی نیز استفاده میکند.

این سازمان می افزاید مقامات تهران در عرض هفته های گذشته ... (متن تلکس خوانا نیست) ... نابود کردند.

از اینرو هواداران سچفا در خارج، ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۲ را "روز اعتراض علیه سیاست جنایتکارانه رژیم ایران" اعلام کردند. آنها از سازمان ملل میخواهند تا با صدور قطعنامه ای سیاست ویران کردن روستاهای کردستان را محکوم کند. فرستادن هیئتی از طرف سازمان ملل متحد به محل و همچنین فرستادن هیئتی از طرف طلب سرخ از دیگر خواسته های آنان است.

## Daily News

روزنامه دپلی نیوز لس آنجلس (۲۸ سپتامبر)

"روز پنجشنبه خود مختاری طلبان کرد سفارت ایران در هلند را اشغال کردند و سفیر را کفک زدند، در همان روز دانشجویان ایرانی در لس آنجلس علیه جنایات رژیم خمینی دست به تظاهرات زدند ...

۱۲ دانشجوی ایرانی خود را در دفتر سازمان عفو بین المللی در لس آنجلس به زنجیر بستند تا در برابر آنچه آنها سکوت و مداخله ارتباط جمعی آمریکائی در مورد حکومت سرور خمینی بر علیه مردم کردستان که خواهان خود مختاری هستند مینمایند، اعتراض کنند.

یک سخنگو در لس آنجلس که خود را "نادی" معرفی کرد، گفت که جمله به سفارت در لاهه و همچنین تظاهرات در لس آنجلس توسط هواداران فدائیان خلق که سازمانی مخالف رژیم خمینی و همچنین رژیم شاه سابق هستند و خواهان برقراری یک دولت دموکراتیک خلقی میباشد، صورت گرفته است ...

نادی گفت که در طی سه هفته گذشته خمینی دستور داده است تا روستاها را آتش بزنند و تهدید کرده است که ده هزار تن از اهالی عروستار را تخلیه خواهند نمود.

او گفت که چندین دهکده در نواحی پیرانشهر و سرشاخان به آتش کشیده شده و احشام آنها در مقابل دیدگان اهالی روستا تازو مار شده اند.

وی گفت تا این اعمال درست قبل از فصل برداشت محصول انجام میگیرد و در نتیجه اهالی روستاها با گرسنگی روبرو خواهند شد.

نادی گفت خمینی تصمیم گرفته است تا حمایت مردمی برای چریکهای کرد را که "قلب انقلاب ایران" علیه رژیم آیت الله هستند، از بین ببرد ...

روزنامه خاک سابتونگ (Tag Zeitung) آلمان غربی

پنجشنبه ۲۹ سپتامبر

### "روز اعتراض کردها"

"سفارت ایران در لاهه بوسیله گروهی از کردهای ایرانی برای مدت کوتاهی اشغال شد. بر اساس گزارش خبرگزاری ها درگیری هایی بین این عده و کارمندان سفارت بوجود آمد. سفیر و تعدادی از کارمندان سفارت بطور سطحی مجروح شدند. بعد از حدود ۱۰ دقیقه، پلیس دخالت نموده و با تخلیه سفارت تعداد ۱۹ نفر از اشغال کنندگان را دستگیر کرد. هنوز معلوم نیست که چه جرمه ای در انتظا را اشغال کنندگان خواهد بود شرکت کنندگان در اشغال ماه آوزیل، بدون هیچ جرمه ای بعد از چند روز آزاد شدند که سفارت به آزادی آنها اعتراض نمود. در وین نیز تعداد ده نفر از سمیات های یکی از گروه های اپوزیسیون ایرانی، به نام فدائیان خلق در جلوی درب اصلی دانشگاه خود را به زنجیر بستند. این آکسیونها در رابطه با آکسیون بین المللی روز اعتراض علیه برنامه رژیم خمینی در تخلیه اجباری ده هزار نفر از کردستان ایران که در پائیز امسال انجام خواهد شد - صورت گرفته است ..."





موجوده شرایط کنونی بگفته‌ای است که هیچ سازمان انقلابی به تنهایی نمیتواند رژیم را سرنگون سازد. بنا بر این ضرورت اتحاد و عمل بین نیروهای انقلابی در شرایط حساس کنونی بیش از پیش اهمیت یافته است. همانگونه که آنگاهها زنده‌ها پیش از زمان چریکهای فدائیک خلق ایران اقدام به تئورین برنا مع عمل انقلابی و انتشار رهنش آن نموده‌است. ما اعتقاد داریم ملاندا این برنا چه دربرگیرنده منابع کارگزاران و رزمنگان و افشار خرد بورژوازی میباشد. ظفره رهنش از پذیرش برنا مع عمل انقلابی و نپذیرفتن خرید کردن مائیس دولتی. درهم شکستن ارتش ضد خلقی سپاهیان و دستگاری و دستگاری و دستگاری حاکم بر ایران، یعنی ویران کردن دنیا و منافع خودها و خدمت به بورژوازی و در نهایت بسودا میریالیسم میباشد. ما با رها اعلام داشته‌ایم برنا مع ایگه در برگیرنده جداگانه منابع زحمتگزاران و حداقل منابع کارگران در انقلاب دمکراتیک یا عدم مورد قبول سازمانها نمیباشد. در این باره ما زمانها که خود را انقلابی و دمکرات میمانند و وظایف سنگینی بعهده‌دارند. ما با رد دیگر بر ضرورت دست یابی به یک برنا مع عمل انقلابی تا کیم می‌ورزیم تا راه را برای سرنگونی رژیم ده‌ده‌شش جمهوری اسلامی و قطع نفوذ امپریالیسم هموار سازیم.

در زمینه وحدت بین نیروهای کمونیست و منظور تحققات هدف پرولتاریا، پایان دادن به نظام مائیس پر بردگی و کار مزدوری و تامین منابع عموم زحمتگزاران اخبار سازمان اقدام به انتشار رهنش طرح برنا مع حزب کمونیست نموده‌است. حول این برنا مع کلیه کارگران و زحمتگزاران به اتحاد و تشکیل فراخوانده شده‌اند. این برنا مع میشود در جهت پایان دادن به شکست و ویرانکنندگی بین نیروهای کمونیست نقطه عطفی باشد. از این رو اعتقاد داریم بر خورده‌های نیروهای کمونیست به طرح برنا مع ما زمانها نمیتوانند درست دادند ما رزده‌ایدنولوژیک پیرامون مضمون برنا مع ما گزینر وحدت برنا مع‌ای میباشد.

رفقای هواداران! ما رزده‌ایم که اکنون در بین ما زمانهای سیاسی در جریان است با رتا ب ما رزده‌ایم می‌باشد. یعنی از این ما رزده‌ایم سیاسی-ایدئولوژیک در خارج از کشور جریان دارد. ممکن است افراد نا آگاهی باشند که این ما رزده‌ایم می‌باشد. این دسته خواستار نظام وایسته‌ایم امپریالیسم و برقراری سیستم کمپرا دوری می‌باشند. اینان دشمن سوگند خورده‌های مردم می‌باشند. اخبار نیز با استفاده از رسانه‌های گروهی امپریالیسم و کمپنهای میدریج امپریالیسم آمریکا می‌خواهند چنین وانمود سازند که گویا در بین خودهای زحمتگزار میهنمان با یکا و نفوذی دارند. اینان در صورتی که بشنوند مثل گذشته از کودتا استفاده خواهند کرد. مادر هر شرایطی با این دشمنان مردم مبارزه خواهیم کرد.

نیروی دیگری که خود را "تنها آلترنا تیف" (!) مینامد "شورای ملی" و متعصبانه است. این نیروها بی اعتباری سیاستها و نا کشتیکهای رهبری مجاهدین مدام از نفوذش در بین خودها که شده‌است جا شکی که امروزه حالت بین بست و بلا کشتیکهای فرا رگرفته‌است.

رهبری سازمان مجاهدین که در مقطع چهار دهه در اواسط و اواخر دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی بنیاد و پایه کسب قدرت سیاسی را بنا نهاده‌است، در قیام بوده‌های مردم، هواداران خود را که در قیامها شده‌های میهنی بسیار نا چیز بوده‌های آنان بیدار کننده‌اند. آنهم بدون برنا مع مشخص و سازماندهی. آنان تصور میکردند که ارتش به جا نهداری از آنها و بنی ممد و راه عمل خواهند شد و نتایجی بدچنین خودهای ندیدند. و بطور گویا که‌ای و عده‌ها و نتایجی چند ما سه سرنگونی رژیم را بمرمدم دادند. رژیم جمهوری اسلامی نیز از فرصت استفاده کرد و جداگانه سرپر را از شرایط بوجود آمده بدست آورد. رژیم ضد خلقی از آن پس عملارکوب نیروهای انقلابی را در دستور کار قرار داد و بعد از پیروتهای پی‌رهی به نیروهای انقلابی موازنه سیاسی بنفع رژیم برهم خورد و رژیم توانست دیکتاتوریلجام گسخته خود را تا با امروز دوام بخشد.

این نیرو که مدعی است "یکانه آلترنا تیف" موجود در ایران است امروزه با تحمل سنگین مشاجرات سیاسی راهم ندارد. تنها حرف آنان این است که ما به برنا مع بورژوازی شورای ملی و متعصبانه تسلیم نشوید و امکان ادامه فقر، فلاکت و حقارت توده‌ها را برای ما مهیا کنید یا درصدد انقلاب قرار دهید؟! این همان شیوه‌ها شده‌های است که ما اینان متعصبانه است از طرف شما می‌ترسیم و سرمایه‌داران سراسر دنیا در مقابل پرولتاریا و زحمتگزاران مطرح میشود و بطوریکه برای برقراری سیاست سرما به و شما حب انحصاری قدرت دولتی بطور بی‌سابقه‌ای اجازت داده‌ها را در دستور کار قرار داده‌است. اخیرا نیز رهبری مجاهدین جنارت کرده و در نشریه‌ها رزده‌ای ما هدیها گام با مصلح پلیسیک سیاسی با یکی از مقالات نشریه‌ریکای گدل آرگان شاخه کردستان سازمان به نشر با طبعی پرداخته‌اند. آنها مات و برجسبهای مضحکی که پس از زمان ما فقط در اوج اقتدارنا و بعدا در دوره افتدار خمینی آنرا اشباع کرده‌بود. عنوانهای بی‌بهای نظیر "خوابکار"، "جاسوس" و... که خود مجاهدین نیز در آن دوره از این اشاعات بی‌سهره‌نموده‌اند. رهبری مجاهدین نیز امروزه در اوج درماندگی و بی‌بشاش قرار دارد. این شرارتهای و برخورد های غیر سیاسی نیز از منشا طبقاتی آنان سرچشمه می‌گیرد. بگزاران برای خونی خدمتی به پیشگاه سلاطین سرما به هر چه می‌خواهند بگویند. اینان کوچکتر از آنند که بشنوند افغان نیروهای انقلابی، توده‌های مردم و حتی بگفتار نسبت به سازمان چریکهای فدائیک خلق ایران متولن نما بند. چه کما نیابین حقیقت را تا دیده می‌انگارند که در کنارتها و توهم پراکنشهای رهبری مجاهدین سیاست خود یک شدن به امپریالیسم وجود دارد؟ چه کما نیابین حقیقت را تا دیده می‌انگارند که در کنارتها و توهم پراکنشهای رهبری مجاهدین سیاست خود یک از حزب دمکرات آمریکا و شرقی سیاسی رهبری مجاهدین به حضور رهبران حزب مخالف کار انگلیس و جنرال شرقیایی به حضور گستر و زیر خا رجه‌فا نیست آنما رینه در منابع طبقاتی رهبری مجاهدین دارد؟ سازمان چریکهای فدائیک خلق ایران که بحق سهم‌سزاشی در افکاشی ماهیت بورژوازی و فرمایشی "شورای ملی" و متعصبانه و سازگاریهای رهبری مجاهدین داشته‌است. بیگمانه تا با امروزه تا بیج زیا نیابین سیاستهای آنان را بر ملا کرده‌است. براسنی آما این روایت، رهبری مجاهدین برچم‌فنا م را با تا به ادعای خود "تنها تیف"... علیه چه طبقه‌ای بسد خواهد کرد. علیه امپریالیسم! آیا نشانه‌های موجود در ایران است که آنان نفوذ امپریالیسم جهانی را در ایران قطع خواهند کرد یا نه؟ اینجاست که ما تا کیم داریم کارگران و زحمتگزاران یعنی نیروی حقیقی انقلاب باید بخش واقعی را در انقلاب ایفا نمایند. ما باید آنچنان برنا مع عمل انقلابی برای سرنگونی رژیم امپریالیسم و راه و مورد پذیرش واقع شود که زمینه مشارکت چریکها و کارگران و زحمتگزاران و ایفای نقش نیروی واقعی انقلاب مهیا گردد.

- ۴- هواداران راه انقلابی ترکیه در آمریکا
- ۵- اتحادیه فیلیپینی های دمکرات
- ۶- کمیته همبستگی با خلق بحرین
- ۷- کاسا السالوادور - فارابوندو- مارتی
- ۸- سازمان جنبش خلقی آرمانسدر آمریکا
- ۹- پیام سازمانهای هوادار در - فرانسه، انگلستان، آلمان، اتریش، ایتالیا و کانادا.

پس از آن، چهارمین کنگره سازمان آمریکا برای ارزیابی از فعالیتهای دوره گذشته و تدوین برنامه عمل مبارزاتی آینده، کار خود را شروع نمود و مسئولین سازمانی گوارشهای مشروع خود را به کنگره ارائه نمودند. کنگره ضمن قدردانی از مبارزات واحدهای مشکل در سازمان آمریکا، بر ضرورت گسترش آکسیونهای دفاعی از مبارزات - کارگران و زحمتگزاران ایران، خاصه در شرایطی که هواداران سازمان مجاهدین به تبعیت از رهبران خود، مبارزه انقلابی را به نفع زدو بندهای دیپلماتیک با محافل امپریالیستی رها کرده‌اند، تاکید نمود. سرانجام کنگره با تدوین برنامه عمل مبارزاتی و انتخاب مسئولین جدید، در میان شور و شوق انقلابی هواداران و با سرود انترناسیونال به پایان رسید.

در این کنگره، قطعنامه‌های گوناگونی به تصویب رسید از جمله قطعنامه‌ای در رابطه با لجن پراکنشهای سازمان مجاهدین در مورد سچفا.

### سومین کنگره هواداران

### سچفا در آلمان فدرال

سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی، هوادار (سچفا)، سومین کنگره سراسری خود

# قطعه نامه

## مصوبه چهارمین کنگره سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا آمریکاهو دار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در باره لجن پراگنی های مندرج در "مجاهد" شماره ۲۱۷

رژیم ددمنش جمهوری اسلامی و اما نده از پاسکونی به نیازهای اولیه جامعه، ابعاد سرکوب، اختناق، شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی را هر روز گسترش میدهد. عمق بحران اقتصادی - سیاسی ای که گریبانگیر رژیم است، پایان عمر آنرا نوید میدهد و همین امر وظایف نیروهای انقلابی، بویژه کمونیستها را بیش از پیش سنگین تر میکند.

در شرایطی که جنبش انقلابی پی در پی مؤردنیورش مسلحانه سیعانه رژیم قرار میگیرد، سازمان مجاهدین از موضع باعطلاج "تنها آلترناتیو انقلابی" مشق دولتمداری میکند و قبل از آنکه ره بجاش برده پایههای استبداد

را نسوده جلوه دهند، در حالیکه چنین نیست. در ایران ما روزه هرکدام از سازمانها و گروهها منافع صیقلی خود را آشکار می سازند و در حقیقت از زاویه منافع خود بیرون دستخوارات در ایران و مسائل اجتماعی می بینند. بنا بر این به تنها این مبارزه زیانناک نیست بلکه در خدمت اهداف انقلاب فرار دارد. شما نیز در این باره وظایف سنگینی عهده دار می باشید. در گنبد تگرو وظایف انقلابی خود یعنی فضای جنایات رژیم و برگزاری آکسیونهای شعری، انتشار نشریات گوناگون از جمله کارهایی نظیر لعلی، همبستگی با ایران، زنان و مبارزه و بویژه نشریه جهان، کمکهای تدارکاتی و مالی، بر غورده ایدئولوژیک با سایر چریکها تا با بطور سیستماتیک در دستور کار قرار دهید. شما نمی توانید در همین حال که بیشترین فعالیت عملی را بعهده دارید فعالترین نیروی درگیر در عرصه سرود ایدئولوژیک نباشید. بنا بر این ضرورت دارد با برنامهای مشخص و بدون وقفه در زمینه مسائل ایدئولوژیک تلاش خود را بیش از پیش ایضا نمائید. علما بخوبی آگاهید که هشتاد و پنج درصد از انقلاب خود را در دنیا به روی زبوروا - رفرمیستها پیدا کرده اند و بخوبی میدانند که رهبری ما همین سیزده سال است که ضمن در جنبش کمونیستی ایران را شکست داده نشان دادند. (؟) و چنین وانمود می کنند که هیچ سازمان قدرتمندی در بین ما زمانها نگذشتند وجود ندارد. بویژه هنگامیکه منبری که تا به حال با تحمل مبارزه سخت در داخل ایران را خدایا شده و اکنون در خارج زکسور برای توجیه بی عملی خود دستورالعملها می برانگیزی اقدام با سازمانها و ارگانها و گاه جیش کمونیستی می نمایند. البته این دنیا له رویها این جنبه مثبت را داشته است که ما هیت واقعی این چریکها تا و عناصر و نهنگات طبقاتی آنها را آشکار گردیده است.

اکنون دوران ایفای نقش گرایشات عموم خلقی می رسد آمده است. دورانی فرار رسیده است که نمایندگان اقشار مختلف جامعه در عرصه مبارزه طبقاتی حضور دارند و اهداف مشخصی را دنبال می کنند. بنا بر این، این دوران شکستناک جدید را در بر خورده است دیدگاه عموم خلقی و تفکر شده ایدر برابر با شما قرار میدهد. حزب خاش خود به همراه دو جناح خاش موسوم به اکثریت بطور مفتضحانه ای زحمت مبارزات میسازان محوشدند. اما بر خورده ریشه ای با تفکر آنان را بنیاد ز نظر دور داشت. همانگونه که آگاهید بیکر سجا با این گرایش در بر خورده است پرا تیک مبارزه در کوره آزمون طبقاتی خاک سپرده شد. اکنون شویست آنست که این جنازه را در آرزو ما بشکافد ایدئولوژیک کا لیدنگا می کنید. دستاوردهای علمی خود را در عرصه مبارزه ایدئولوژیک شیبین و منتشر کنید. تنها از این طریق میتوان دید بطرد کامل ایدئولوژیک این تفکر با پایا بنحید.

رفقهای هوادار!

برای پیشبرد وظایف انقلابی، انجام درونی و یکپارچگی سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی خود را تحکیم بخشیده و ظروف خود را مشکل تر نمائید. تمام حق نظری رزنده ای در جنبش دانشجویی خارج از کشور ایضا نموده اید. شما سهم عده ای در افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی در خارج از مرزهای ایران عهده دار بوده اید. مبارزات ارزشمند شما در خارج زکسور بخشی از مبارزات برای کارگران و زحمتگزاران ایران بویژه در پیوند با مبارزات رفقایمان در داخل ایران محسوب میگردد. بنا بر این ضرورت دارد برنامه مشخصی را برای پیشبرد وظایف انقلابی و هدف خود تدوین نمائید. برنامه ای که بتواند نقش هر چه بیشتر شما را در مبارزات خارج از کشور در زمینه مبارزه و افشای همه جا به جنایات رژیم جمهوری اسلامی، بر خورده با مواضع مختلف و افشای دستهای سیاسی - ایدئولوژیک خود تقویت نماید. کمکهای با ارزش شما در زمینه تدارکاتی، مالی و اداری سیر مورد قدرانی می باشد.

رفقا، سرگزارای چهارمین کنگره شما دانشجویان ایرانی در آمریکا را به شما تبریک میگوئیم و موفقیت شما را در راه پیشبرد اهداف انقلابی با زمان در خارج زکسور آرزو مندیم.

با ایمان نه بیروزی را همان  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
کمیته خارج زکسور  
۲۹ و ۱۹۸۲

را در تاریخ ۱۴ و ۱۵ ماه جولای با موفقیت و کسب دستاوردهای پر بسیاری برگزار نمود  
هواداران سازمان در آلمان فدرال و برلین غربی جهت تداوم مبارزات انقلابی خود و افشای هر چه بیشتر سازشکاران و برای دست یابی به انجام هر چه بیشتر ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی، سومین کنگره سراسری خود را با شرکت فعال رفقای عضو تشکیلات سازمان هوادار و با هدایت کلیه شهدای بخون خفته خلق و با قراحت پیام سازمان چریکهای فدائی خلق آغاز نموده اند.

سین بحث و تبادل نظر در رابطه با عملکرد سازمان هوادار در سال گذشته و ریشه یابی کمبودها آشکار گردید. رفقای شرکت کنند برگزاری آکسیونهای سراسری هواداران سازمان در خارج از کشور و نیز آکسیونهای سازمان هوادار در آلمان را در شرایطی که بسیاری از نیروها و عناصر سیاسی به ورطه انفعال و یاس کشیده شده اند، مثبت و نقطه عطفی در جنبش دانشجویی خارج از کشور ارزیابی نمودند و بر ضرورت انجام آکسیونهای مشابه، تاکید ورزیدند.

سین عملکرد "کمیته زنان" سازمان هوادار مورد بحث و بررسی قرار گرفت که با تصویب قطعنامه ای در این مورد به پایان رسید.  
عزیمت تعداد زیادی از هم وطنان مبارز به خارج از کشور و از جمله به آلمان غربی، سازمان ما را به منابه مشکل ترین نیروی چپ درون جنبش دانشجویی در مقابل پدیده ای بنام "پناهندگان سیاسی" قرار داده است. بهمین جهت تعدادی از رفقای پناهنده گزارش مشروحنی در رابطه با وضعیت پناهندگان سیاسی در آلمان فدرال به کنگره ارائه نمودند. پس از بحث و تبادل نظر در مورد آن، قطعنامه ای در این رابطه به وسیله رفقای شرکت کنند در کنگره به تصویب رسید.

و انحصار طلبی تفوکراتیک نوینی را مهیا میسازد. شیوه‌هاییکه حتی جلداتی چون خمینی قبل از رسیدن به قدرت جرئت‌توسل به آنرا نیافتند. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بدنبال این ارزیابی درست‌گه مجاهدین راه سازش با بورژوازی و تسلیم در برابر امپریالیسم را پیشه کرده‌اند و در پیمودن این راه میروند که گوی سبقت را از رقبای خود برهینند، اقدام به مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی علتی و سالم با این سازمان و افشای بند و بستهای آن با نمایندگان رسمی و غیر رسمی امپریالیستها نمود. آنها تا مدتی برای فریب‌هواداران خود با "بهاهه - های شرمی" و تحت نام "تاکتیک"، اتحاد با بورژوازی و سازش با امپریا - لیسم را "مصلحت" روز قلمداد کردند تا در پس آن قدم‌های بزرگ‌تری بسوی اهداف بورژوا - رفرمیستی خود بردارند. افشای این سیر قهقراشی از جانب ما، آنها را متوسل به شیوه‌های نابخردانه و ارتجاع پسند نمود، تا بجاشیکه بزرگترین سازمان کمونیستی سراسری ایران که هویت انقلابی و موجودیت مردمی آن طی یک مبارزه انقلابی بلاانقطاع ۱۴ ساله و با ایثار خون هزاران شهید در دوران دو رژیم ضد خلقی در درون جنبش ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران و نیروهای سیاسی بین‌المللی تثبیت شده است را "مشکوک"، "ناسالم" و مواضع آنرا "فدائقلابی" خوانده است.

این شیوه و این مواضع که از عمق درماندگی و ورشکستگی رهبران مجاهدین نشئت گرفته و تحت پوشش نام هواداران نشان در نشریه مجاهد شماره ۲۱۷ انتشار یافته است، از همان روشهایی است که رژیم خمینی در اوان سرکوبهای خونینش در تابستان ۵۸ با حمله به روزنامه آیندگان و صفوف نظامرات "جبهه دمکراتیک ملی" آغاز نمود و به نیروهای انقلابی رسید. مجاهدین نیز با همان تاکتیک مدتی است که حملات هیستریک و مرعوب‌کننده علیه مخالفین "شورای ملی مقاومت" و انهام وابستگی و همکاری با ضد - انقلاب و مشکوک نامیدن این و آن را شروع کرده‌اند و این بار شانس خوبی را برای از میدان بدر کردن بزرگترین مانع اهداف بورژوا - رفرمیستی‌شان، یعنی سازمان چریکهای فدایی خلق، نمی‌آزمایند. آنها دریافته‌اند که افشای زهوبندهای مجاهدین و افشای حیثیت‌کاذب و ناهیت‌راست رهبران کشونسی آنها توسط سچفا و هواداران نشان، مانع پناه‌گیری رهبران مجاهدین در پس نام‌شهادی مجاهد میگردد. پس چه ترفندی بهتر از این که برای جلوگیری از اثرات آگاهگری سازمان ما، یکسره آنرا "مشکوک" و "ناسالم" بنامند. البته آنها احتیاط را نیز از دست‌نداده و این موضع‌گیری احمقانه و کودکانه را ابتداء و فعلا از زبان هواداران خام‌اندیش خود اعلام‌داشته‌اند تا جای هرگونه مانوری باز بماند.

با توجه به نکات فوق، ما شرکت‌کنندگان در چهارمین کنگره سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا، هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن ابراز انزجار نسبت به این شیوه کثیف به ارث مانده از حزب خائسن توده، به همه تیروهای سیاسی هشدار میدهم که اگر با این روش خمینی - مآبانه رهبران مجاهدین، از همین آغاز مقابله جدی صورت‌نگیرد، آنان چون کارگردانان سرکوبهای خونین رژیم، پس از انجام این ماموریت، یک‌به یک سراغ سایر نیروهای مخالف "شورای ملی مقاومت" در لیست تهیجه شده خود، خواهند رفت.

چهارمین کنگره سازمان دانشجویان ایران در آمریکا  
هوادار سچفا

سوم سپتامبر ۱۹۸۴ برابر با ۱۲ شهریور ماه ۱۳۶۳

پیرامون "تشکیلات و درک صحیح از آن" اختصاص یافته بود. رفقای شرکت - کننده درکنگره با برشمردن یک سری از کمبودها و نارسائی‌ها، راه حل - های عملی جهت رفع این مشکلات ارائه نمودند و کمیسیونهای مختلف تشکیل گردید.

کنگره با انتخاب مسئولین جدید، تصویب قطعنامه‌های مختلف و با ارسال پیام به سازمان چریکهای فدایی خلق زندانیان سیاسی، خلق قهرمان کسرد و ... در میان شور انقلابی و صف‌ناپذیر رفقای شرکت‌کننده و با اجرای سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد. در حین برگزاری کنگره پیام‌های ارسالی به کنگره قراشت گردید.

لیست پیامهای رسیده به کنگره سوم سازمان هوادار:

- ۱- سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- ۲- هواداران سازمان چریکهای فدایی در کشورهای آمریکا، انگلستان، سوئد، یونان، ژاپن، بلژیک
- ۳- هواداران سازمان کارگران انقلابی (راه کارگر)
- ۴- جنبش انقلابی چپ‌شیلی (میر)
- ۵- هواداران جبهه خلق برای آزادی فلسطین (PFLP)
- ۶- هواداران جبهه خلق فلسطین (PLF)
- ۷- سازمان دانشجویان کرد در خارج از کشور (اکسا)
- ۸- انجمن دانشجویان اردنی مقیم آلمان
- ۹- پیام دفتر همبستگی فارابیوندو - مارتی در آلمان
- ۱۰- پیام گروه مستقل کیل
- ۱۱- پیام حزب سبزهای آلمان
- ۱۲- پیام حزب سوسیالیستهای دمکرات آلمان

## کانادا - ادمونتون

رفقای هوادار سازمان در شهر ادمونتون کانادا، در ماه گذشته نمایشگاه عکسی را به منظور افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی در یکی



کانادا - ادمونتون

از دانشگاههای این شهر برسر پا نمودند. این حرکت با استقبال دانشجویان روبرو گشت. رفقای هوادار همچنین اقدام به پخش اعلامیه‌هایی در رابطه با جنبش ارتجاعی ایران و عراق و کشتار مردم کردستان نمودند. به همراه نمایندگان عکس، میز نشریات رتقا، که نشریات انگلیسی و فارسی را شامل میشد، حاضر بود. رفقای هوادار ضمن تبلیغ مواضع انقلابی سچفا و پخش تاریخچه شکل گیری و مبارزه این سازمان، به سئوالات حاضرین در مورد مسائل ایران و چگونگی شکل گیری آلجرنا صبحکومیتی آئنده، پاسخ گفتند.

به مناسبت سنه‌ها آلبانیو انقلابی به معرفی هرچه سسر با رستمان پرداخته شد. در آخرین شب این مراسم، پیامی از جانب سازمان دانشجویی ایتالیا خطاب به زندگنان و کارکنان ایران ایتالیا در ارتباط با همسنگی بیشتر با زندگنان و کارکنان ایران فراغت کردند. فاضل توجه است که شهر پروجا یکی از پایگاههای فالانزها و مردوران رژیم جمهوری اسلامی در ایتالیا میباشد.



ایتالیا - پروجا

### ایتالیا - پروجا

در طی مدت برگزاری جشن UNITA مراسمی که هرساله از طرف حزب کمونیست ایتالیا در شهرهای ایتالیا برگزار میشود) که از تاریخ ۱۹ تا ۲۲/۷/۸۲ در اطراف شهر پروجا برگزار گردید، واحد پروجا با مخالفت فراوان در آن شرکت نمود. و با پخش منبرازان اعلامیه، رژیم مداخلتی جمهوری ایتالی

را افشاء و به تبلیغ موافق و برنامه عمل سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پرداخت. در این اعلامیه‌ها که دارای تیترهای "همراه با خلق های ایران" و "همسنگی با خلقهای ایران بر علیه جمهوری اسلامی ایران" بود، سیاستهای مداخلتی و ارتجاعی رژیم در قبال خلقهای تحت ستم ایران افشاء شد و با پخش برنامه عمل سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (به زبان ایتالیایی)

راديو

صدای فدایی

---

پروجا کویته

(۱۱) ۲۲ مهر ۱۳۵۷

۶ - ۷۷۲ عدد - ۱۳۵۷

---

توفت ایران

راديو "صدای فدایی" را به آشنایان خود در ایران معرفی کنید.

### فیلیپین

در روز ۲۱ اوت بیش از یک میلیون نفر از مردم فیلیپین در سالگرد مرگ آکینو (رهبر لیبرال - ایمن کشور که در سال گذشته به قتل رسید) دست به تظاهرات زدند. در این روز، مردم در صفوف بسیار منظم و عمدتاً با شعارهای چسب، راهپیمایی نمودند. در این تظاهرات رنگ قرمز که عمدتاً جریانات چپ با باند رولهای فرمز آنرا حمل میکردند، کاملاً به چشم میخورد.

### فیلیپین

بنا بر گزارش روزنامه لوموند کارشناسان آمریکایی اخیراً اعلام کرده‌اند که حزب کمونیست فیلیپین کنترل ۱۷٪ روستاهای فیلیپین را در دست دارد. ارتش نوین خلصی (شاخه نظامی حزب کمونیست)، روز به روز در بین مردم گسترش می‌یابد. فرمانده شیروهای آمریکا در اقیانوس آرام، دریادار ویلیام کرو، اعلام کرده است که اگر وضعیت موجود در فیلیپین ادامه یابد، تا چند سال دیگر، هدف کمونیست‌ها منتهی به کسب قدرت سیاسی، به واقعیت بدل خواهد شد.

### ترکیه

در روز ۱۷ اوت گروه‌های کرد ترکیه به یک پادگان نظامی و یک پایگاه پلیس در ایالت "سیرت" واقع در جنوب شرقی ترکیه حمله کردند. مقامات ترکیه بخش هرگونه گزارشی از این حمله را از جانب مطبوعات ترکیه ممنوع نمودند. طبق اخبار موثق یک گروه از کردها به پادگان سیرت در شمال سیرت حمله کردند. یک گروه دیگر از کردها در ادو واقع در جنوب شرقی سیرت به یک پایگاه پلیس حمله کرده و کلیه زندانیان زندان را آزاد کردند. این دو گروه به حزب کارگران کردستان (PKK) تعلق داشتند.

### افغانستان

بالاخره پس از مدت‌ها سکوت، امپریالیزم آمریکا پرده از مخارج سرسام‌آور خود برای براندازی رژیم ببرک کارمل در افغانستان برداشت. بنا به گزارش روزنامه وال استریست ژورنال (۲۷ جولای)، مجلس نمایندگان آمریکا مبلغ ۵۰ میلیون دلار دیگر برای این عملیات به تصویب رساند علاوه بر این مبلغ که در زمینه‌های



تظاهرات یک میلیون نفری مردم فیلیپین در روز ۱۲ اوت، سالگرد سرور آکینو

وانگ - خا (در مرز برمه - تایلند) را که نیروهای دولتی آنرا به پایگاه تویخانه برای حمله به وانگ - خا تبدیل کرده بودند، تسخیر کردند. در ۲۵ سال گذشته این بزرگترین حمله نیروهای دولتی به "کارن‌ها" بوده است. کارن‌ها قومی ترین اقلیت قومی برمه (۷٪ کل اهالی برمه) و فعالترین آنها میباشند. کارن‌ها از سال ۱۹۴۹ مبارزه مسلحانه بر علیه دولت مرکزی برمه را شروع کردند.

### هند

بنا بر گزارش روزنامه لوموند، دولت خانم گاندی در ایالات مختلف با جنبش‌های اعتراضی که بدلیل متفاوت صورت می‌گیرد، مواجه شده است. در پنجاب، سرکوب‌سیک‌ها در ماه ژوئن صدها کشته بجای گذاشت. در "تامیل - نارو" - شامل ها به بی تفاوتی دولت هند نسبت به بحران سری لانکا اعتراض میکنند. در "آسام"، "ماها را اعتبار" و "اودیسا" هفته‌ای نیست که درگیری

ابزار و آلات جنگی، بخصوص نیروی هوایی صرف میشود، مبلغی بالغ بر ۸۵ میلیون دلار برای ضد انقلابیون و مجاهدین افغانی در نظر گرفته شده است. همچنین مجلس نمایندگان آمریکا مبلغ ۲۵ میلیون دلار دیگر را برای سازمان سیا به منظور عملیات خرابکاری در افغانستان به تصویب رساند. بنا بر گزارش مجله تایم، سازمان سیا از سال ۱۹۸۰ هر ساله مبلغ ۷۵ میلیون دلار برای نیروهای ضد انقلابی افغانی و جایگزینی رژیم دست نشانده و تحت حمایت امپریالیزم آمریکا، خرج می‌نماید.

### برمه

بنا بر گزارش خبرگزاری فرانسه، از روز ۸ اوت به بعد درگیری‌های پراکنده، میان خودمختاری طلبان "کارن" و نیروهای دولتی برمه در نزدیکی روستای وانگ - خا واقع در جنوب برمه صورت گرفته است. شدیدترین درگیری در روز ۹ اوت رخ داد. در این روز چریکها یک تپه نزدیک



گوشه‌ای از اتحاد عمل جنبش مقاومت شیلی

## آمریکای لاتین

### شیلی

بنا به گزارش روزنامه لوموند در روز ۲۸ اوت عملیات نظامی که با خود نیز درگیری‌هایی را بدنبال داشت، در شهرهای سانتیاگو و الوپارسو رخ داد. در این درگیری‌ها، دهها نفر دستگیر شدند. در سانتیاگو پلیس شیلی، صدها تظاهرکننده را که در یک راهپیمایی علیه گرسنگی شرکت کرده بودند به ضرباتوم و فشار آب قوی متفرق نمود. در یکی از حومه‌های اطراف شهر سانتیاگو مردم به سنگر بندی و آتش زدن - لاسلیک اقدام نمودند. در این حومه نیز درگیری‌های میان مردم و پلیس رخ داد. در سایر محله‌ها، تظاهرات موضعی از جانب مردم صورت گرفت و تظاهرکنندگان با پرشاب زنجیر روی سیم‌های برق، آتش سوزی ایجاد می‌کردند. در والپارسو، در حالیکه پلیس قصد داشت عبور و مرور را متوقف کند و دانشگاه معماری شهر را تصرف نماید با مقاومت شدید دانشجویان مواجه شد. پلیس ده‌ها نفر را دستگیر کرد. در روز ۲۷ اوت حدود ۲۰ انفجار در مدارس، اتوبوسها، تاسیسات برق و شعب بانکها در شهرهای سانتیاگو و الوپارسو صورت گرفت که مسئولیت این انفجارات را سازمان جنبش چپ انقلابی شیلی (میر) بعهده گرفت.

### شیلی

بنا به گزارش روزنامه لوموند، در روز ۱۶ اوت تظاهراتی در یک محله کارگری شهر سانتیاگو برگزار شد. تظاهرکنندگان اطراف محفل را سنگر بندی کرده بودند. در این تظاهرات، بر اثر هجوم پلیس یک نفر کشته، حدود ۲۰۰ تن مجروح و حدود ۵۰ نفر دستگیر شدند.

۱۰۰۰۰ نفر نماینده زن از مجلس نمایندگان اقلیت‌های مذهبی پاکستان بوده است.

بررسی موقعیت سیاسی پاکستان ظرف چند ماه گذشته و بخصوص اعتراض و مبارزات زنان پاکستان بخوبی نشان دهنده نرس و وحشت رژیم ضیاء الحق از رشد و آگاهی زنان میباشد. در سالهای اخیر مبارزات زنان در سازمانی بنام Women's Action Forum که اکثریت از زنان طبقات متوسط تحصیل کرده میباشد، دامن زده شد. سال گذشته WAF با حمایت ۲۰۰ زن وکیل در شهر لاهور اعتراض شدید خود را به قوانین مربوط به شهادت زنان نشان داد. رژیم ضیاء الحق نیز مبارزات زنان را تحت عنوان مبارزه با بی حیایی سرکوب می‌نماید.



تظاهرات زنان علیه قوانین اسلامی هندستان

های مرکب از صورت نگیرد. در ایمن میان گاندی تنها مقمر را "خارجی" ها میدانند که "تروریستها" را تشویق میکنند. خود گاندی در روز ۱۵ اوت با فراخوان برای وحدت ملی به و خامت اوضاع تلویحا اعتراض کرد. گاندی در هیئت حاکمه، مخالفین خود را یک به یک از مقامات خود عزل میکند. بدنبال درگیری‌های مختلف در روز ۱۶ اوت، پسران عزول رفیق منطقه‌ای آندرا - پراوش (در شمال هند) تظاهراتهای خشونت آمیزی در چندین ناحیه این ایالت صورت می‌گیرد. بعد از حمله پلیس به تظاهرکنندگان، ۲ تن به قتل میرسند.

## سری لانکا

بنا بر گزارش روزنامه لوموند، دولت سری لانکا در درگیری میان نیروهای دولت و "جدائی طلبان" تامل که از روز ۲ اوت شروع شده است، تاکنون حدود ۱۰۰ نفر کشته بجای گذاشته است. با اینحال منابع رسمی ارقام بسیار بالاتری را ارائه میدهند ولی تأیید این ارقام تاکنون امکان پذیر نبوده است. در روز ۱۲ اوت دو پایگاه پلیس مورد حمله قرار گرفت. خبرنگارانی که از "جفنا" می‌آیند گزارش میدهند که اهالی شهر در خانه‌هایشان محبوس شده‌اند و تقریباً تمام مغازه‌ها تعطیلند. در روز ۱۱ اوت، نیروهای دولتی، در شهر منار، دهها مغازه را آتش زدند. در مد رس، مرکز ایالت هندی تامیل نادو که اکثریت اهالی آن تامل هستند، مدارس و دانشگاهها در روز ۱۲ اوت تعطیل شده بودند. در تظاهرات اعتراضی که در این روز برگزار شد، حدود ۱۰۰۰ دانشجوی تظاهرکننده با سنگ به کنسولگری آمریکا حمله کردند. مضمون شعار - های آنها این بود که آمریکا بر علیه تامل‌های سری لانکا، از دولت سری لانکا حمایت نکند.

## پاکستان

اخیرا قانون جدید اسلامی در مورد زنان در مجلس پاکستان به تصویب رسید. مطابق این قانون، ارزش دو زن برابر با ارزش یک مرد میباشد. این قانون که قرار است به زودی به تصویب ضیاء الحق، دیکتا - تور پاکستان برسد، کاملاً شبیه قوانین قرون وسطائی رژیم جمهوری اسلامی در مورد حقوق زنان است. این قانون شهادت هر دو زن را برابر با شهادت و گواهی یک مرد تلقی میکند. قانون جدید در مورد حقوق اقلیت - های مذهبی نیز همانند حقوق زنان عمل میکند. به تصویب رسیدن این قانون در مجلس پاکستان، عکس - العمل‌های شدیدی را نیز بدنبال داشته است. جمعی از اعتراض‌زنان و اشعاعی

بدنیال سفر غیررسمی هنری - کیسینجر به دعوت رافیل آلفونسین، رئیس جمهوری جدید "رادیکال" - آرژانتین (که زست‌های خدامیربا - لستی نیز بخود میگیرد)، هزاران تن از مردم این کشور در بیرون کاخ ریاست جمهوری به تظاهرات کشوردهای دست زدند. در حالیکه جمعیت شعار "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" و "پانکی هارتگر" را - میدادند، مانع از سخنرانی هنری کیسینجر شدند و او را مجبور ساختند که سخنرانی خود را منحل کند. در این بین پلیس نیز دخالت نموده و او را که از شدت ترس خود را کاملاً باخته بود، از در عقب کاخ بدون انوموبیلش هدایت نمود.

کلمبیا

در پی قتل یکی از رهبران سازمان چریکی M-19 بنام کارلوس تولدوبلانکا، در روز شنبه ۱۱ اوت چریکهای M-19 به شهر بومبو واقع در ۳۰۰ کیلومتری جنوب غربی لوبوتا حمله کرده و شهر را اشغال کردند. چریکها سپس شهرداری و پایگاه پلیس شهر را به آتش کشیده و زندانیان شهر را آزاد نمودند. طبق اظهارات حاضرین در محل، در روز عملیات پابسون، فرمانده شماره یک سازمان M-19 خود در حمله شرکت نمود و در کلبهای شهر سخنرانی کرد.

کوستاریکا

با رشد جنبش توده‌ای در کوستاریکا، رژیم این کشور سیاست های سرکوبگرانه خود را افزایش داده است. ماه گذشته رئیس جمهور این کشور کلیه اعضای کابینه را منحل کرده و بجای آنها، عناصر دست راستی را جایگزین نمود. این عمل بدنیال اعتراضات گسترده کارگران مزارع موز صورت گرفت. در این اعتراضات، یک نفر کشته و ۲ نفر زخمی شدند. پلیس یگی از رهبران چپی را که در سازماندهی این اعتراضات نقش فعالی را ایفا کرده بود، دستگیر نمود. چند روز بعد از این حادثه، پلیس بطور وحشیانه‌ای به محل ساختمان‌هایی که تحت اشغال کارگران بود، حمله برده و تعداد زیادی را دستگیر کرد. در بین دستگیرشدگان، دهها تن از عناصر و رهبران سازماندهی این جریان نیز بودند و تعدادی نیز بر اثر خفلات وحشیانه پلیس هنوز در بیمارستان بسر می‌برند. این حرکت توده‌ای از جانب سازمانی بنام "کمیته میهن پرستان ملی" سازمان - دهی شده بود.



گوشه‌ای از تظاهرات ۵۰ هزار نفری لندن در حمایت از اعتصاب معدنیچیان

اروپا

انگلستان

بعد از فراخوان اعتصابات سندیکای باراندازان انگلستان که در روز ۲۴ اوت اعلام شد، تحویل کالاها در ۱۶ بندر انگلستان متوقف شد. در روز ۲۸ اوت نیز باراندازان سایر بنادر به اعتصاب سراسری پیوستند. باراندازان چندین بار تاکید کرده‌اند که اعتصاب آنان شامل عبور و مرور مسافری نیست و هیچ مشکلی برای مسافری ایجاد نخواهد شد. با این حال ممکن است کامیونداران که کامیونهایشان در بنادر متوقف شده‌اند، به نشانه اعتراض راه را بر مسافری ببندند. اعتصاب باراندازان در حمایت از اعتصاب ۳۰ هفته‌ای معدنیچیان میباشد. ابتدا کارگران بارانداز "آگوس" برای حمایت از معدنیچیان اعتصابی، از خالی کردن ۹۳۰۰۰ تن زغال سنگ که قرار بود به کارخانجات ذوب آهن "راونسکریگ" برده شود، امتناع کردند. از طرف دیگر یک ستری کارگر که بارانداز نبودند، برای خالی کردن بار آورده شدند. در پی این واقعه بود که باراندازان انگلستان به فراخوان سندیکای خود، دست به اعتصاب سراسری زدند. اعتصاب باراندازان بعدی بود که تا روز ۳۰ اوت نیمی از بنادر انگلستان را فلج کرده بود.

یوگسلاوی

اخیرا یوگسلاوی در قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری های خارجی تجدید نظرهای مهمی کرده است. قوانین جدید که توسط گروهی از تکنسینها و اقتصاددانان، پس از مشاوره با دست‌اندر کاران آمریکا، آلمان غربی، فرانسه و ... تهیه شده‌اند، قوانین سابق را یکی نفی میکنند. طبق قوانین سابق، حداکثر سرمایه خارجی در یک موسسه یوگسلاوی نمی‌بایست بیش از ۴۹٪ می‌شد، ولی قانون جدید اعلام میکند که سرمایه خارجی می‌شوند بیشتر از ۵۰٪ هم باشد. سرمایه‌داران خارجی خواهند توانست در کلیه رشته‌های مختلف و حتی در رشته توریسم سرمایه‌گذاری کنند. سرمایه‌دار خارجی فقط به شروط مطروحه در قرارداد مقبوس خواهد بود و هیچگونه قید و شرطی از جانب دولت به او تحمیل نخواهد شد. حتی اگر به هر دلیل، قرار فسخ شود، سرمایه‌دار خارجی خواهد توانست سرمایه خود را از کشور خارج نماید.

یونان

بنا بر گزارش روزنامه لوموند، در روز ۱۲ اوت پاپاندرو، نخست وزیر و وزیر دفاع یونان، مانسور مشترک نظامی با آمریکا را که قرار بود در تاریخ اول تا شانزدهم سپتامبر برگزار شود، لغو کرد. سخنگوی رسمی یونان در توضیح این



## ایلماز گونی ، هنرمند انقلابی سینما در گذشت

☆☆☆



## YILMAZ GÜNEY

چنانکه در خبرنامه شماره ۸۸ سال زمان دانشجویان ایرانی در انگلستان، اسکاتلند و ولز آمده است ایلماز گونی کارگردان و هنرمند مبارز و مترقی سینمای ترکیه در روزیکشنبه ۹ سپتامبر در اثر بیماری سرطان درباریس درگذشت گونی که فیلمهای درخشانی همچون «بول (راه) و دیوار» را کارگردانی کرده است یکی از مبارزان سرسخت علیه رژیم فاشیستی ترکیه بود و پیش از بدو از ده سال از عمر خود را در زندانهای ترکیه گذراند. وی در سال ۱۹۳۷ در خانواده‌ای زحمتکش در کردستان ترکیه متولد شد. گونی فعالیت‌های هنری و فرهنگی خود را با نوشتن داستانهای کوتاه و رمان آغاز کرد و سپس به فیلم‌سازی روی آورد. مهمترین فیلم وی در خارج از ترکیه «بول» است که به وی شهرتی بین المللی بخشید. «دیوار» آخرین فیلم اوست که در فرانسه ساخته شده و در باره وضعیت زندانیان در سبازهای رژیم فاشیستی ترکیه است (این فیلم هم اکنون در لندن نمایش داده میشود). گونی بعد از کودتای نظامی سال ۱۹۸۰ از زندان فرار کرد و به اروپا آمد. وی از زندگی در تبعید بسیار رنج میبرد و خواستار بازگشت به ترکیه بود.

گونی از جمله هنرمندان متعهدی بود که از اقامت اجباری خود در خارج از ترکیه بخوبی استفاده کرد. وی قصد داشت با ساختن فیلمهای بیشتری چهره کوبه دیکتاتوری فاشیستی ترکیه و فرهنگ و سن ارتجاعی و پوسیده حاکم برجای بماند. در سراسر جهان - اقیانوس - نمایندگانی را در مدارس و مردم ترکیه بویژه خلق کرد و سردنیای - هنر و سپنمای متعهد و مردمی را از وجودی از هنرمندان مبارز متعهد و خلاق محروم کرد. اما اثرات اجتماعی آثار او همواره زنده و سارنده باقی خواهد ماند. برای آشنایی بیشتر با گونی خوانندگان را به مطالعه نقد فیلم «بول» مندرج در «جهان» شماره ۸ رجوع می‌دهیم. ★

روزمره حکومت او بونه میباشند. روزنامه Observer در یکی از گزارشات خود در مورد اوگاندا نوشته است که اجناد کسانسی که ارتش قتل عام کرده، در نهبناط مختلف شهر بچشم میخورد. اغلب قربانیان این قتل عامها را - دهقانان تشکیل میدهند. وزارت کشور آمریکا نیز طی گزارشی در مورد اوگاندا، تعداد کشته‌شدگان را از ۱۹۸۰ تا بحال، بین ۲۰۰ تا ۶۰۰ هزار تن ذکر نموده است. حکومت او بونه مورد حمایت ناپلره، رئیس جمهور نائز انیا قرار دارد.

## آفریقای جنوبی

در پی افزایش اجاره منازل سیاه پوستان آفریقای جنوبی که شورشهای بسیاری را در عرض چند هفته اخیر بدنیال داشته است پلیس این کشور در روز ۹ سپتامبر بر روی تظاهرات سیاه پوستان شهر Sebokeng آتش گشوده و در نتیجه چندین تن زخمی گشتند. طی درگیری فون که چندین خودروی پلیس آسیب دید، تظاهرات کنندگان چاده‌ها را سدود و با پرتاب سنگ ب طرف پلیس، خشم خود را نسبت به وضعیت حاکم بر این کشور اعلام داشتند. قابل توجه است که در عرض یک هفته گذشته (۳ تن در اثر حملات پلیس به سیاهان مجروح، جای خود را از دست داده‌اند).

## اتیوپی

بنابر گزارش نیویورک تایمز، دولت اتیوپی در روز ۶ سپتامبر به صورت رسمی و طی مراسمی که همزمان با دهمین سالگرد سرنگونی رژیم Haile Selassie بود، تاسیس حزب کمونیست اتیوپی را که تنها حزب قانونی کشور میباشد، اعلام نمود. کشتل "هایله مریم" که کنگره ملی را افتتاح نمود، اظهار داشت دولت قصد دارد با ایجاد حزب کارگری، ساختمان کمونیسم را در این کشور ۲۰ میلیون نفری که از فقیرترین کشورهای آفریقا میباشد، پی ریزی نماید. "هایله مریم" خود مسئول هدایت کمیته سازماندهی این حزب که در سال ۱۹۷۹ تشکیل شده بود، میباشد. وی در حضور ۱۷۲۲ نماینده اعلام داشت: "اتحاد جماهیر شوروی محافظ انقلابات سوسیالیستی بوده" و آمریکا را متهم نمود که با یگانه‌های نظامی در سومالی و نقاط دیگر آفریقا ایجاد نموده است. در مراسم فوق الذکر، رومانف، عضو بولیت - بوری حزب کمونیست اتحاد شوروی، رابرت موگابه نخست وزیر زیمبابوه، علی ناصر محمد، نخست وزیر یمن جنوبی، سامورا راسل، نخست وزیر موزامبیک، خوزه ادواردو دوس - سانتوس، رئیس جمهور آنگولا و کنت گواندا، رئیس جمهور زامبیا نیز شرکت داشتند. ■

مطلب گفت که نیروهای پیمان ناتو، تحریکات تجا و زکرا نه ترکیه علیه یونان را به رسمیت شناخته‌اند. از طرف دیگر، زاکو کیلوس، معاون وزیر دفاع یونان اعلام کرد که ارتش یونان مقادیر مهمی تسلیحات نظامی از شوروی خواهد خرید.

## آفریقا

### آفریقای جنوبی

بنابر گزارش روزنامه لوموند، در روز ۱۲ اوت در محله‌های سیاه نشین پرتوریا، درگیری هائی میان دانش آموزان اعتصابی و پلیس در گرفت که طی آن ۱۳ دانش آموز دستگیر شدند. دانش آموزان - خواهان ایجاد شورای دانش آموزان و منع تشبیهات بدنی میباشند. دانش آموزان ۴ مدرسه مخصوص سیاهان در حومه ژوهانسبورگ نیز با همین خواسته‌ها، دست به اعتصاب زدند. در روز ۱۷ اوت نیز مجددا درگیری بین دانش آموزان و پلیس در گرفت که ۲ دانش آموز به قتل رسیدند. روز ۲۳ اوت دانشجویان ۸ دانشگاه نیز برای نشان دادن همبستگی خود به دانش آموزان، به جنبش آنها پیوستند.

### مراکش

بنابر گزارش روزنامه لوموند، در تاریخ ۲۰ اوت خانواده‌های زندانیان سیاسی طی اطلاعیه‌ای اعلام داشتند که ۲ دانش آموزی که در حال اعتصاب غذا بودند، جان خود را از دست دادند. سی و سه نفر دیگر نیز در این اعتصاب غذا شرکت داشتند. این عده از فعالین سازمان مارکسیست - لنینیستی حلال امام (به پیش) هستند که به مدت ۴ ماه تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار داشته‌اند. اعضا آنان از ۴ - ژوئیه ۱۹۸۲ و با خواسته‌های حقوق ملاقات با خانواده‌هایشان، استفاده از امکانات پزشکی، ادامه تحصیلات و استفاده از کتب و روزنامه‌ها، شروع شد. مقامات زندان علیه مردم و قامت وضع اعتصابیون، هیچگونه کمک پزشکی به آنان نکردند. یکی از آنان در دم مرگ همراه با ۱۶ نفر دیگر به یک بیمارستان منتقل شد ولی در همین رمان درگذشت. سایر زندانیان سیاسی در سایر نقاط کشور برای همبستگی با زندانیان اعتصابی، دست به اعتصاب غذا زدند که منجر به مرگ یکی از آنان در روز ۱۸ جولای شد.

### اوگاندا

بنابر گزارش خبرگزاری های جهان، جو رعب و وحشت روز به روز در اوگاندا افزایش می‌یابد. کشتار مردم بیگناه به اتهام همکاری با چریکهای مخالف دولت، از کارهای

## جمهوری اسلامی

### باترکیه

عقد پیمانها و قراردادهای متعدد رژیم بخصوص با کشورهای نظیر انگلستان، آلمان، ژاپن، کره جنوبی و... ادامه روابط پنهانی و نیمه پنهانی با آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی (۱) و وابستگان آنها نظیر پاکستان و بخصوص ترکیه هدفی جز پیوند هرچه گسترده تر با امپریالیسم جهانی و حفظ بقا رژیم درمانده و کسب سود بیشتر برای سرمایه داری جهانی ندارد.

در راستای همین اهداف ضد خلقی است که رژیم ایران متوسل به اما مزاده های آمریکائی از قبیل ضیاء الحق در پاکستان و رژیم دیکتاتوری - نظامی حاکم بر ترکیه که تا مغز استخوان وابسته به آمریکا هستند و سر - سپردگان بنام امپریالیسم آمریکا محسوب میشوند، میگردد در همین رابطه است که در سال گذشته (۱۳۶۲) پنا بسه گفته مقامات رژیم ترکیه، حجم مبادلات دو کشور (ایران و ترکیه) به بیش از ۲/۳ میلیارد دلار رسیده است و ایران یکی از بزرگترین بازارهای کالاهای ترکیه در جهان محسوب میشود است. (۲) نخست وزیر ترکیه بعد از امضای پیمانهای با رژیم ایران پس از مراجعت به ترکیه - میگردد: "قرارداد تجارتي دو کشور به میزان ۲/۸ میلیارد دلار بسته شد و امبدواریم تا پایان سال آنرا به سه - میلیارد دلار برسانیم." (۳)

در سفر اخیر هیئت های بازرگانی و سیاسی دولت ترکیه که طی آن تعداد زیادی سرمایه دار و مقامات سیاسی و دولتی به همراه نخست وزیر ترکیه (تورکوت اوزل) از - ایران دیدن کردند و در عقد قراردادهای ضد مردمی متعددی به توافق رسیدند، یکی از پیمانهای استراتژیک و مورد نظر امپریالیسم آمریکا، احیای پیمان منطقه ای (پیمان نظامی - اقتصادی) زمان شاه بین ایران و پاکستان و ترکیه بود.

گنجی دوست، سفیر رژیم ایران در ترکیه، در - مصاحبه ای با روزنامه دیلی نیوز ترکیه، در پاسخ به این سؤال که "آیا روابط دو کشور را مطلوب می بینید؟" جواب میدهد: "در حال حاضر بسیار خوب است، اما برای رسیدن به حد دلخواه، هنوز خیلی فاصله است - اگر به عمق پیوندهای سنتی، مذهبی و تاریخی دو کشور بنگریم، برای رسیدن به حد ایده آل بسیار دوریم." وی سپس در مورد "حد دلخواه" و "عمق پیوندها"، منظورش را ب روشنی



بیان میکنند و در مورد احیاء قراردادهای زمان شاه چنین میگوید: "قصد احیاء RCD (همکاری اقتصادی و عمرانی منطقه ای ایران - ترکیه - پاکستان در زمان شاه)، آن است که فرصتی به آن داده شود تا دوباره خود را سازماندهی کند و خود را به سطح پیشرفته ای که در این دوره حاصل شده است، برساند و نیز همکاری بسیار موثر و برنامه های پیشرفته تری بین کشورهای مورد نظر داشته باشد. بنابراین اگر RCD قابلیت خود را در ارائه این چنین برنامه ای ثابت کند، بدون شک ایران و ترکیه و پاکستان، از نتیجه آن، بخصوص در زمینه اقتصادی، سود خواهند برد." (۴)

از گفته های سفیر خمینی به روشنی پیداست که منظور از "رسیدن به حد ایده آل" و "عمق پیوندهای" بین دو کشور، نه فقط احیاء پیمانهای ضد خلقی RCD که روی دیگر پیمان نظامی سنتی در منطقه بوده است، بلکه تعمیق و تکمیل آن در سطحی بالاتر و محکم تر از آن میباشد بطوریکه رژیمهای خمینی، ضیاء الحق و دیکتاتوری نظامی ترکیه از آن سود ببرند. محمد ظاهری، کنسول رژیم ایران در استانبول در این زمینه بسیار آشکارتر نظر میدهد. وی درباره پیمانها و قراردادهای ضد خلقی که از سوی امپریالیسم آمریکا و هم پیمانانش برای سرکوبی مبارزات خلقهای منطقه، بویژه خلق دلیر کرد طرح ریزی شده، چنین میگوید: "پیمانهای ترکیه و ایران را میتوان به دو بخش تقسیم نمود، قبل و بعد از انقلاب اسلامی. زمان شاه همکاری های RCD و پیمان سازمان مرکزی (سنتو)، حجم بازرگانی بین دو کشور کمتر از بیست میلیون دلار بود

و حالا به ۲/۳ میلیارد دلار رسیده. اختلاف را میبینی؟ ما استراتژی تجاری ایران و ترکیه را کوتاه مسدود نمی‌بینیم، بلکه همیشه ما بعنوان اهداف دراز مدت به آن نگاه کرده‌ایم. اما ترک‌ها به آن کوتاه مدت مینگرند... و این مربوط است به آنها که آنرا پایدار و با شباهت نگاه دارند." (۵)

بدینگونه کنسول رژیم از اینکه در مقایسه با زمان شاه خائن، دهها برابر بیشتر دسترنج زحمتکشان از این طریق به جیب سرمایه‌داران ریخته میشود، اظهار خوشنودی و افتخار میکند. مهمت تبیل، یکی از کارشناسان بانک بهبود صنعتی ترکیه در رابطه با روابط موجود میگوید: "اگر کسی سه سال قبل ادعا میکرد که ترکیه قادر است یک میلیارد دلار کالا به ایران صادر کند، هیچکس باور نمی‌کرد... اگر بخواهیم حجم مبادلات بیسن دو کشور را در سه سال آینده به سطح ۱۰ میلیارد دلار برسانیم، بایستی بدانیم که چه میتوانیم صادر کنیم و چه وارد نمائیم." (۶) مسلم است که صادرات ایران جز نفت خام که سرمایه ملی و حاصل دسترنج کارگران است و رژیم برای دستیابی به مقاصد شوم جنگ طلبانه خویش، آنرا در بازار جهانی به بهای نازل و حتی بطور مجانی (۷) به حراج گذاشته و با دست و دل بازی و بی دریغی به کشورهای ارضاعی و امپریالیستی سرازیر نموده است، چه میتواند باشد؟

آژانس خبری آنکارا از قول مقامات رسمی ترکیه چنین اظهار مبدارد: "واردات ترکیه از ایران محدود به نفت است که در دو ماهه امسال، واردات ثبت شده ۲۶۹/۶ میلیون دلار بوده که در مقایسه با همین زمان در سال گذشته ده درصد کاهش داشت و در مقایسه با عراق ۲۲٪ افزایش داشته است. در صورتیکه هر تن نفت

از عراق ۲۲۴ دلار و از ایران ۲۰۶ دلار قیمت گذاری شده است. سیاست خارجی ما اقتضا میکند که تا زمانیکه جنگ ادامه دارد، از طرفین نفت خریداری کنیم." (۸) - نخست وزیر ترکیه در باره مقدار صدور نفت از ایران به ترکیه میگوید: "ایران در نظر دارد که در سال جاری ۶ میلیون تن نفت خام به ترکیه صادر کند." بخشی از قراردادهای اخیر که به وسیله سرمایه‌داران ترک و دلالان سرمایه‌داری جهانی بین ایران و ترکیه به امضا رسیده است، به گفته نخست وزیر ترکیه از این قرار است: "یک قرارداد ۸۰۰ میلیون دلاری بوده که ۴۲۰ میلیون دلار آن شامل آهن و فولاد و شکر میباشد (یک میلیون تن آهن، فولاد و ۲۶ میلیون تن شکر) و ۲۰۰ میلیون دلار - هزینه ترانزیت از ایران... صادرات ما به ایسزرا به بیش از ۱/۴ میلیارد دلار میرسد که افزایش بیشتری نیز خواهد یافت." (۹) در نتیجه همین شاه نخستی های رژیم جمهوری اسلامی است که دولت ورشکسته ترکیه که در نتیجه بحران اقتصادی و سیاسی در شرف سقوط قرار گرفته

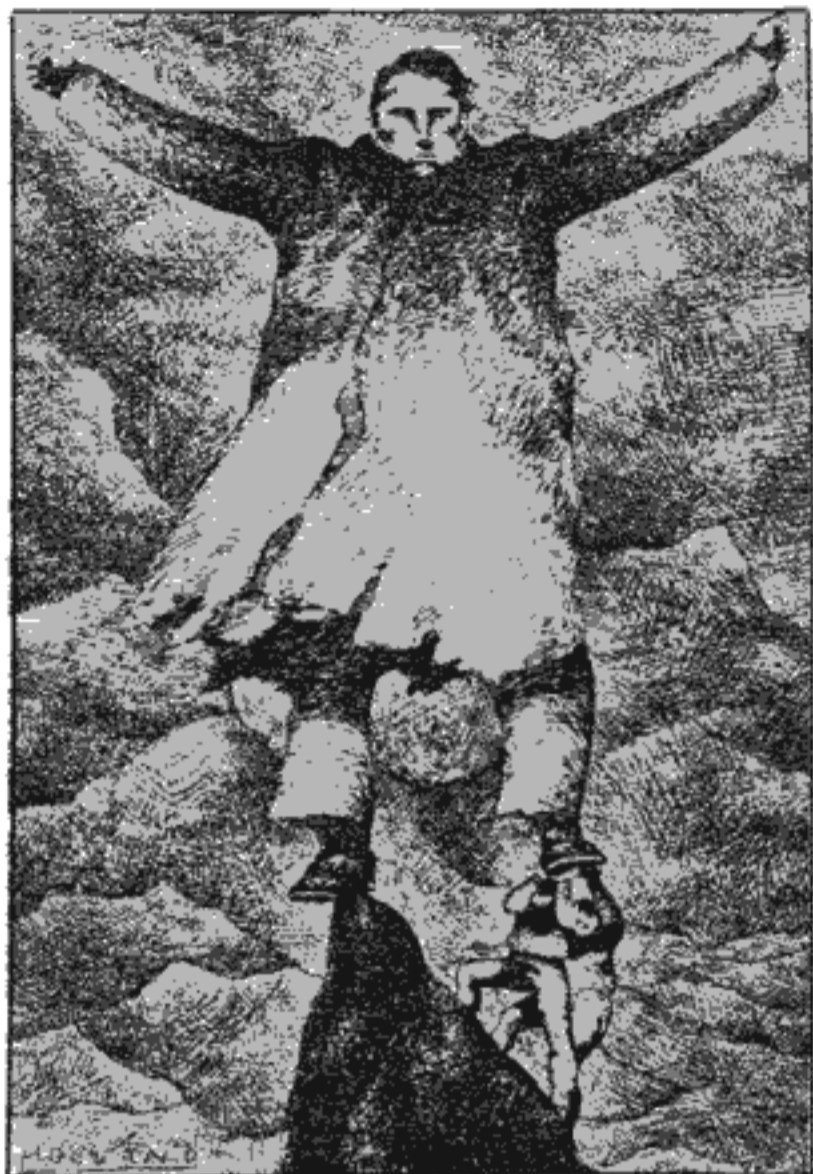
توانسته جان تازه‌ای بگیرد و این تحول را "رویا" و "خواب تلقی کند. به نوشته دیلی نیوز ترک: "این تحول همانند یک رویا تلقی میشود، و ذخیره ارز خارجی ترکیه به دو میلیارد دلار میرسد... این رقم دردماله گذشته بالاترین رقم بوده. این پول شامل پولی است که به وسیله پرداختن قرارداد دو جانبه ایران - ترکیه، علی‌رغم "تارفاشی" صندوق بین المللی پول و برخی از سهامداران خطوط نفتی، تامین میشود." (۱۰)

امپریالیسم آمریکا از یک طرف از طریق صندوق بین المللی پول و کارتل های نفتی به وسیله دلالان مالی و سرمایه‌داران وابسته به غارت و چپاول ثروت ملی و شمره دسترنج زحمتکشان می‌پردازد و از طرف دیگر، برای حفظ منافع خویش با ایجاد پایگاههای نظامی متعدد در ترکیه و بویژه در مناطق مرزی و کردنشین تامين سلاحهای مدرن مورد نیاز دولت ترکیه و نیز پاکستان و تائیسین نیازهای نظامی جمهوری اسلامی با استفاده از "مخملهای شرعی" و با احیای بیمانهای ضد خلقی، و امثالهم به طرق مختلف، به سرکوب خلقهای بی‌گناخته منطقه بویژه خلق دلیز کرد در ایران و ترکیه و عراق می‌پردازد. در ادامه همین سیاست‌هاست که آمریکا در ترکیه تصمیم به تولید و مونتاژ جنگنده‌های F-16 می‌گیرد. بنا به نوشته روزنامه دیلی نیوز (۳ ماه مه ۱۹۸۴) از قول مقامات رسمی چنین اظهار میشود که:

"این همکاری جدید یک همکاری فرعی با شرکت صنعتی هواپیما ترکیه (TUSAS) میباشد که ۴۹ درصد سهام را در شرکت جدید داراست، موسسه هواپیما ترکیه نزدیک یک دهم درصد و موسسه تقویت نیروی هواپیما ترکیه ۱/۹ درصد که رو بهم ۵۱٪ را دارا هستند. جنرال دینامیک ۴۲٪ و ۷ درصد بقیه را تهیه‌کنندگان موتور، یعنی شرکت جنرال الکتریک و پیا ویتنی و پرات (Whitney & Pratt) خواهند داشت. سرمایه اولیه ۲۵۰ میلیون لیره ترکیه است و سرمایه شرکت به ۱۳۷ میلیون دلار خواهد رسید که ۶۷ میلیون دلار آنرا شرکای آمریکایی و ۷۰ میلیون دلار بقیه را شرکای شرکت خواهند پرداخت. اولیین هواپیما در سال ۱۹۸۸ به نیروی هواپیما ترکیه واگذار خواهد شد... دو کمپانی دیگر از شرکت TUSAS تاسیس خواهد شد که یکی با همکاری وستینگهاوس برای تولید رادار و ماشین های آتش نشانی و دیگری برای تولید موتور جنگنده شروع به کار خواهد نمود." (۱۱)

در این حیص و বিষ پروتکل قرارداد خط لوله گاز طبیعی و نفت بین ایران و ترکیه نیز مورد بحث قرار می‌گیرد و رژیم ایران به هیئت سرمایه‌داران ترکیه که به دلالتی از سوی امپریالیسم آمریکا ما موریت یافته بودند، با کرشمه چشمک میزند که: "ما بودجه تاسیسی نداریم و اگر جنگ نبود، داشتیم." در این رابطه مقامات ترکیه اظهار میدارند که "عکس العمل ترکیه بستگی به

# درباب يك ريسمان قديمي و طنزهاي تلخ مجاهدين



شهریه مطاهد در شماره ۲۱۷، مورخ شهریور ۱۳۶۳ اطلاعیه‌ای را تحت عنوان "در رابطه با دعای ضد انقلابی جریان اقلیت در زمینه تشبیه رژیم پوسیده خمینی و مواضع اپورتونیستی این گروه در قبال شعار انقلابی "طلح" یا "مضامین" اتحادیه انجمنهای دانشجویان مسلمان خارج از کشور" بجا برسانده است. اینکه سازمانهای سیاسی مختلف بر سر مسائل مربوط به طرح جنبش انقلابی ایران اختلاف نظر دارند و هر کدام بر اساس سیستم فکری و روش خاص خود حول آن بسیار زمامت‌های و یا ایده‌ها و لوگوهای دست می‌زنند، امری کاملاً طبیعی است ولی در اطلاعیه فوق یک نکته حائز اهمیت و درخور تعمق است. نکته‌ای که در آن "نویسندگان" اطلاعیه نسبت به سلامتی "جریان اقلیت" اظهار تردید کرده و آن "مشکوک" شده‌اند. منی کامل آن را اگر آف بیدین قرار است:

"مادر و برای این طنزهای تلخ بایستی صراحتاً و بجد خاطر نشان کنیم که مادر سلامت سر چشمه‌ها و آشپز املی موضع‌گیریهای ضد انقلابی اقلیت سرچشمه داریم و هم‌این مواضع را در چارچوب کودکی و چشم هم‌چشمی و احساس رقابت خرد بورژوازی و با بورژوازی نمی‌توانیم تفسیر کنیم. اینجاست که بظن ما این میزان صحت با مجاهدين و اینگونه شعارمطلبی کردن شورای ملی و معاونت‌دانی (دقیقاً به نفع ضد انقلاب غالب و مغلوب و منع امپریالیسم) و بالاخره تبلیغ با شیاطین رژیم خمینی و دست‌نشاندهای حلقه آسم در شرایط تیرباران و خلق آویز مستمر رشیدترین فرزندان خلق - نمی‌تواند سرچشمه چندان سالمی شگفت‌گرفته و عاری از هر عنصر "مشکوک" باشد. از این رو ما از نیروهای انقلابی و دموکراتیک و هواداران این نیروها می‌خواهیم در این رابطه هوشیاری بیشتری در قبال اقلیت داشته باشند و با روشن شدن سرچشمه مواضع ضد انقلابی این گروه از ادامه روابط سیاسی با آنها بپرهیزند. به عبارت دیگر بایستی روش شود که چنین مواضعی از کجا سرچشمه می‌گیرد و به کجا راه می‌برد؟ ما اینجا روی آن کلماتی تکیه کردیم که حائز اهمیت و در خور تعمق است. بی‌شک ذهن خواننده دقیق، متشککانه از پس این لحن پرغاشکرانه و موهن بدنیال ادله و اسناد است. اما پس از نغمی فراوان کلمه‌ای هم در باره آن نمی‌یابیم. آیا اقلیت سکوت "سویسه‌گان" این نیست که به اغتراف‌گوشی بی‌کیفر خود در این زمینه واقف هستند؟ ارائه اسناد و مدارک روشن و گویا و اظهار نظر واضح و مسدل درباره علت "هوشیاری بیشتر" که طبیعتاً منافع والای جنبش انقلابی ایران آنرا در هر شرایطی ایجاب می‌کند، چه بسا منجر به افتخار بیش از پیش ماهیت واقعی خود می‌شود. ولی نباید از این بابت دل‌آزرده شد. مجاهدیک "ریسمان" قدیمی را برمی‌دارد. یک مارک "ساز" به آن می‌چسباند و آسرای عنوان یک ابزار "موشر" سرعلیه جنبش نوین کمونیستی ایران بکار می‌گیرد. سائلاتی که سازمان مجاهدين را از روی بی‌ملکی بکام

خود فرو برده است آنها را بر آن می‌دارد تا در پی راه‌نجاتی برای خود باشد. لیکن غرافات ما حیا نامی "ریسمان"، چنان در تار و پود وجود رهبران آن ریشخ کرده است که جز سرگیجه و آشفتگی، ارمغانی برای آنها بجای نمی‌گذارد.

اینکه مجاهد چگونه و با چه امیدی راه نجات و خلاصی خود را در این "ریسمان" شناخته شده یافته و این عمل را چرا و چگونه انجام داده است، باید یک‌گندی واقعی باشد! اما ابتدا باید دید دلایل توسل بدان، که احتمال دارد نویسندگان مجاهد در اطلاعیه از آن تبعیت کرده باشند چیست؟

آیا تحلیل ریگای‌گول از اهداف رژیم جمهوری اسلامی در جنگ و چشم اندازهای تحولات آینده، آنها را در این "انتخاب" مصمم کرده است؟ شاید "نویسندگان" بر آنند تا به مثله کردن مطالب مقاله و هدف بخش مهمی از آن (آنهم بطرز ناخوشایند و نا موفق) چنین وانمود سازند که گویا "جریان اقلیت"، در ضدیت با مجاهدين در صدد "تخلیج با شیاطین رژیم خمینی" است.

اما به بینیم سرمقاله ریگای‌گول (شماره ۱۸) در این باره چه می‌گوید: مقاله پس از تشریح دهشتها و مصائب ناشی از جنگ و گسترش آن در سطح منطقه، در ماههای اخیر و دعاوی طرفین درگیر جنگ، به اقدامات متعدد و گسترده‌ای که در عرصه بین‌المللی در زیر فشار افکار عمومی برای پایان دادن به جنگ دولتهای ایران و عراق آغاز شده است، اشاره دارد. و در پاسخ به این سؤال که تا چه حد تحقق این اقدامات ممکن و میسر است؟ به لزوم روشن شدن زمینه‌های عینی توقف جنگ و عواقب ناشی از آن می‌پردازد. در این راستا می‌نویسد: "برای

بررسی این مساله قبل از هر چیز لازم است اهدافی که رژیم جمهوری اسلامی طی این جنگ دنبال کرده است، مورد بررسی قرار گیرد. تا براساس آن بتوان به سئوالات بالا پاسخ داد. در این رابطه اهداف رژیم به ۱- اهداف سیاست داخلی ۲- اهدافی که با سیاست خارجی آن مرتبط است، تقسیم میشود. در بررسی اهداف داخلی پس از توضیح اینکه جنگ در شرایطی آغاز گردید که یک موج وسیع انقلابی رژیم را لحظه به لحظه در بحرانی قرار داده بود، به دوهدف اصلی اشاره دارد.

الف: رژیم "از یک سو کوشید که در جریان جنگ بطور مداوم آرگانهای سرکوب خود و در رأس آن ارتش (که در جریان قیام آسیب جدی دیده بود) را بازسازی کند و با آرگانهای جدید نظیر سپاه، کمیته ها و بسیج آنرا تحکیم و تقویت کند تا بدین طریق پایه های اقتدار سیاسی بورژوازی را در برابر تعرضات انقلابی توده ها مستحکم سازد."

ب: "وازیوی دیگری برانگیختن احساسات ناسیونالیستی توده ها و تقویت گرایشات خونخیزی در میان مردم مسائل اساسی انقلابی توده ها را تحت الشعاع مسئله جنگ قرار دهد. ذهن مردم را متوجه جنگ کند و بقول سران رژیم جنگ را بمنابا به اصلی ترین مسئله جا معدر آورد." آنگاه می افزاید که رژیم جمهوری اسلامی طی نزدیک به چهار سال دامه جنگ تا حد زیادی به اهداف داخلی خود دست یافته است. عبارت دیگر تا حد زیادی توانسته است مخالفین سیاسی خود را سرکوب کند. ممانع از اعتراضات و اقدامات مستقل و سازمان نیافته توده ها شود و تظاهرات و بحرانهای داخلی خود را تحقیف دهد. و در نتیجه این جنگ تا همین حد به دوام و بقاء آن مدد رسانده است. مقاله در این میان از عوامل کمک کننده بین المللی بویژه تلاشها و حمایتهای امپریالیسم و ارتجاع منطقه و حتی تأیید بالنسبه طولانی مدت دولتهای مترقی و انقلابی جهان تحت عنوان "مبارزه ضد امپریالیستی" که رژیم را در تحقق نسبی اهداف داخلی اش یاری رسانده است، نام می برد.

"نویسندگان" اطلاعیه بعد از غلط این مبحث، با حذف کامل بخش مربوط به اهداف سیاست خارجی رژیم جمهوری اسلامی و اقدامات متعدد بین المللی، برای سایه افکندن بر روی کنه مطلب اصلی، مطابق معمول خود را ملزم به نتیجه گیری عجولانه کرده و چنین حکمی را صادر می کنند: "اپورتونیسیم علاج ناپذیر و عمیقاً راست (!!) اقلیت، تا بدانجا پیشش و تا روپودنظری این جماعت پیوسته در حال تلاشی و انشعاب راتباء کرده است که حتی قادر به دیدن خورشید درخشانترین مقاومت انقلابی خلق با و پیشتازان مجاهدش (!!) نیست و مقابله و متنی که ریشه های "دوام و بقاء" رژیم فدحشری خمینی را برای همیشه نابود کرده و امکان بازسازی را برای آنان در تمامیتش از بین برده است". نخست اینکه آمال و آرزوهای آنها در باب "پیوسته در حال تلاشی و انشعاب" موجب تبسم ما می گردد. و این تبسم بطور قطع همچون کشیده کارسازی به گوش آنها خواهد خورد. سپس اگر با عیارت مشرورانته - شان قصد آن دارند تا گریبان خود را خلاص کنند و سرکوب خونین "خلق ما و پیشتازان" اش (نه تنها مجاهد) و شکست استراتژی و تاکتیک خود را منکر شوند، ما می گوئیم واقعیات نیرومندتر از باوه کوشیهای آنهاست. امروز برای هرکسی که می خواهد فاکت و واقعیت تلخ در دناک و ناگوار را به بیند و نسی خواهد سرش را در لاک خود فروبرد و چشمان خود را ببندد این مساله اظهار منالشمس است.

آیا رژیم موفق به سرکوب خونین تعرضات انقلابی توده ها

و پیشتازان آن نشده است؟ آیا رژیم جمهوری اسلامی در تداوم این جنگ تبهکارانه ارگانهای سرکوب خود (در رأس آن ارتش) را بازسازی نکرده است؟ مجاهدین که زمانی برای سرنگونی خمینی ماه تعیین می کردند و هزاران نفر را به مسلخ بورژوازی لجام گسیخته فرستادند و دست آخر سال ۸۲ ارتش سرنگونی ضربتی خمینی اعلام کردند، چگونه بعد از دو سال و اندی به امکان پذیر نبودن سقوط شتابان رژیم رسیده اند (تقل به معنی از مجاهد ۲۰۸۸) مجاهدین که برای پنهان کردن علل شکست عظمی خود مدام به فاره های گوناگون تبلیغاتی توسل می جستند، ضربات وارده بر بیگانه شکنجیات خود و سایر نیروهای انقلابی را به حساب کدام یک از پیشبرد اهداف رژیم می گذارند؟ بیلان ۱۲۰ هزار اسیر و ۴۰ هزار شهید دلالت بر چه دارد؟

پس معلوم میشود "نویسندگان" اطلاعیه قصد دارند تا این تناقض کوشیها را با تبلیغات کاذب، گفتارهای سطحی و مضحک لاپوشانی کنند! اما ما می گوئیم حقیقت را هر چند که دل آزار و تلخ باشد نمی توان در برابر مردم آرایش داد. حال بچینیم چرا آنها در باب تحلیل ریگای که ل از اهداف خارجی رژیم بعنوان جزء لاینفک سیاست داخلی آن، سکوت اختیار نموده اند؟ لابد "مطیحت" این را ایجاب می کرد. برای این منظور تفسیر و ذکر نقل قولهایی از مقاله ریگای که ل ضروری است هر چند که این امر مطلب را ثقیل کند ولی برای پی بردن به کنه مطلب راهی به جز این نیست. درک سبک مغزانه "نویسندگان" اطلاعیه آنرا اجتناب ناپذیر می یازد.

در مقاله در تشریح و بررسی اهداف سیاست خارجی رژیم آمده است رژیم جمهوری اسلامی که یک حکومت مذهبی است بان اسلامیسیم و رویای یک امپراطوری اسلامی را در محور سیاست خارجی خود قرار داده است. این سیاست که توسعه طلبی جزء لاینفک آن محسوب می گردد و برای پیشبرد اهداف خود بناگزییر می یابد در جنگهای مداوم خارجی درگیر باشد. "آنگاه می افزاید که اگر چه عوامل متعددی که در بالا بدان اشاره رفت به رژیم امکان دست یابی به اهداف سیاست داخلی خود در جنگ را می داد اما چنین عوامل مساعدی برای تحقق اهداف سیاست خارجی رژیم وجود ندارد. "تکست اینکه توان و ظرفیت اقتصادی - سیاسی و نظامی رژیم جمهوری اسلامی در حقی است که به آن امکان نمی دهد به رویاهای توسعه طلبانه خود جامعه عمل بپوشاند" و مثال بارز آن، آخرین تهاجم رژیم است که علیه رجم بکارگیری حداکثر تکنیک جنگی و امکان تدارکاتی با شکست مواجه شد. دوم آنکه "امپریالیسم امریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل که تا برقراری توازن کتونی بین نیروهای ایران و عراق، جانبدار رژیم جمهوری اسلامی و پیروزیهای آن بودند و از اذانه جنگ حداکثر بهره برداری اقتصادی و سیاسی در منطقه می نمودند (بویژه این جنگ از یک سوزمینه گسترش مداخلات سیاسی - نظامی امپریالیسم در منطقه را فراهم نمود و از سوی دیگر به دولت صهیونیستی اسرائیل امکان داد تا با مداخلات سیاسی - نظامی خود در لبنان جنبش فلسطین را سرکوب کند) اکنون هیچیک خواهان برهم خوردن موازنه سیاسی - نظامی کتونی و دست یابی رژیم جمهوری اسلامی به پیروزیهای نظامی تازه ای نیستند، "و سایر دولتهای منطقه هم بدلیل جهیداتی که اهداف سیاست خارجی رژیم متوجه منافع آنهاست، در مقابل آن مف آرائی کرده اند. دول سوسیالیستی نیز که از ابتدا موافق

این جنگ نبودند پس از پی بردن به ماهیت ارتجاعی رژیم ویان - اسلامیت ارتجاعی آن، مخالف پیروزیهای جدید رژیم جمهوری اسلامی در جنگ هستند.

برایست چنین تحلیلی، پاسخ سؤال اصلی بدینگونه جمع بندی میشود:

اکنون یک مجموعه عوامل مانع از تحقق اهداف رژیم در جنگ است. و بر همین مبناست که امروزه کلیه عوامل دست اندرکارند تا رژیم جمهوری اسلامی را وادار به متوقف کردن جنگ کنند. هر چند که رژیم بنای اهداف توسعه طلبانه و "خیراتی" که جنگ برای او بارمغان آورده است، تمایلی به این توقف جنگ نداشته باشد و چه بسا که در آتی، درصدد تعرض مجدد باشد. اما با توجه باین امر که با وجود توازن سیاسی - نظامی موجود و عوامل نامساعد خارجی قادر به پیروزیهای کیفی نویسی در جنگ نیست و عدم پیروزی در جنگ خود به عاملی علیه اهداف رژیم بدل خواهد شد که رشد ناراضی در میان توده ها و تشدید تضادهای درونی هژمیت حاکمه را بدنبال خواهد داشت و نیز در نظر گرفتن فشارهای متعدد خارجی ناگزیر است، حتما بدون تغییراتی در قدرت حاکمه عراق موقتا هم که شده توقف جنگ را بپذیرد. "سپس نتایج حاصله از آتش بی احتمالی بین دولت ایران و عراق را بدینصورت ترسیم میکند: "چنین توافقی بر خلاف تصور کسانی که صرفا خواهان برقراری صلح میان دولتهای ایران و عراق هستند نه تنها وضعیت رژیم جمهوری اسلامی را بمخاطره نخواهد افکند، بلکه بالعکس خود به اهرمی برای سرکوب هر چه بیشتر توده ها بدل خواهد شد... رژیم جمهوری اسلامی تلاش خواهد کرد که با اتکاء به نیروی عظیم سرکوبش توده های مردم سراسر ایران را زیر فشار بیشتر قرار دهد... در مورد کردستان اگر توافق مشترکی برای سرکوب خلق کرد صورت نگیرد که مطمئنا صورت خواهد گرفت. رژیم جمهوری اسلامی بخش عظیمی از نیروی سرکوب نظامی اش را به سرکوب جنبش خلق کرد اختصاص خواهد داد."

اینجاست که مطلب اصلی و همین نکته است که اساسی ترین اختلافات بین این دو سازمان در زمینه ترسیم چشم اندازهای آتی جنگ و تعیین سیاست ها و شعارها را در خود نهفته دارد.

از یک سو خطی که بر اساس تجزیه و تحلیل مشخص تاریخی بدست آمده است، و با بررسی مجموعه مکتوبات و احوال سیاسی به نتایج زیانبار توافقی بین دولت ایران و عراق اشاره دارد. و بر این مبنای خواستار شکست دولت خودی در جنگ ارتجاعی میشود. و بالنتیجه به طرح شعار تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی میپردازد در همان شماره ریگای گیل در بررسی شورش اخیر مردم بانه علیه جنگ و رژیم جمهوری اسلامی، از تک جوشهای انقلاب و گسترش خشم توده ها نسبت به جنگ نوید میدهد و از بیداری توده ها داد سخن میزند. بر این نظر است که تنها با تبدیل جنگی که از طرف سرمایه داران ب نفع سرمایه داران، به جنگی که از طرف پرولتاریا و زحمتکشان به نفع تمامی توده های استثمار شده، میتوان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را تسریع بخشید و تنها در این صورت است که میتوان مانع از تاثیرات مخرب توافقی بین دولتهای درگیر جنگ شد. و تنها از این طریق است که میتوان وضعیت رژیم جمهوری اسلامی را بمخاطره انداخته و وی را از امکان سرکوب هر چه بیشتر توده ها و جنبش خلق کرد محروم نمود.

جنگ توده ها را تکان داده با مصالح و نتایج پس در دناکی

آنها را بیدار نموده است. فزونی قربانیان جنگ، آوارگی و فشارهای متعدد مادی و معنوی، ضرورت برگرداندن سلاح را بر روی حکومت و بورژوازی خودی هر لحظه بیشتر برای آنها ملموس تر میکند. تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی یگانه شعار صحیح انقلابی است که تجارب چندین ساله جنگ آرایه ثبوت رسانیده است. و این شعار امروزه از مجموعه شرایط حاکم بر جنگ بین دو دولت ارتجاعی ناشی میشود. هر چند که یک چنین تبدیلی در این با آن لحظه خاص دشوار بنظر آید. اما انقلابیون هرگز از کار مداوم و پیگیر در میان توده ها و سازماندهی آنها که نیازمند اراده ای آهنین و استوار است، سرباز نمی زنند. توده ها مطمئنا پس از پشت سر نهادن آنچه تجارب گرانبها باین حقیقت ساده پی می برند که رژیم ددمنش جمهوری اسلامی را توافق رفتن جانی - طاری عزیز ساقط نمی کند.

از سوی دیگر خط و مشی است که سازمان مجاهدین را آن پیروی میکند. آنها بی باوری توده های میلیونی و نقش تاریخی آنان با ابدی شمردن سیاست جنگ طلبی خمینی، در رویاهای خود تحقق صلح را در شرایط فعلی موجد پاره شدن تور اختناق و سقوط خمینی میدانند. بر این اساس همانند هر یک از فازه های تبلیغاتی خود، شعار صلح را بعنوان شعار راه حل ممکن، در میهمانی های سلاطین سرمایه داری جهانی به درو و دیوار نجیب می کنند. غافل از آنکه تمامی این نقلات بطور مستقیم در خدمت مذاکره کنندگان اصلی صلح یعنی دولت های ارتجاعی ایران و عراق قرار می گیرد. روشن است که اینبار آقای رجوی را در اطاقهای مذاکره جاش نیست. مجاهدین هنوز از این واقعیت ساده درس نگرفته اند که دیگر نمی توان در "ویلا ی اورسورواز" نژاد سده در غیاب توده ها از طریق بکتری بندوبست ها و روابط خاص با امپریالیسم جهانی به حل و فصل مسائل جنبش پرداخت. توده ها، یعنی آنهایی که میلیونها هستند پراحتی گول نمی خورند. گذشت زمان نشان داده است که در باره آنچه که رخ میدهد با حساسیت تمام به تعمق می نشینند. سیاست ها و شعارهای سازمانهای مختلف را اگر از میان آنها سرچشمه شکرید بسرعت به زباله دان تاریخ می سپارند اما جالب است که "نویسندگان" اطلاعاتیه بعد از آنکه متوجه شده اند صفری و کبری چیدن آنها نتوانسته است خریداری برای "شعار استراتژیک صلح" بیاورد برای کسب حیثیت هم که شده به لنین توسل می جویند و می نویسند: "خوشایه حال لنین" خنده بورژوازی کوشه بینی که یک زمان دور از چشم روشنفکران اقلیتی توانست "شعار مطوازتوهم صلح" را آنهم بعنوان رهبر پرولتاریا مطرح نموده و به پیش ببرد. (تاکیدات از ماست) البته "نویسندگان" مجاهد چگونه به این درک رسیده اند، نباید مضحک ای بیش باشد. آنها انسان را بیاد بازگان می اندازند که وقت و بی وقت برای تهنیت کردن مضمون تاکتیک سازش لنین آنرا در پلیمیک های سیاسی خود بکار می گرفت. اما بیچاره "نویسندگان" مجاهد بدلیل عدم اطلاع و سطح نازل آگاهی حتی در این امر نیز موفق نبوده اند. گوش کنید:

لنین در مقاله "وظیفه عمده این ایام"، شرایط و اوضاع و احوال سیاسی ناظر بر پیشبرد صلح تیلزیک (اصطلاحی که وی به آن می داد) با امپریالیسم آلمان را چنین توصیف می کند:

"مادر طرف چن دروزیکی از قدیمی ترین و وحشیانه ترین و ددمنشانه ترین رژیم های سلطنتی را منهدم ساختیم. ما طرف چند مایه مراصلی را در رشته سازشکاری با بورژوازی وریشه کن ساختن

توهمات غرده بورژوازی طی کردیم که سایر کشورها برای طی آن ده سال صرف کرده بودند. مادر طرف چند هفته بورژوازی را سرنگون ساختیم، ویر مقاومت آشکار وی در جنگ داخلی غالب آمدیم. ما با مارش پیروزمندان و نظریه‌موم بلشویسم سراسر یک کشور پهناور را طی کردیم. ما پائین ترین فشرهائی از توده‌های زحمتکش را که دستخوش ستم تزاربسم و بورژوازی بودند، برای احراز آزادی و زندگی مستقل بها داشتیم. ما جمهوری شوروی را که نمونه جدید دولت و بطور غیرقابل قیاسی مالینرود مکرانیک - تر از بهترین جمهوری های پارلمانی بورژوازی است، معمول داشتیم و آنرا پایدار ساختیم. ما دیکتاتور پیرولتاریا را که مورد پشتیبانی دهقانان تهیدست است، مستقر ساختیم و سیستم اصلاحات سوسیالیستی پر دامنه‌ای را آغاز نهادیم. ما ایمان به قوای خویشتن را در قلوب میلیونها و میلیونها کارگر کلسیه کشورها برانگیختیم و آتش شور و شوق را در درون آنان بر افروختیم... ولی درنده امپریالیست با حمله خود به بی‌ملاحان، در طرف چند روز ما را با خاک انداخت، او ما را وادار نمود قرار دادن صلح بین‌المللی شاق و سخت با ریزا امضاء کنیم، و این به مثابه باجی بود در مقابل جبارتی که ما بخرج دادیم تا حتی برای کوتاهترین مدت هم شده، از منگنه آهنین جنگ امپریالیستی بخبرون جهیم" (تا کیه از ما سخت)

حال باید از مجاهدین پرسید، در ایران چطور؟ آیا هر ابتدای امر تمامی سلاحها بیرونی رژیم خودی برگرفته است؟ آیا رژیم جمهوری انقلابی در یک جنگ داخلی تمام اعتبار از برای درآمده است؟ آیا درنده بورژوازی عراق به ارگانهای اقتدار توده‌ای و نیازهای حقیقی کارگران و زحمتکشان پیورش آورده است؟ آیا میهن سوسیالیستی در خطر است؟ آیا منگنه جنگ تبهکارانه چنان است که دولت پرولتری را به یک دوره تنفس برای جهش مجدد واداشته است؟

ملاحظه می‌کنید؟ "نویسندگان" اطلاعاتی تا چه حد را عموماً یافته‌اند! گویی در حالت خواب شعار "مرکز خمینی - درود بر رجوی" را تحلیلی یافته پیدا شده‌اند و اکنون آقای رجوی بجای خمینی بعنوان "رهبر پیرولتاریا" (بخوان "مستضعفان") بجاری "پیششاران مجاهد" در مسند قدرت قرار گرفته‌اند، و زمان برای صلح مهیاست! در حقیقت با چنین تحریفات و سفیله جوشها نیست که آنها مطلب اصلی را برده‌پوشی و غلط می‌کنند. آنجا هم که ضعف خاصشان، از حرکت بازمان می‌دارد، به همان "ریسمان قدیمی پناه می‌برند. اکنون مجاهدین از آن طلیح دفاع می‌کنند که مذاکره کنندگان اصلی را این بار نه آقای رجوی - طارق عزیز، بلکه رفسنجانی - طارق عزیز و پایه عبارت دقت‌دولت‌های ارتجاعی ایران و عراق تشکیل می‌دهند. و این مذاکره‌ها به صلح دمکراتیک منجر می‌گردد و نه به سقوط شتابان رژیم می‌انجامد. و بدون سرنگونی رژیم هرگز صلحی دمکراتیک بر پا نمی‌شود و رهبران مجاهدین این را نمی‌فهمند و یا نمی‌خواهند بفهمند.

جریان کار روشن است مجاهدین که بنای خود را بر سیر دلخواه اوضاع ریخته بودند، در کوره راه یأس و ناامیدی و در واپسین لحظات تلاشی "شورای ملی مقاومت" و شکست تمامی سیاست‌های خود به سر کیجهای عجیب دچار گشته‌اند. پیام‌های خدایان زروزیور و مهمانی‌های پندگی و بیدگی، تأثیر بیپوشی آور خود را بجای می‌نهد. ایدئولوژی امپریالیستی از وزای "حفاظت‌های" عدالتخواهانه "گری هارت‌ها، کنده‌ها... در

حال اثربخشی است. عدم جبارت در تمحیح خط و مشی خود، تا باوری به توده‌ها و خرافات بارت رسیده از بورژوازی لیبرال و در یک کلام بی مصرفی آشکار مجذوبیت به امپریالیسم را در نزد "رهبران" مجاهد تشدید کرده است. آنها این بارت‌ها را "موفقیت" خود را بعنوان آخرین "شانس" در جلب حمایت امپریالیسم جهانی یافته‌اند و اکنون با سرعتی دوچندان به گرداب آن جذب میشوند.

اما این تازه آغاز کار است. ابتدا باید خلوص نیت مجاهدین ثابت گردد. ترجیح آنها به دستجات سلطنت طلب و حتی خود خمینی بنیادگی ممکن نیست. در این راه جلب اعتماد سلاطین سرمایه اولین و مهمترین گام اساسی است. اما سرمایه از مجاهد چه میخواهد؟

الف: با وعده و وعیدهای تو خالی سیر انقلاب را با احتیاط هر چه بیشتر و هر چه نامشهودتر ترمز نماید، آنرا از مضمون نسبی سازد بطوریکه توده‌ها تنها با اطلاعاتی تمویض در بالا را بپذیرند (رجوی بجای خمینی)

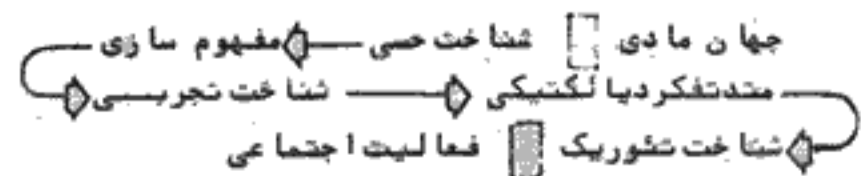
ب: با استفاده از انواع برجسپ‌های نظیر "خرابکار" "لجاسون"، "عمال بیگانه"، "مشکوک" و... هرگونه فعالیت را دیکالی که منجر به طرح آلترناتیو پرولتری شود، سد کنند و زمینه‌های تعقیب کمونیست‌ها را از هم اکنون فراهم نماید.

ج: لازم است دفاع از اردوی "عدالت و آزادی" از طریق رنگ آمیزی آن با روشن ترین رنگها صورت پذیرد.

حال "ریسمان" های انتخابی مجاهدین تا با امروز باید بروشنی و وضوح کامل نشان دهد که آنها در کدامین یک از مراحل آزمایشی فوق بسر می‌برند. و امروز شما می‌توانید، تلاش‌ها و نفعاتی - هائی که تاکنون صورت گرفته است، آنها را با اینجا رسانده است. مجاهدین بالاخره در جایی سردر آورده‌اند که الزاماً باید سردر می‌آوردند.

## تصحیح و پوشش

۱. آدر "جهان" شماره ۲۲ در صفحه ۲۳ در اخبار مربوط به جنبش دانشجویی در سوئد، تعداد شرکت کنندگان در فضا - هرات ۶۰ هزار نظر ذکر کردید که صحیح آن ۶۰ نفر است می‌باشد.
۲. در "جهان" ۲۴ در اخبار جهانی مربوط به عاده عیثیت از ملبورن و فتنه جهانی دوم به غلط جنگ جهانی اول چاپ شده است.
۳. دیباگرامی که در بخش "آموزش مقوله‌های فلسفی ...." در "جهان" ۲۳ درج شده بود، ناقص می‌باشد. دیباگرام کامل را در ذیل چاپ می‌کنیم.



بمنظور پیشبرد امور مبارزه  
ایدئولوژیک و طرح مسائل  
مورد بحث در سطح جنبش  
انقلابی در هر شماره "جهان  
مقاله‌ها مقالاتی در این  
را بطه درج خواهد شد.  
بدیهی است که مواضع اینگونه  
مقالات الزاماً با مواضع  
"جهان" یکی نخواهد بود.

# دیدگاهها



## راه کارگر: اکنون میسوم ناب در نفی شعار "کمیته‌های مخفی اعتصاب"

(۲)

www.adabestanekave.com



"مارش" طرح لژکته کولودین

در قسمت اول این مقاله، ضمن برخورد به درک نادرست رفقای راه کارگر (سازمان انقلابی کارگران ایران)، از اعتصاب عمومی سیاسی و کمیته‌های مخفی اعتصاب، اشاره نمودیم که اختلاف اساسی ما با رفقای راه کارگر بر سر ضرورت سازماندهی مبارزات کارگران نیست، بلکه بر سر چگونگی این سازماندهی است. سچفا با طرح شعار کمیته‌های مخفی اعتصاب، راه حلی انقلابی و متناسب با شرایط ایران پیشنهاد می‌کند و رفقای راه کارگر برای حل مشکل سازماندهی طبقه کارگر خود را به اتحادیه‌های کارگری محدود کرده و به اکنون میسوم پناه می‌برند.

### ۱- سازماندهی بر اساس کمیته‌های مخفی اعتصاب

قبل از تشریح نظرات سازمان در مورد سازماندهی کمیته‌های مخفی اعتصاب، لازم است اشاره کنیم که رفقای راه کارگر عمداً با سهواً استدلال سازمان در مورد مناسب نبودن سازماندهی بر اساس اتحادیه در شرایط ایران را تحریف میکنند و می‌نویسند: "درست همانگونه که مشی چریکی از وجود دیکتاتوری، به نفی کار شونده‌ای می‌رسید رفقای فدائی نیز از مواجهه سیاسی و خصومت بار رژیم اسلامی به نفی تشکیل اتحادیه‌های رسیده‌اند" (راه کارگر، شماره ۳، ص ۲۶).

برای نشان دادن نظرات سازمان در مورد اتحادیه‌ها و محدودیت‌های آن، قسمتهایی از کار شماره ۱۶۷ را عیناً درج میکنیم:

این تشکیلات (سندیکا و اتحادیه) ابزار ضروری طبقه کارگر در مقابله با فشار سرمایه بر سطح زندگی کارگران، در محدوده‌های معینی از کارآیی لازم برخوردارند، مبارزات پراکنده کارگران را سیستماتیزه کرده، مبارزات و اعتصابات را از قدرت بیشتری برخوردار می‌نماید، کارگران

عقب مانده را به مبارزه فراخوانده، متشکل و سازمانیافته می‌گرداند و زمینه‌های تدارکاتی لازم را برای ارتقاء مبارزات اقتصادی به سیاسی مهیا میکند... عبارت دیگر "جزه ذاتی و مکمل نظام سرمایه‌داری هستند که هرچند وسیله‌ای ضروری در خدمت مبارزات طبقه کارگر میباشد، اما بدلیل محدودیت‌های ساختی نمیتوانند امر رهائی کار از قید سرمایه را به پیش‌برند... آنچه میتواند پرولتاریا را به مقابله در مقابل بورژوازی قرار دهد و عامل تعیین کننده در مبارزاتش بحساب آید، حزب و مبارزات سیاسی است... بهر حال، وحدت، تشکیلات، لزوم تلفیق مبارزات اقتصادی و سیاسی و درک نقش تعیین کننده مبارزات سیاسی پرولتاریا در پیشی گرفتن از تاکتیک‌های بورژوازی، این است آن دستاورد مبارزاتی پرولتاریای جهانی.

بخاطر محدودیت‌های سیاسی اتحادیه‌ها، سچفا بدرستی آنها را برای هدایت مبارزات سیاسی طبقه کارگر، کافی نمی‌شمارد. رفقای فدائی با تحلیل از شرایط



ویژه جامعه ایران، کمیته‌های مخفی اعتصاب را شکل مناسب و درست برای سازماندهی مبارزات طبقه کارگر ایران تشخیص داده‌اند. نشریه کار در مقاله "ملاحظات" در باره کمیته مخفی اعتصاب (کار شماره ۱۷۳) چهار ویژگی مهم را که سازماندهی جنبش کارگری ایران را مشخص و مقید می‌سازد، تشریح می‌نماید که ما آنرا بطور خلاصه ذکر می‌کنیم:

الف. تداوم بحران انقلابی: "امروز که چشم‌انداز خیزش مجدد توده‌ها محتمل است باید به آنچنان شکل‌هایی دست یافت که از یک سو امر مبارزات جاری و خواستهای فوری طبقه را جوابگو باشد و از سوی دیگر همین سازماندهی پتانسیل ارتقاء و تبدیل به تشکلهای وسیعی که توان رهبری مبارزات وسیع سراسری طبقه را در راستای برپایی اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه جوابگو باشد، دارا باشد." (کار ۱۷۳، ص ۶)

ب. وجود شرایط اختناق: بخاطر ابعاد بی سابقه خفقان و ضرورت سازماندهی مبارزات کارگران عمدتاً از طریق تشکلهای علنی میسر نیست. "بنابراین تشکلهای غیرعلنی ضرورت خود را از این نقطه نظر نیز آشکار گردانده است. البته باید توجه داشت که تاکیید بر ضرورت تشکلهای مخفی به هیچ وجه بمعنای نفی مطلق و چشم پوشی از تشکلهای علنی و نیمه‌علنی که توده‌های کارگر را دربر می‌گیرد نیست، بلکه بیان این واقعیت است که در یک چنین شرایط اختناق مرکز و کانال سازماندهی مبارزات کارگران نمی‌تواند علنی باشد." (کار ۱۷۳، ص ۶، تاکید از ماست)

ج. عدم وجود تشکلهای صنفی کارگران در سطح وسیع: در شرایط خود ویژه جامعه ایران، جنبش کارگری نتوانسته است ارگانهای توده‌ای نظیر اتحادیه و سندیکا را به صورت نهاد درآورد. جو اختناق موجود عموماً امکان تشکیل تشکلهای صنفی توده‌ای و علنی را از بین برده است. بنابراین باید بدنبال ایجاد تشکیلاتی بود که بتواند ضمن دربرگیری ویژگی‌های دیگر وظایف تشکیلاتی اتحادیه‌ها و سندیکاها را به انجام رساند." (کار ۱۷۳، ص ۱۲، تاکید از ماست)

د. عدم وجود پیوندی مستحکم میان سازمان پیشاهنگان پرولتاریا و طبقه: برخلاف جوامع سرمایه داری که در آن تشکلهای صنفی کارگران از قبیل اتحادیه‌ها و سندیکاها جنبه قانونی یافته‌اند و سازمان پیشاهنگ امکان آنرا دارد تا ضمن شرکت در مبارزه روزمره کارگران، آگاهی شویالیستی و برنامه حزبی را بحدود طبقه ببرد، در ایران به علت غیرقانونی بودن تشکلهای صنفی کارگران، چنین امکانی عملاً وجود ندارد. بنابراین این پیشاهنگ موظف است از طریق ایجاد تشکلهای مخفی که کارگران پیشرو در آن سازمان می‌یابند، با کل طبقه ارتباط برقرار کند. "بدین ترتیب روشن می‌گردد کسسه

منوط کردن پیوند میان سازمان پیشاهنگ و جنبش طبقه به ایجاد تشکلهای نظیر سندیکا و اتحادیه چیزی جز توجیه و ایورتونیسیم نخواهد بود" (کار ۱۷۳، ص ۱۲).

سجفا پس از بررسی ویژگی‌های فوق و همچنین جمع‌بندی از تجارب سازمانیایی پرولتاریا در جنبش انقلابی سال ۱۳۵۷ نتیجه می‌گیرد که:

کمیته مخفی اعتصاب آن شکل از سازماندهی است که هم متناظر بر وضعیت روندهای عینی و ذهنی جامعه در شرایط کنونی است و هم متناظر بر مضمون حرکت انقلابی توده‌ها در راستای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان (کار ۱۷۳، ص ۱۳).

## ۲- سازماندهی براساس اتحادیه‌های کارگری

راه حلی که رفقای راه کارگر برای مسئله سازماندهی ارائه می‌دهند، عبارت است از سازماندهی مبارزه حول خواستهای بیواسطه کارگران، این راه حلی بر استدلال زیر استوار است:

پورژوازی ایران نمی‌تواند در برابر کارگران از تاکتیک پورژوازی متمدن (تریدیونپیسیم - فرمیسیم) استفاده کند. بنابراین همواره به سرکوب قهرآمیز متوسل می‌شود. در توجیه این عمل، دولت اکثریت را نامود کرده که هدف کارگران از اعتصاب برهم زدن "امنیت" کشور است. اینگونه سیاسی کردن اغلب با موفقیت همراه بود زیرا کارگران را در مقابل دولت قرار داده و سرعت در صفوف آنها تشقت ایجاد کرده و راه جلب حمایت مردم را مسدود ساخته است. در برابر این تاکتیک اما کارگران روش کاملاً معکوسی را پیش گرفته‌اند. یعنی مانور سیاست زدایی را برگزیده‌اند. زیرا این روش با مواضع تدافعی آنها انطباق داشته است... پورژوازی با تحصیل سیاست توده‌ای شدن اعتصاب را تعقیب کرده و کارگران با سیاست زدایی توده‌ای شدن را دنبال نمی‌کنند... اما آیا مردم هم در کنار گذاشتن پوشش اقتصادی و بر ملا کردن محتوای سیاسی آن شرکت دارند؟ آیا می‌توان این تضاد را بدون توجه به آمادگی توده‌ها بر ملا کرد؟ و یکبار به مردم گفت حال که همه چیز سیاسی است پوشش را کنار بزنید یعنی از پشت سنگرهای اقتصادی بیرون بیایید و دولت را سرنگون کنید؟ ولی مردم - و کارگران بطریق اولی - اینگونه عمل نمی‌کنند (راه کارگر، شماره ۲، ص ۲۷، تاکید از ماست).

واقعاً که استدلال رفقای راه کارگر شنیدنی

است! این رفقا از این واقعیت که رژیم جمهوری اسلامی با سرکوب هرگونه اعتراض صنفی و اقتصادی به آن جنبه سیاسی میدهد، به این نتیجه گیری صدرمد غلط می‌رسند که هدف رژیم "سیاسی کردن" اعتصابات است و چون "سیاسی کردن" اعتصاب خواسته رژیم است، ما باید سیاست زداشی کارگران را دنبال کنیم و صرفاً در پس مبارزه اقتصادی سنگر بگیریم! از این گذشته، هر مارکسیست مبتدی میدانند که مبارزه اقتصادی و صنفی طبقه کارگر در تحلیل نهایی یک مبارزه سیاسی است و مبارزه سیاسی عالی ترین شکل مبارزه طبقه کارگر است. شرایط ویژه ایران این پروسه را خارج از خواست روشنفکران، بسیار کوتاه میکند. لنین در این مورد در "چه باید کرد" مینویسد:

آگاهی طبقه کارگر نمیتواند برآستی سیاسی باشد مگر آنکه کارگران بیاموزند که در برابر همه و هرگونه خودکامگی، ستم، زور و سواستفاده، صرفنظر از اینکه چه طبقه‌ای قربانی آن باشد، عکس العمل نشان دهند... کسی که توجه، مشاهده و آگاهی طبقه کارگر را تنها و یا بطور عمده بخود وی متوجه سازد سوسیال دمکرات نیست، زیرا خودشناسی طبقه کارگر به نحوی ناگسستنی فقط نه به درک ثنوریکی روشن... بلکه همچنین به درک عملی مناسبات موجود ما بین طبقات جامعه توین مربوط است.

سرکوب هرگونه اعتصاب از جانب رژیم به بهانه برهم زدن "امنیت" کشور هیچگاه باعث نخواهد شد که کمونیست‌ها کارگران را از مبارزه سیاسی که رژیم به ناچار و از فرط استیصال به توده‌ها تحمیل نموده است، برحذر دارند و به کارگران بگویند که در برابر خودکامگی، ستم، زور و ترور رژیم بکوت کنید و فقط متوجه خواسته‌های بیواسطه اقتصادی خود در چهارچوب کارخانه باشید! با استناد به هیچ نوشته مارکسیستی نمیتواند و اهمه رفقای راه کارگر از سیاسی شدن اعتصابات و اعتراضات کارگران را توجیه نمود. در حقیقت، رفقای راه کارگر با اختصاص دادن صفحات بسیاری به این مسئله، سیاست زداشی و مواضع تدافعی و تسلیم طلبانه ای که بخش قابل ملاحظه‌ای از کارگران ناآگاه و غیر متشکل به آن متوسل میشوند، را توجیه ثنوریک مینمایند. و این کار صرفنظر از اینکه نیست واقعی این رفقا چه باشد، عملاً به نگهداشتن کارگران در چهارچوب مبارزات اقتصادی کمک میرسانند.

همانطور که ما قبلاً اشاره کردیم، کمونیست‌ها هیچگاه ضرورت مبارزه اقتصادی بوجود آوردن تشکل‌های لازم برای دنبال کردن خواسته‌های اقتصادی را نفی نمیکنند. بحث اساسی بر سر رابطه بین مبارزه اقتصادی و مبارزه

سیاسی و ارتقاء اولی به دومی است که متأسفانه راه کارگر این ارتباط را درک نکرده است.

شاید رفقا خودشان نیز متوجه نیستند که رژیم به دلیل سیاسی بودن خواسته‌های کارگران که اساساً در مقابل هر خواسته‌ای از جانب کارگران، چون ماهیتاً از پاسخ دادن به آن ناتوان است، سرکوب را در پیش میگیرد. پس این عقب‌نشینی چه چیز را تغییر میدهد؟ بد نبود رفقای راه کارگر توضیح میدادند که آیا در چنین شرایطی محدود کردن کارگران به خواسته‌های صرفاً اقتصادی مانع از ادامه سرکوب از جانب رژیم میگردد؟ چنانچه بپذیریم که رژیم هرگونه خواسته اقتصادی را سیاسی وانمود میکند پس طبعاً رفقا باید به این نتیجه برسند که برای جلوگیری از سرکوب تشکل‌های صرفاً صنفی - اقتصادی کارگران باید آنقدر عقب‌نشینی کرد تا برای رژیم قابل تحمل باشد و این چیزی نخواهد بود جز پائین آمدن در سطح "انجمن‌ها و شوراهای اسلامی" رژیم و تشجیحاً تن دادن به مزدوری او. چرا که رژیم کوچکترین خواستی را که مفایر با منافع کوتاه مدت و بلند مدت خود تشخیص دهد به بهانه ضد اسلامی بودن و غیره سرکوب خواهد کرد. برای روشن شدن مسئله، مثال زنده‌ای را که نمونه آن هر روزه در جامعه بوقوع می‌پیوندد، ذکر میکنیم:

کارگران یک واحد تولیدی برای افزایش دستمزد خود (خواست اقتصادی) دست به اعتراض می‌زنند. مدیر کارخانه به خواسته‌های آنها توجه نمیکند و کارگران در ادامه مبارزه خود به تحصن متوسل میشوند. مدیر کارخانه پاسداران را برای درهم شکستن مقاومت کارگران فرا میخواند و مزدوران سپاه نمایندگان کارگران را دستگیر میکنند. کارگران در مقابل با خواست آزادی نمایندگان خود، مبارزه را دنبال مینمایند. این خواست دیگر یک خواست اقتصادی نیست، بلکه با شعار "آزادی زندانی سیاسی" که یک خواست سیاسی عمومی است مرتبط میگردد.

در اینجا رفقای راه کارگر به کارگران توصیه میکنند مبادا خواست آزادی نمایندگان خود را مطرح کنید و "بوش اقتصادی" را به کنار بزنید، بلکه همچنان خواهان افزایش دستمزد باشید! فکر میکنیم که جوهر اکونومیستی نظرات رفقای راه کارگر به اندازه کافی روشن شده باشد. واقعیت این است که اغلب اعتراضات از نوع بالا به دلیل فقدان آگاهی، تشکل و سازماندهی کارگران و پراکنده بودن مبارزات به شکست می‌انجامد. رفقای راه کارگر به عوض آنکه به کارگران بگویند که دلایل شکستشان چیست، مواضع تدافعی و تسلیم طلبانه را به آنها موعظه میکنند و از آنها میخواهند که همچنان در چهارچوب مبارزه اقتصادی فعالیت کنند. این

رفقا یک واقعیت روشن و مسلم را از خاطر دور میدارند و آن اینکه گویا رژیم فقط مبارزه سیاسی کارگران را سرکوب میکند و میتواند مبارزه اقتصادی آنها را تحمل کند. بررسی مختصر مبارزات کارگران ایران در چند ساله گذشته بخوبی نشان میدهد که اغلب اعتراضات کارگری در همان اولین گام‌های خود که هنوز خواسته‌های اقتصادی به خواسته‌های سیاسی ارتقاء پیدا ننموده‌اند، سرکوب گشته‌اند.

اما رفقای راه کارگر به ما میگویند اگر کارگران به جای کمیته مخفی اعتماد که شکل سیاسی است، به ایجاد اتحادیه که تشکلی صنفی و دمکراتیک است، بپردازند، میتوانند این مبارزه اقتصادی را تداوم بخشند و آنرا در شرایط مساعد آتی به سازمان‌های اقتدار توده‌ای (کمیته‌های مخفی اعتماد) تبدیل نمایند. در همین ارتباط، راه کارگر سچفاً را متهم میکند که معتقد است "اتحادیه قابلیت تبدیل به سازمانهای توده‌ای را ندارد". همانطور که ما قبلاً در بخش سازماندهی کارگری بر اساس کمیته‌های مخفی اعتماد اشاره کردیم، مسئله بر سر نفی قابلیت توده‌ای شدن اتحادیه نیست. اتحادیه یکی از ضروری ترین شکل‌های توده‌ای کارگران است که زمینه‌های لازم را برای رشد آگاهی سوسیالیستی طبقه کارگر فراهم میسازد و متأسفانه طبقه کارگر ایران بنا به دلایل بسیار (که یکی از آنها شرایط دیکتاتوری بوده است) از آن محروم بوده است. گویا رفقای راه کارگر هنوز با واقعیتات جامعه ایران آشنایی کافی ندارند. آنها در یکی از دیکتاتوری ترین کشورهای جهان، اتحادیه را که تشکل صنفی، قانونی و علنی کارگران است، محور حرکت کارگران قرار میدهند. عجیب است که رفقا هنوز تعریف دقیقی اتحادیه را نمیدانند!

اگر جنبش کارگری و جنبش کمونیستی تا بحال از ضرورت تشکیل اتحادیه غافل مانده است، رفقای راه کارگر بد موقعی میخواهند با تاسیس اتحادیه، جبران مافات کنند. اما این رفقا فوراً خاطر نشان میسازند که منظور آنها از اتحادیه، با برداشتهای متعارف از آن، متفاوت است:

بدیهی است هرگاه تصور ما از اتحادیه، یک هیئت سنگین و غول آسائی باشد که با انبوهی روابط رسمی اساسنامه‌ای، ثبت و احوال، دفتر و دستک و عضو گیری، حقوق اعضا، گزارش مالی، جلسات عمومی، انتخابات و رسیدگی به بی انضباطی اعضا و اخطار و اخراج درهم پیچیده شده باشد، آری یک چنین اتحادیه‌ای برای یک لحظه در جامعه ما دوام نخواهد آورد ("راه کارگر"، شماره ۳، ص ۲۷).  
آنگاه رفقا تعریف (متأسفانه مجبوریم بکنیم من - در آوردی!) خود را از اتحادیه عرضه میکنند:

ولی هرگاه اتحادیه را متشکل از گروه مجربی از کارگران در نظر آوریم که از طریق کارگران آزموده دیگری در هر کارگاه و کارخانه با توده کارگران ناراضی و حق طلبی که بر سر حقوق صنفی شان حتی حاضرند سر مدیریت را به دیوار بکوبند ارتباط دارند و روال کارشان را بر اساس اعتماد کارگری استوار کرده‌اند، آنوقت دیگر هیچ جای نگرانی نخواهد بود. اگر "شرایط انفجار - آمیز جامعه" ضرورت شکل گیری سازمانهای اقتدار توده‌ای را مطرح کرد، این اتحادیه‌ها مبدل به بازوی اصلی آنها خواهند شد ("راه کارگر، شماره ۳، ص ۲۷).

اینگونه شعارها از مسائل پایه‌ای مارکسیسم ما را نسبت به رفقای راه کارگر مایوس و متعجب میسازد. چرا که ما روی رفقا خیلی بیشتر از این حساب می‌کردیم. ما تعجب میکنیم که رفقا چگونه به تشکلی که بیشتر به تجمع "کارگران لوطی" و "آزموده" شباهت دارد، نام اتحادیه می‌نهند و انتظار دارند که آنها در شرایط انفجار آمیز جامعه به بازوی اصلی سازمانهای اقتدار توده‌ای بدل گردند!

رفقای راه کارگر میخواهند با تشکیل اتحادیه مورد نظر خود که بیشتر بر موازین اخلاقی و دوستانه استوار است تا موازین مبارزاتی و عملی، به ارتباطات بین کارگران صورت پایدار و مبارزاتی بدهند: اگر بپذیریم جنبش کارگری ما در شکل اقتصادی وسیعترین گروه کارگران را با خود دارد، اگر بپذیریم بیشترین ارتباطات میان افراد و گروههای کارگری بر سر خواسته‌های بیواسطه است، چسرا نتوانیم به همین روابط صورت پایدار بدهیم؟ ("راه کارگر"، شماره ۳، ص ۲۷).

گویا رفقا فراموش کرده‌اند که رژیم هر نوع خواست اقتصادی کارگران را سیاسی جلوه داده و ارگان‌های سرکوب خود را به کارخانه می‌فرستد. حال امکان شکل گیری این "روابط پایدار" چگونه است؟

رفقای راه کارگر خود هیچگونه پاسخی به این سؤال نمی‌دهند. این رفقا که به سچفاً خرده میگیرند که ضرورت "اینهمه مخفی گرائی کمیته‌های مخفی اعتماد برای چیست"، خود توضیح نمی‌دهند که چگونه میتوانند تشکیلات گل و گشاد اتحادیه‌ای خود را در برابر یورشهای رژیم جمهوری اسلامی "پایدار" نگهدارند.

در اینجا لازم است مجدداً تکرار کنیم که مسئله بر سر نفی خواسته‌های صنفی - اقتصادی و بیواسطه کارگران نیست. همانطور که اشاره کردیم رفقای فدائی طوسی مقاله‌های متعدد مندرج در "کار"، متذکر شده‌اند که کمیته‌های مخفی اعتماد ضمن اولویت دادن به مبارزات

سیاسی طبقه کارگر، از طریق تشکلهای نیمه علنی - نیمه مخفی چون صندوق بیکاری، وام و کمک، خواسته‌های اقتصادی طبقه کارگر را، نیز به دست فراموشی نمی‌سپارند. بنظر ما نکته‌ای که رفقای راه کارگر از درک آن - عاجزند، این است که وظایف تشکلهای صنفی - اقتصادی پرولتاریا، را در شرایط خفقان و سرکوب باید بهمه سازمانهای مخفی که پایه‌های بیشتری دارند، واگذار نمود. در این مورد تفکرات لنین در "چه باید کرد" بسیار آموزنده است:

پس ما بوسیله مجاز ساختن نمی‌توانیم مسئله ایجاد یک سازمان حرفه‌ای را که حتی المقدور دارای پنهانکاری کمتر و وسعت بیشتری باشد، حل نمائیم... تنها راه حلی که باقی می‌ماند سازمانهای پنهانی حرفه‌ای است و ما باید به کارگزارانیکه هم‌اکنون در این راه قدم می‌گذارند همه شوق یاری و مساعدت نمائیم. سازمان‌های حرفه‌ای نه فقط میتوانند فایده هنگفتی در امر توسعه و تحکیم مبارزه اقتصادی رسانند، بلکه میتوانند دستیاران مهمی هم برای تبلیغات سیاسی و تشکیلاتی انقلابی شوند.

در خانه لازم است یک انحراف دیگر رفقای راه کارگر را که ناشی از تفکرات اکونومیستی آنهاست، یادآور شویم. بدیهی است که در جنبش کمونیستی همواره سدیگاها و اتحادیه‌ها در خدمت رشد آگاهی سوسیالیستی طبقه کارگر بکار گرفته شوند. تفاوت اکونومیستها و کمونیستها در این بوده است که اکونومیستها مبارزه را صرفاً محدود به حریم اقتصادی می‌نمودند و کمونیستها مبارزه اقتصادی را در خدمت مبارزه سیاسی قرار میداده‌اند. لنین در مقاله "طرز برخورد حزب به اتحادیه‌های کارگری" این تفاوت را دقیقتر مشخص می‌سازد:

آنچه که بلشویسم را از منشویسم متمایز میگرداند آن نیست که بلشویسم کار در اتحادیه کارگری، یا انجمنهای تعاونی و غیره را رد - میکند، بلکه آنست که بلشویسم روش متفاوتی در کار تبلیغ و صهیج و سازمان دادن طبقه کارگر برمی‌گزیند. بدون شک فعالیت در اتحادیه‌های کارگری امروز حاوی اهمیت بسیار زیادی است. برخلاف بیطرفی خواهی منشویکها، ما باید این فعالیت‌ها را در جهت سمتگیری نزدیکتر اتحادیه‌ها با حزب و رشد آگاهی سوسیالیستی ادراکی از وظیفه انقلابی طبقه کارگر انجام دهیم... کار انقلابی در اتحادیه‌های کارگری تاکید را از حیل‌های پارلمانی برمی‌دارد و بر تعلیم طبقه کارگر، بر تشکیل سازمانهای طبقاتی، در خارج از پارلمان، مبارزه کردن، بر توانایی استفاده (و آماده کردن توده‌ها برای امکان استفاده موفقیت‌آمیز) از اعتماد عمومی و نیز "استفاده از مبارزه از نوع دسامبر" میگذارد (لنین، اتحادیه‌های کارگری، از انتشارات نبرد کارگر، صفحات ۱۱۷ - ۱۱۸).

در مقابل اینهمه اهداف متعدد انقلابی و مبارزاتی که بلشویکها از حرکت در اتحادیه‌های کارگری داشتند، اتحادیه مورد نظر رفقای راه کارگر صرفاً بر سر حقوق صنفی و اقتصادی کارگران مبارزه میکنند و در چهارچوب مبارزه اقتصادی محدود شده‌است. بدینگونه است که در شرایط امروز جامعه ایران صفتی ضرورت کمیته‌های مخفی اعتماد با وظایف متعدد انقلابی آن، به اکونومیسم ناب می‌انجامد. ما امیدواریم که رفقای راه کارگر خواهان چنین سرانجامی نباشند.

(ر. ل.)

### بیانیه مشترک...

۱- از خلقهای سراسر ایران می‌خواهند با تشدید مبارزات خود علیه رژیم جمهوری اسلامی، با سیاست تخریب روستاها مقابله نموده و از مبارزات برحق و عادلانه ملت کرد حمایت نمایند.

۲- از کلیه سازمانها و احزاب مترقی و انقلابی سراسر ایران می‌خواهند که به وظایف انقلابی خود در قبال حمایت فعال از مبارزات انقلابی - دمکراتیک خلق کرد، عمل نموده، با افشای جنایات متعسدد و بیستار رژیم در کردستان، ماهیت ارتجاعی و فداکاری سیاست اخیر آنرا افشا نمایند و فریاد اعتراض خلق کرد را به گوش تمامی خلقهای ایران و جهان برسانند.

۳- از کلیه سازمانها و احزاب مترقی و دمکرات سراسر جهان می‌خواهند که با حمایت و پشتیبانی هرچه گسترده‌تر از مبارزات انقلابی مردم کردستان، از ادامه این سیاست ممانعت بعمل آورده و فریاد اعتراض خلق قهرمان کرد را به گوش تمامی جهان بیاورند و بدینوسیله حامیان چنین رژیم ددمنشی را در سطح جهان رسوا نمایند و مانع از آن گردند که رژیم بتواند چنین سیاستی را عمل نموده، بخش وسیعی از مردم زحمتکش کردستان را آواره و بی‌خانمان نماید.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران حزب دمکرات کردستان ایران

۶۳/۶/۲۱

### توضیح

به علت اختصاص دادن صفحات زیادی از این شماره به گزارش آکسیون سراسری ۲۷ سپتامبر، متأسفانه قادر به چاپ مطالب زیادی از جمله "جنگ لبنان و انقلاب فلسطین"، "موزش مقوله‌های فلسفی، اجتماعی و سیاسی"، "لنین در مخفی گاه"، پاسخ به تعداد زیادی از نامه‌های رسیده و... در این شماره نشدیم. این مطالب در "جهان" شماره ۲۵ درج خواهند شد.

۶۳/۶/۲۱

## خاطرات یک رفیق از همایون کتیرائی در زندان



۱۷ مهر ماه امسال مصافح است با چهاردهمین سالگرد شهادت رفیق همایون کتیرائی و ۶ نفر دیگر از رفقای گروه "آرمان خلق". به منظور بزرگداشت - خاطره دلاوری‌های این رفقا، متن خلاصه شده ذیل را به نقل از "کار" شماره ۲۹ درج می‌کنیم.

"جهان"

و قبل از آنها و در کنار آنها کار شستن ظروف را شروع میکرد. او لذت‌کار جمعی و لذت‌کار داوطلبانه را به ما چنانست. لیست اسامی "شهردارها" و نوبت‌های آنها، دیگر بصورت فرمالیته در آمده بود. در جمعیته همه با هم کار میکردند... و به این ترتیب در چشم بهم زدن، ضمن شوخی و خنده و خواندن شعر و سرود، تمام کارها انجام میشد در جمعیته. در سایه حضور همایون، سنت‌هایی گذاشته شد که به زندانهای دیگر نیز منتقل شد. اما در هیچ کجا مانند جمعیته خوب و کامل اجرا نمیشد. در جمعیته ما هر شب بعد از شام و ضمن صرف آخرین چایی، در راهرو بگردیم می‌نشستیم... و به خواندن شعر و سرود می‌پرداختیم بیشتر ترانه سرودهای ترکی و لری خوانده میشد. رفقای آرمان خلق، آرشبو متحرک ترانه های رزمی و حماسی خلق تر بودند. وقتی همه بطور جمعی به خواندن می‌پرداختند، صدای گرم، رسا و پرطنین همایون از صدای دیگران کاملا متمایز و مشخص بود... وقتی در شعر "دایه - دایه" وصیت‌های خود را با مادرش در میان میگذاشت، خون به صورت هم می‌دید. قلبها به شش می‌افتاد و بعضی گلرها را می‌شرد.

ما بچه‌های جمعیته دور شعر را... همایون مدیون هشتم و از او یاد گرفتیم، شعر "بنجه برگ‌ها" و شعر "وان سروری". در آن موقع هنوز رفیق طلیحنا نایدل این شعر را در اوین بصورت منظوم و موزون در نیاورده بود. همایون بخشی از شعر را که رفیق بهمن آژنگ مدتها قبل به نشر ترجمه کرده بود و از طریق رفقای فدائی به گروه آرمان خلق رسیده بود، بخاطر داشت و میخواند. صدای گرم و پرشور همایون هنوز در گوش ما زنگ می‌زند:

شعله مانند گدوم خورشید میدهد  
و خشم، خرمن سرخ امیدهای فروگرفته است  
بیم مدارید، مدارید  
هرمرگ، در بچه‌ای است که به روی شباهی بسته میشود  
هرمرگه دروغ و زشتی و فحشا را پایان می‌بخشد...

همایون هم چیزی را به بچه‌های جمعیته معیون است. سرود چریکهای فدائی خلق ایران را. این سرود که در نایبستان در اوین (در همان اطاق عمومی) ساخته شده بود برای اولین بار در جمعیته اجرا شد و از طریق جمعیته بود که به زندانهای دیگر و از جمله اوین منتقل شد... ضمن تمرین سرود در یک سلول که سعی میشد صدا زیاد بلند نباشد و قبل از مواقع جلب توجه نکند، چند بار همایون از جلو سلول رد میشد

ساواک مرتب زندانیان را از زندانی به زندان دیگر و از سلولی به سلول دیگر منتقل میکرد. در جریان چنین نقل و انتقالاتی بود که یک روز در نایبستان ۱۳۵۰، در زندان قدیمی اوین، همایون کتیرائی از سلولهای انفرادی به اطاق عمومی ما منتقل شد... رفقای آرمان خلق تنها اسطوره شجاعت و مقاومت نبودند، اسطوره عشق و محبت نیز بودند. عشق بیکران به خلق و محبت بی‌پایان به یکدیگر. دلچسبگی این رفقا به یکدیگر و بویژه عشق سرشار از سخاوت و احترام آنان نسبت به همایون، چیزی در حد افسانه بود... همایون برای ساواک یک زندانی مادی نبود. مسئله این نبود که چگونه اطلاعاتی را از او بگیرند. این را تجربه کرده بودند و می‌دانستند که سودی ندارد. کار از خلق گذشته و به جز فایده کردن روی اجاق برقی رسیده بود. اما حاصل تمام شکنجه‌ها این بود که همایون بجای گفتن قرارهایی که با اسدالله مفتاحی (فدائی شهید) داشت، مامورین را به سر فرارهای دروغین می‌برد و ساعت‌ها در خیابانها می‌چرخاند و تفریح میکرد و بعد آنها را غصه و کوفته و زوزه کنان از فرط یاس و خشم به زندان باز میکردند تا دو - باره به جان او بیافتنند. سه، مسئله چگونگی گرفتن اطلاعات نبود. مسئله این بود که چگونه او را مهار بزنند و آرام نگهدارند و از خشم او مضمون بمانند. چون یک لحظه لغفلت کافی بود که همایون بازجویی را بسوی پنجره بکشانند و او را به بیرون پرتاب کنند یا شلاق او را از دست او بیرون بکشند و متقابلا به جانش بیافتنند. از همین رو بود که در مراحل بازجویی و تا مراحل نزدیک به محاکمه، همیشه به پای همایون زنجیر می‌زدند... صدای زنجیر پای همایون به هنگام راه رفتن، برای زندانیان قتل‌قلعه فدائی آشنا و تجسم مقاومت و پایداری بود. صدایی که در دلها شور مبارزه می‌آفرید و آنتی کینه را شعله‌ور میساخت...

همین که همایون به جمعیت بیست نفره ما ملحق شد، جو اطاق بطور ناگهانی تغییر کرد. حضور همایون به همه گرمی و امید میداد. به کسانی که زیر بازجویی بودند، قوت قلب میداد. به کسانی که رفتار درستی بعنوان زندانی سیاسی نداشتند، آموزش میداد در حضور او که یک "شهید زنده" بود، کسی که چنین دلیرانه به مبارزه برخاسته بسود و اکنون نیز در یک قدمی میدان تیر چیتگر و پس از آن همه شکنجه خم بر ابرو نمی‌آورد، دیگر چه کسی میتواند در اندیشه دشواری های زندان و چند ضربه شلاق باشد؟...

یک روز صبح رود که هنوز هوا تاریک بود دنبال همایون آمدند و او را برای بازپرسی و محاکمه بردند. شاید از همان

معلوم بود که سرود توجه او را جلب کرده است و بعد دیگر همایون طاقت نیاورد و در سکوت به درون سلول خزید و در گوشه‌ای به رسم همیشه خود چمباتمه زد. او در حالتی که سعی میکرد در کار تعمیرین اغلالی ایجاد نکند با مدای آهسته همراه با آن چند رفیق سرود را تکرار میکرد و به این ترکیب او نخستین کسی بود که سرود را بطور کامل و با آهنگ صحیح فرا گرفت.

نخستین روزهای ورود ما به مجتهدیه، معادف بود با دادگاه دوم رفقای آرمسان خلق. در دادگاه دوم نیز همایون و چهار رفیق دیگر آرمسان خلق - که در زندان قصر بودند - به اعدام محکوم شدند. ساواک که تا آن موقع بسیاری از کادرهای بالای چریکهای فدائی خلق (و همچنین مجاهدین) را دستگیر کرده بود، ظاهراً اصرار زیادی برای اعدام رفقای آرمسان خلق نداشت.

چندین بار ملاقاتهای طولانی به خانواده همایون دادند تا شاید دل او را نرم کنند. اینطور بنظر میرسید که با کوچکترین نرمش و ملایمت و گونا آمدن از جانب همایون، حاضر بودند که حکم اعدام او را به حبس ابد تبدیل کنند ولی چنین ترمشی دیده نشد.

همایون شبها بسیار دیر میخوابید و صبح زود همراه با دیگران از خواب بیدار میشد... در مجتهدیه تا دیروقت به بحث می‌نشست. در اینجا دو سه نفر بودند که مبارزه سیاسی صرفاً قبول داشتند و بسا مبارزه مسلحانه و استراتژی و تاکتیک رفقای فدائی مخالف بودند. همایون بعنوان مدافع این مشی نوین با آنان به بحث می‌پرداخت و مدعی دیگر نیز برای شنیدن بحث می‌آمدند و سلول کوچک زندان از جمعیت نایب میشد. این احتمال وجود دارد که رفقای آرمسان خلق در تماسهای قبلی خود با رفقای فدائی به توافق نظر کاملی از نظر استراتژی و تاکتیک نرسیده بودند ولی حرکت آنان بسمت شهر و به تهران چیزی خلاف این را میگوید و بهر حال پس از اولین ضربات وارده به این گروه کوچک... افراد باقیمانده ناگزیر بودند به فدائیان نزدیکتر شوند و با ادامه یافتن این ضربات سرانجام تنها همایون و بسک سمیات گروه باقی ماندند. همایون با رفیق فدائی شهید ادالله مفتاحی رابطه داشت و فرار بود به تیمهای فدائیان مطلق نبود. در آخرین شب قبل از دستگیری که فرار بود فردای آن روز خانه اش را تخلیه کند و به یک خانه تیمی فدائیان منتقل شود، تعداد زیادی اعلامیه‌های فدائیان را که در خانه داشت به خیابان برد و شب تا دیر وقت مسئول بخش اعلامیه بود. عشقی زیاد ناشی از این فعالیت سنگین، باعث شد که صبح بهنگام ورود مامورین ساواک به خانه اش،

نشانند با سرعت لازم فکس العمل مناسب نشان دهد. او تنها توانست به بهانه برداشتن کتبه سمت اسطوخودوس سرود اما موفق نشد.

در نخستین ساعات با امداد هفدهم سپهبد موقتی که همه در مجتهدیه خواب بودند، مامورین به دنبال همایون آمدند و سعی کردند دیگران را بیدار نکنند. گفته بودند بازجوی همایون میخواهد شوالااتی از او بکند. بسا باید با کسی مواجه دادم شود از این قبیل حرفها. دو رفیقی که با همایون در یک سلول مسخوابیدند بیدار شده بودند اما آنها هم ترجیح داده بودند دیگران را بیدار نکنند.

اگرچه حدس زده بودند که موضوع از چه قرار است. ظاهراً چهار رفیق دیگر از میان خلق (هوشنگ ترکگل، ناصر کریمی، سپهر طاهرزاده و ناصر مدنی) را نیز از زندان قصر به مجتهدیه (زورروی سلولهای انفرادی) آورده بودند تا قاضی صکر مراسم قبل از اعدام را اجرا کند. همایون به عنوان علامت، ساعتش را به مامورین داده بود که به رفقای هم اطلاق می‌شدند و گفته بود ساعت مال آنهاست. رفقا ساعت را گرفته بودند و دیگر همه چیز روشن شده بود. اما هنوز هوا تاریک بود و رفقا بی آنکه دیگران را بیدار کنند خود به تاریکی گریخته بودند. دو سه روز مانده بود به جشن های دوهزار و پانصدمین سال و این در واقع مهر چشمی بود.

وای شکفتا که درست در شب پیش از آن سپیده دم، درست در واپسین شب با فدائوسی شهید، عباس هوشمند روی ترانه سرود جدیدی کار کرده بودیم و عباس در برنامه شعرخوانی شبانه، این شعر جدید را که روی آهنگ قدیمی "لالایی" ساخته شده بود، خوانده بود. در این شعر ما سنت شکنی کرده بودیم و بجای یاد کردن از رفقای شهید، نام چند "شهید زنده" یعنی رفقای آرمسان خلق را آورده بودیم و این اولین بار بود که در حضور همایون، سرودی را میخواندیم که نام او در آن آمده بود. بند آخر این لالایی چنین بود:

لالالا گل پیرو  
ای خلق تو درود بر تو  
چون با چریک فدائی  
کریمی و کشراشی  
مدنی و طاهرزاده  
ترکگل اون مرد آزاده  
از قلبت جوونه زمین  
به یاری خلق او مدن

نیاید از خصم در هراس  
چون که حقیقت با شماست

وقتی عباس به بند آخر رسید، صدا در گلوش شکست و بنا گلوی بعضی گرفته به دشواری شعر را تا سطر آخر خواند و صدایش گواهی میداد که احتمالاً اشک نیز برپشته چهره اش

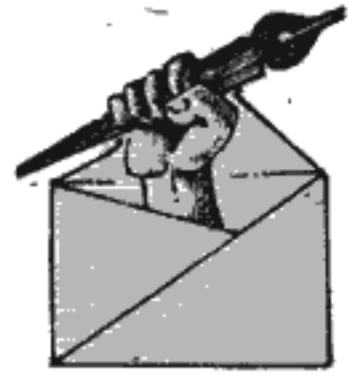
دویده است. پس از شعر سکوت سنگینی برای مدتی جمع را فرا گرفت.

آری، این درست شب پیش بود. آنها عباس میدانست که این شهید زنده چنین زود و در واقع بقاعده چند ساعت در برابر جوهره اعدام خواهد ایستاد؟ نه، همچنان که میدانست خود نیز در فروردین ماه سال ۵۶، سرخ ترین سرود زندگیش را با فشار خونش در راه خلق و طبقه کارگر خواهد خواند.

صبح، برای ما مسئله در حد "احتمال" و "شاید" بود اما برخی که شواهد را کافی میدانستند، مدتی را هم که باید بمناسبت شهادت رفیق فداقت میشد، نوشتند. بساط سبحانه پهن بود. صبحانه آنروز لوبیا بود. هر کسی بر سر سفره جاشی برای خود بافت و نشست. اما گفته شد که همه بیباغبند. متن خوانده شد و یک دقیقه سکوت اعلام شد. در حالت بهت و ناباوری، اشک بر گونه ها جاری شد. بعد سرود چریکهای فدائی خلق خوانده شد. صداها شکست و لرزان بود، اما بتدریج اوج گرفت و سرانجام زندان بلرزه درآمد. بعد دوباره بر سفره نصیبیم اما غذا سنگ شده بود و از گلو پاشین نمیرفت. با بر مکن گلو سنگ شده بود. مگر با گلوی بعضی گرفته میتوان لقمه فرو داد؟ یا مگر کسی اشها داشت؟ هر کسی با قاشق و بشقابش بازی مختصری کرد و برخواست. همه به سلول های خود پناه بردند و سکوت سنگینی تمام بند را فرا گرفت.

سربازان نگهبان بند ما هر روز عمو می شدند تا با ما آشنائی بهم نزنند. روز بعد یکی از سربازان تعریف کرد که در مراسم اعدام حاضر بوده است. میگفت موقع اعدام سرود میخوانده اند. برخی از کلمات سرود را بخاطر داشت. معلوم شد سرود چریکهای فدائی خلق بوده است. و ما حیرت کردیم. چون آن چهار رفیق دیگر که از زندان قصر آمده بودند قطعاً این سرود را که هنوز جدید بود، نمیتوانستند بلد باشند. پس همایون در همان فرصت اشک پیش از اعدام، سرود را به آنها یاد داده است. درست در سپیده دم اعدام، در حضور قاضی صکر و پس از (با پیش از) آخرین وصیت، در چنان شرایطی همایون در این اندیشه بوده است که یک سرود جدید به رفقای خود یاد بدهد. سرود چریکهای فدائی خلق. من چریک فدائی خلقم، جان من فدای خلقم!





● سوئد: رفیق ش: نامه و نکات انتقادی شما دریافت شد. ما از طریق رفقای مسئول در این مورد بررسی و پی گیری لازم را خواهیم کرد.

● آمریکا - کالیفرنیا، دوست عزیز: درخواست شما دریافت شد، اقدام میشود.

● آمریکا - مریلند، فروشگاه "دکان": نامه و درخواست شما رسید. ضمن تشکر بسیار، در این زمینه اقدام گردید.

● کانادا - مونترال، الف. میم: مطلب جالب تهیه شده از جانب شما در مورد مجاهدین و افشاء سیاستهای سازشکارانه آنها بدستمان رسید. ضمن تشکر، سعی میشود از نکات آن استفاده شود.

● آلمان - لباخ، دوست عزیز: ج.ع: نامه و درددلهای شما را دریافت کردیم. ضمن تشکر از حسن نیتهای شما، توصیه میکنیم که برای دریافت نشریه جهان به آدرس: -

تشکیلات هواداران در آلمان که در صفحه ۵۵ هر شماره "جهان" درج میگردد مراجعه کنید تا نشریه سریعتر و ارزانتر بدستتان برسد. در مورد اختلافات ما بین فدائیان و سازمان مجاهدین، بهتر است به سلسله مقالات "شکست یک اندراتزی" در شماره های مختلف "جهان" مراجعه کنید.

● آمریکا - کالیفرنیا، ش. م: درخواست شما رسید. ضمن تشکر، اقدام میشود.

● آمریکا - اورگان، ر. م. ج: چکهای ارسالی شما دریافت شد. با تشکر نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد.

● کانادا - مونترال، ه. اسکندر: نوشته شما در باب آشفته فکری، نقدی بر سرود "بدرود سازمان خاکستر" منتشره در "سویالیسم و انقلاب" شماره ۲، - بدستمان رسید. ما معتقد هستیم که صفحات "جهان" را باید به برخورد با مسائل مهم ترونیروهای جدی - سری اختصاص داد تا پرداختن به محافل روح فکری آشفته اندیشی از نوع "سویالیسم و انقلاب"، همینقدر که ارتجاع جمهوری اسلامی عراقی "سعیدیوسف" را به نفل از "سویالیسم و انقلاب" بعنوان "نمونه برجسته ادبیات خارج نشینان" و برغم خودش در جهت ضربه زدن به سچفا و تمسخر و استهزا، ادبیات چاپ انتصاب و در صفحات روزنامه کیهان چاپ میکند. کافی است تا امثال این شاعر - واخورده و حامیان "سویالیست" و "انقلابی" اش شرم کنند و لحظه ای در طی مسیری که امروز در پیش گرفته اند، به تأمل و تفکر وادار شوند. بهر حال از همکاری شما و مطلب ارسالی تان تشکر میکنیم.

● تایلند - رفقا از مجله و عکسهای جانب ارسالی شما و نیز فایده های بریده های روزنامه بسیار متشکریم، پیروز باشید.

● آمریکا - نیو برانزویک، رفیق م: اخبار ارسالی شما بدستمان رسید. ضمن تشکر، خواهان ادامه همکاری از جانب شما هستیم.

● هند - دهلی، رفیق الف: نامه شما بدستمان رسید. جهت رسیدگی برای رفقای "کمیته" ارسال گردید.

● یونان - هواداران سچفا: رفقای مبارز، نامه حاوی درخواست ها و سئوالات شما دریافت شد. متأسفیم که در کمک به رفیق نیازهای تدارکاتی شما تاخیر و کم کاری شده است. ما مراصب را به اطلاع مسئولین مربوطه میرسانیم.

● فیلیپین - ج. پ: بریده های روزنامه ارسالی شما مورد استفاده قرار گرفت. ضمن تشکر، خواهان

ادامه همکاری هایتان هستیم.

● فرانسه، پ. ل: رفیق عزیز در پاسخ به خواسته و نامه شما، مستقیماً برایتان نامه ای ارسال داشته ایم.

نشریات رسیده

● حزب دمکرات کردستان ایران - تشکیلات اروپا: بولتن خبری شماره ۸۲ بدستمان رسید. متشکریم.

● انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه (هوادار سچفا): منتخبی از مقالات کار به زبان فرانسه، شماره ۱۶ (ویژه سلطانپور) بدستمان رسید. پیروز باشید.

● سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان، اسکاتلند و ولز (هوادار سچفا): خبرنامه شماره ۱۶، ۱۷ و ۱۸ بدستمان رسید.

● هواداران سچفا - یونان: نشریات ارزنده و پرمحتوای شما به زبان یونانی بدستمان رسید. تلاشهای شما در افشای رژیم، شناساندن جنبش انقلابی ایران و ترجمه آثار سچفا به زبان یونانی بسیار ارزنده و قابل تحسین است. - خوشبختانه امروز به همت هواداران کوشای سازمان در نقاط مختلف جهان، مسائل جنبش ایران و نظرات سازمان به بسیاری از زبانها ترجمه و منتشر میگردد.

● سازمان دانشجویان ایرانی در هند (هوادار سچفا): خبرنامه شماره ۱۷ شما دریافت شد. پیروز باشید.

● علم و جامعه، شماره ۲۴ - دریافت گردید. بسیار متشکریم.

● کمیته سهاکل (هوادار سچفا): جزوه منتشره از جانب شما تحت عنوان "هدار به هواداران نیروهای انقلابی" در مورد بیانات اخیر رهبران مجاهدین مندرجه در "مجاهد" شماره ۲۱۷ دریافت شد. متشکریم.

● کانادا، انجمن دانشجویان ایرانی در کانادا (هوادار سچفا): هفته نامه خبری شماره ۵۶ شما دریافت شد. متشکریم.

# مشکلات و مسائل آوارگان و پناهندگان مبارز

چنانکه در سطور زیر میخوانید تعداد هموطنان آواره ماه پویژه هموطنان کرد که بدنبال فشارهای ناشی از ترور و خفقان و بیکردهای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی مجبور به ترک وطن شده‌اند، روبه افزایش است. میزان و وسعت تعداد پنا - هندگان و آوارگان سیاسی کنونی در تاریخ اخیر ایران بی سابقه است. امروز باری رساندن و کمک به سازماندهی آوارگان مرفعی، یکی از وظایف مهم هواداران نیروهای انقلابی در خارج از کشور را تشکیل میدهد. تشکیل کانونها، کمیته‌ها و اتحادیه‌های مختلف پناهندگان و آوارگان در نقاط مختلف جهان، نمایانگر این ضرورت میباشد. - هواداران سچقا در خارج از کشور نیز به سهم خود از هیچ کوششی در این راه فروگذاری نکرده و از ابتدا فعالانه به باری پناهندگان و آوارگان مرفعی شتافته‌اند.



● ترکیه، شورای تدارک برای تشکیل کمیته حمایت و دفاع از پناهندگان ایرانی؛ اعلامیه شما خطاب به سازمان ملل متحد، کمیسیون عالی مسئول پناهندگان، ملیپسرخ جهانی، کمیته حقوق بشر، سازمان های مسئول بین المللی "بدستمان رسید. ضمن تشکر، خلاصه این اطلاعیه را به اطلاع خوانندگان "جهان" میرسانیم. طبق گزارش این اطلاعیه، بدنبال چند حمله وسیع و متناوب رژیم به منطقه شمال کردستان که از خرداد ماه آغاز گشته و با همراهی ارتش، سپاه، بسیج، جاشهای خودفروخته و مزدوران وابسته به قیاده موقت از راه زمین و هوا صورت گرفت، مردم چندین روستا مورد تهاجم همه جانبه و وحشیانه رژیم قرار

گرفتند. هدف رژیم دستیابی به منطقه آزارات و نقاط مرکزی بوده است که طی آن ۷ روستای منطقه که توسط بمب‌های آتش‌زا، کانیوشا، خمپاره و هلی کوپترهای کبرا، وحشیانه به آتش کشیده شده، به تصرف رژیم درآمدند. صدها روستایی زحمتکش کشته شده، هزاران نفر بی خانمان گشته و عده‌ای زن و کودک بی پناه، طبق سنت رژیم مورد شکنجه و تجاوز قرار گرفتند و بعد هم رژیم اعلام نمود که ۷۵ روستا را "پاک سازی" کرده است. بنابه گزارش یکی از روزنامه‌های ترکیه، در طی این حملات رژیم، پنج روستا کاملاً به آتش کشیده شدند، حدود ۵ نفر از روستاها کشته و زخمی گردیده، و حدود ۲۵۰ نفر به ترکیه پناهنده شده‌اند. عده زیادی در مرزها متروک قرار هستند و بسیاری دیگر در راهند و با در کوه و بیابان‌ها سرگردان و آواره مانده‌اند. بسیاری از آوارگان در شهرهای مرزی ترکیه نگهداری میشوند. این عده عمدتاً از زنان و کودکان و زخمی‌ها می‌باشند و عده‌ای شدیداً مجروح و مدموند و نیاز شدیدی به پزشک و دارو دارند و بسیاری نیز اجازه ورود به شهرهای ترکیه را ندارند و در مرزها نگهداری میشوند. بطور کلی همه پناهندگان از لحاظ تغذیه و بهداشت در شرایط بسیار اسفناکی بسر می‌برند و حتی قاقه لباسی و پوشاک کافی هستند. یک گروه سیمصد نفری از آوارگان کرد به عراق پناهنده شده بودند و چون دولت عراق قصد اعزام مردها را به جبهه داشته، از عراق متواری گشته و پس از ۲۸ روز سرگردانی خود را به ترکیه می‌رسانند. بعلاوه خطر عود بسیاری از پناهندگان را - تهدید میکند. بطوریکه وزیر امور خارجه (ولایتی) در سفر اخیر خود به ترکیه رسماً و مشخصاً از مقامات ترکیه خواستار عود پناهندگان به رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی

شده است. اعلامیه در پایان از تمام مراجع بین‌المللی و حقوقی خواستار اعزام نمایندگان و ناظرانی به منطقه کردستان ایران و شهرهای مرزی شده و رسیدگی به وضعیت و خیم پناهندگان و آوارگان شده کرد را خواستار گشته است.

● هند - اتحادیه آوارگان ایرانی - : مطالبی از طرف هیئت دبیران اتحادیه آوارگان ایرانی - هند، همراه با نامه‌ای از طرف مسئول ارتباطات این اتحادیه دریافت شده است که حاکی از فعالیت‌های اخیر این رفقای مبارز در رابطه با مشکلات و مسائل آوارگان ایرانی می‌باشد. اتحادیه اخیراً محاسبه‌ای مطبوعاتی در شهر دهلی نو برگزار نموده است که از انعکاس وسیعی برخوردار گردید. با همت این اتحادیه، مسائل آوارگان و خطراتی که از جانب رژیم آنان را تهدید میکند، در مطبوعات هند وسیعاً منعکس گردیده است. تلاشهای این اتحادیه برای احقاق حقوق آوارگان ایرانی و تماس‌گیری های آنان با سازمان ملل، کمیسیون عالی مسئول پناهندگان سازمان ملل بین المللی و سایر مراجع بین المللی تاکنون با موفقیت‌هایی نیز همراه بوده است.

دوستان مسئول اتحادیه آوارگان طی نامه محبت‌آمیز خود برای "جهان" پیشنهاد کرده‌اند "از آنجا که مسئله آوارگی و آوارگان یکی از مسائل مهم کنونی ایرانیان آواره در سراسر جهان است لذا تقاضا میشود که در هر شماره "جهان" در صورت امکان حداقل یکی دو صفحه بطور مرتب به مسائل آوارگی و آوارگان اختصاص داده شود که همین مسئله کمک‌بزرگی به ایجاد اتحادیه بین المللی آوارگان خواهد نمود یا حداقل میتوان به طرح خیلانی از مسائل حول آوارگی پرداخت."

ما پیشنهاد این دوستان عزیز



Einar Skjervold:

# Samad Behranghi

- Iransk forfatter og martyr



Sermeckt møte. Stilen lutt, språket er  
usædvanlig fantasifullt og funderingsdyktig.  
Slik fikk hun bevisst kontakt både med  
om «Høket»  
«Hjæns venke svarte fisker», blir rekna som  
Samads meisterstykke.



Illustrert og oversatt av Einar Skjervold

Det var en kald natt, dykt regn i et vann.  
Den gamle fisken samlet tolv tusen barn og  
barnbarn omkring seg, og fortalte dem  
denne historien:  
de drev på fisk, men de lot alltid tilbake til  
hverandre igjen.  
En dag var den lille fisken svært takfull  
og så nesten ikke et ord: Den la seg tungt etter

را مورد توجه قرار داده، سعی  
خواهیم نمود در هر شماره بختی را  
به این زمینه اختصاص دهیم. مسأله  
برای پیشبرد این امر مسلماً به -  
تعماسهای مداوم و ارسال گزارشات  
اتحادیهها و کانونهای تشکیل شده  
در کشورهای مختلف نیازمندیم.

● تا یلند- "کانون پناهندگان  
انقلابی و مبارز ایرانی": اعلامیه-  
های شماره ۵ و ۶ شما به همراه نامه  
محبت آمیز و مسئولانهتان دریافت  
گردید. ضمن تشکر از شما به اطلاع  
خوانندگان میرسانیم که این  
اعلامیهها خواستار آزادی یکی  
از هموطنان از زندان اداره مهاجرت  
تایلند شده است.

طبق گزارش کانون پناهندگان،  
هموطن مورد نظر از مرداد ماه ۶۲  
به جرم کم کردن پاسپورت و در نتیجه  
نداشتن ویزا، دستگیر و زندانی  
است. وی به علت شرایط نامساعد  
زندانی، دچار اختلالات عصبی، سوء  
هاضمه، ناپیشانی تدریجی، بیماری  
های پوستی پوستی پوستی دندانها و  
غیره شده است و اخیراً به -  
بیمارستان B.G.H. منتقل گردیده  
است. تلاش کانون برای آزادی این  
هموطن و تعامسهای آنان با سازمان  
ملل بجایی نرسیده است. چرا که  
تلاشهای سازمان ملل تایلند عمدتاً  
در جهت کمک و انتقال فراریان مزدور و پنداشی  
میباشد و پناهندگان سیاسی انقلابی  
و مبارز مورد توجه آنها نیستند.  
در بخش دیگر این اعلامیه، کانون  
پناهندگان از تمامی هواداران -  
نیروهای انقلابی و افراد و تشکل -  
های مترقی استمداد همکاری و حمایت  
نموده است.

ما تاکنون با درج اعلامیهها و  
گزارش اخبار مهم مربوط به فعالیت  
های کانون پناهندگان مبارز و -  
انقلابی در "جهان"، حمایت خود را  
از مبارزات و حقوق آنان اعلام  
کرده و از طریق هواداران سفیر  
در تایلند و سایر کشورها، به یاری  
پناهندگان و آوارگان مترقی شتافته ایم.

زبان نروژی و ارسال نسخهها کسی از  
آن به اجزای مختلف نروژ. سرودی  
خلاصه ای از این برنامه در نشریه  
تفویک حزب کمونیست نروژ چاپ -  
خواهد شد.

علاوه بر این طبق گزارش کمیته  
زنان سازمان آمریکا، رفیق مرزبور  
درصد ترجمه مقالات اصلی نشریه  
انگلیسی "زنان و مبارزه در ایران"  
بزبان نروژی و دانمارکی است و  
تا بحال نیز داستانهای متعددی در  
زمینه ستم بر زنان و مبارزات و  
مسائل زنان کشورهای تحت سلطه توسط  
این رفیق ترجمه و در دست انتشار  
است.

ما ضمن قدردانی از زحمات و  
کوششهای ارزنده رفیق، موفقیت  
هرچه بیشتر ایشان را آرزو مندیم

● نروژ، رفیق جعفر، ج: مجلات و  
مقالات آرسالی شما که حاوی ترجمه -  
های ارزنده و مباحثهای شما بود  
دریافت گردید. در اینجا از فرصت  
استفاده کرده، معرفی کوتاهی از  
فعالیتهای با ارزش شما را به  
خوانندگان "جهان" ارائه می دهیم:

- ۱- ترجمه "ماهی سیاه کوچولو"  
به دو زبان متداول نروژی (بوکمال  
و نی نوشگه). این ترجمه که به همراه  
طرح های یکی از معلمان هنرمند و  
سرشناس نروژ بنام اینار شروالسد  
صورت گرفته در نشریه ادبی و معتبر  
آرینا در کنار مصاحبه ای با رفیق  
مرزبور در زمینه ادبیات مترقی  
ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد، و  
معرفی صد بهرنگی، چاپ رسیده است.
- ۲- ترجمه "ماهی سیاه کوچولو"  
به زبان دانمارکی و چاپ آن به همراه  
مصاحبه ای با رفیق در معرفی صد و  
آثار و عقایدش در پرتیراژترین  
روزنامه دانمارکی بنام "انیفور -  
ماشون".

- ۳- ترجمه چند داستان دیگر از  
صد (سرگذشت یک دانه برف، دو -  
گره روی دیوار) که در روزنامه و  
نشریات مختلف به چاپ رسیده اند.
- ۴- ترجمه برنامه بچها به

دای نمانس با جهان با آدرس  
زیرمکاتبه نمایند:

JAHAN جهان  
P.O. BOX 540  
N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.

## "همیشه پیشمرگان در سنگرند"

ململی از دود بوسنکها و سنگرها ،

و پیراهنی از عطر با روت بر اندام لغزان  
نسیم .

با زتاب زهر خند مسلسل ،

در خا موشی صبح کوهستان ،

و غرش مهیب پرندهگان آتشبار در بهت

آسمان .

هنگامه ی نبردی خونین در گستره ی سرسبز  
دشت ،

و گراهِت استغاثه ی تبوهی از مزدوران

در شنج چغفار :

"این کردستان است

کردستان ایران است

که چنین در خون میدرخشد"

همیشه پیشمرگان در سنگرند

و اینجا همیشه حیات و روشنایی

در عرصه ای به وسعت هستی ،

با مرگ و تاریکی میستیزد .

"کردستان مشت پولادین مقاومت است

کردستان زحمتگشان"

اینجا ... در این کرانه ی ثوفانی ،

هزار مشت ، هزاران هزار مشت ،

مشت پولادین مقاومت زحمتگشان ،

مشت عظیم نفرت خلقی دلاور

که راهی را تا پای جان ،

با خون پیمان بسته است ،

در پنجه های توانای پیشمرگان گره میشود

و در ضربتی سهمگین و دشمن شکن بر چنبره

ارتجاع فرو میبارد

و ارتجاع درهم می شکنند ...

صبح کردستان با کاکا روز حمت آغا زمینود

زن "موج" میبافد

زن "کلاش" میچیند

زن خانه را میکرداند

و به کودکان نثر راه و رسم پیشمرگانی میآموزد .

زن سنگ میکشد

تا کناار و روستا برای خود و برای پیشمرگان

دیگر سنگر بسازد .

زن شنگ شوهرش را بر میکند

و خود تنگ بر میگیرد

و سینه ی دشمن را

دشمنانه نشانه میزود

و در برابر تکرک کلوله

قطعه زیر قسمتی از شعر "همیشه پیشمرگان در سنگرند" میباشند که با بهره گیری از شعر "کردستان" اثر سعید سلطانیور سروده شده است . بخش های داخل گیومه از شعر مذکور نقل گردیده است . این قطعه با بساد شهدا و مبارزان خلق کردچاپ میگردد .

و تراوش نسیمش خونین

سنگش خونین و سنگرش خونین .

این غول خسته در خون میببجد

این غول خسته با شکست میستیزد

این غول خسته می افتد

اما از پای در نمی آید

این غول خسته سرانجام پیروز میشود .

اکنون نبردی سهمگین در خون میخراشد

و خیا با آنها را با خون رنگ میزند

دهکده ها را با خون رنگ میزند

کوچه ها را با خون رنگ میزند

و گیسوان ابریشمین زنان را

با خون رنگ میزند .

اکنون در سرخی شفق ستاره های

پر پر میشود

و پیشمرگی ، زالواری خونش را

در رگبار گلوله ها

نثار راهی کردستان و ایران میکند .

اینک : هزار دست نوازش

بر اندام استوار آن شهید

و اینک هزار شفتنگ انتقام

بر شاهانه های ستمبر خونخواهان .

همیشه پیشمرگان در سنگرند

و اینجا همیشه حیات و روشنایی

در عرصه ای به وسعت هستی

با مرگ و تاریکی میستیزد .

"کردستانی که پرچم سپیده ی صلح را

در شفق خونین مقاومت

پیش میبرد"

خون با لاپوش سرخش بر درگاه خانه ها

می ایستد

بر درها میکوبد و با لاپوش سرخش را

بر درگاهها میآویزد .

قامتی استوار از درگاه بیرون میخراشد

با سلاحی بر کف و آتشی در دل

پیشمرگی از تبار کاروان رزار

و مثل کوشنده ی انسان :

"این کردستان است

کردستان ایران است

که چنین در خون میدرخشد"



و در مزرعه و میدان

دوشا دوش همزمان دیگرش

با طبیعت و دشمن میستیزد

تا بهار و با لندگی

در فردای نزدیک آزادی

در چارسوی ایران

و در مرزهای خونین کردستان شکوفه کند .

"کردستان شکسته ی شکست نا پذیر

کردستان گیسوان خون آلود ما دران"

اکنون ، کاکل سبزه های پیش خونین ،

و پرواز مرغانت خونین .

اکنون ، جوشن آب رودخانه ها پیش خونین





صحنه‌ای از تهاجم پلیس به دانشجویان دانشگاه "تاسات" در تایلند در ۶ اکتبر ۱۹۷۶، روزی که تایلند به حما مبدل شد، زما نیکه تلاشهای "کوکریک برا مور"، نخست وزیر تایلند برای حفظ حکومت ائتلافی و چند حزبی، با حکومت نظامی به شکست کشیده شد و با ردیگر نشان داده شد که در سیستم سرما به داری وابسته به امپریالیسم را می برای "دمکراسی بورژوازی" نیست: با حکومت عربیان سرنیزه و با حکومت انقلابی زحمتکشان. راه سومی برای اینگونه کشورها وجود ندارد.